



شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۰ | سال هشتم
دوره جدید ۱۱۷۸ | شماره پیاپی ۲۱۱
قیمت ۱۰ هزار تومان

بروندهای برای پروژه ۴۰۰ هکتاری مسکن

وصله ناجور

■ بازخوانی یک گفتگو با حسین بشارت به بهانه درگذشتش؛

یزد، ترنج وسط قالی است

■ قیمت مسکن یزد در قله گرانی‌های کشور

نهضت ملی مسکن، نوش دارو یا درمان

■ راه توسعه، خلق کلان‌شهر نیست

چرا به‌جای توسعه میان‌افزا، به حاشیه شهرها رو می‌آوریم؟

■ شهر داخل خودش باید بزرگ شود

شهر یزد؛ سمفونی بد صدایی که سازهایش کوک نیست

■ به جای گسترش شهر، مردم را به بافت تاریخی برگردانید

انبوه‌سازی در بافت تاریخی؛ یک راه حل ساده

■ یاد از روشورهای قدیم

سفیداب؛ یکی از ستون‌های هفتگانه بزرگ



طراح: محسن جعفری

بحران کم آبی جدی است

با هم از این بحران گذرمی کنیم



يژد استور

فروشگاه اينترنتی

www.YazdStore.com





هفته نامه سیاسی
اجتماعی، فرهنگی

جامعه



- یزد سرزمین قافهای خاطره شده
- نقد نباید برخلاف روند توسعه استان باشد

پرونده



- نهضت ملی مسکن، نوش دارو یا درمان
- تولید مسکن ارزان به لحاظ کیفی در شرایط قابل قبول محقق نخواهد شد
- راه توسعه، خلق کلان شهر نیست
- کدام مسکن، مسکن درد مردم خواهد بود
- شهر یزد؛ سمفونی بد صدایی که سازهایش کوک نیست
- توسعه منفصل شهر یزد، عبور از حد ظرفیت سرزمینی
- آپارتمان سازی در یزد جایگاهی ندارد
- یزد از توسعه نامتوازن رنج می برد
- انبوه سازی در بافت تاریخی؛ یک راه حل ساده

یادمان



- سفیداب؛ یکی از ستون های هفت گانه بزک

فرهنگ و ادب

- بازخوانی یک گفتگو با حسین بشارت به بهانه درگذشتش
- حسین بشارت؛ آمیزه تجارت و فرهنگ
- نقدی بر بیلبوردهای تبلیغاتی بانوی زهرایی
- شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش دهم)
- آیین رونمایی از خشت سوم کتاب ثبت احوال بافت برگزار شد



صاحب امتیاز:
نسرین زمان زاده
مدیر مسئول:
زهره شاه شوازی
قائم مقام مدیرمسئول:
مهدی زمان زاده

سر دبیر:
عاطفه ابراهیمی
دبیر تحریریه:
شادی شفیعی
مجری انتشار:
آژانس هنر و تجربه
ویرگول
صفحه آرایی:
سمیرا میدانی
چاپ:
ولیعصر یزد
تیراژ:
۵۰۰ نسخه
نشانی:

یزد، خیابان قیام، کوچه ۱۷
(حسینیه حاجی یوسف)،
کوچه ابریشمی، پلاک ۲
انتشار آکهی:
۰۳۵ ۳۶ ۲۷۴۷ ۱۳
۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۳۴

از تمامی علاقه مندان برای
همکاری در هفته نامه
پرگار دعوت می شود مطالب
خود را به ایمیل نشریه
ارسال کنند. مطالب منتشر
شده لزوما دیدگاه پرگار
نیست. پرگار منتظر نظرات
و انتقادات خوانندگان
است.

پرگار نشریه مستقل و متعلق
به بخش خصوصی است.

پست الکترونیک
Info@pargarnews.ir
دانلود نسخه الکترونیک
www.pargarnews.ir

تصمیمات هیجانی و عوام‌گرایانه؛ مشکلی به بزرگی یک شهر

سرمقاله

عاطفه ابراهیمی



مسکن به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای انسان‌ها به عنوان کوچک ترین عنصر تشکیل دهنده پناهگاه‌ها به شمار می‌رود. چند سالی است ایران در کنار تمام مشکلاتی که تجربه می‌کند با بحرانی به نام بحران مسکن روبروست. این بحران از کمبود مسکن تا قیمت‌های بالا و همچنین ناهمگنی را در برمی‌گیرد. برای حل مشکل مسکن در ایران برنامه‌ها و طرح‌های متعددی مطرح شده اما بیشتر آن‌ها یا با شکست مواجه شده و یا درگیر مسائل و مشکلات بزرگ‌تر است. طرح مسائلی از این دست که دولت سالی یک میلیون مسکن می‌سازد شبیه همان حرف است که با یک میلیون تومان می‌توان کسب و کار راه انداخت. همان اندازه بدون پشتوانه فکری صحیح. اگرچه در دولت‌های نهم و دهم به طور میانگین در هر سال ۷۰۰ هزار واحد مسکونی با عنوان مسکن مهر ساخته شد اما آیا این تعداد، توانست مشکل مسکن ایران را حل کند و آیا تمام این مجتمع‌های مسکونی ساخته شده بدون اشکال است؟ واقعیت این است بسیاری از این پروژه‌ها که در نهایت منجر به ایجاد شهرهای جدید شد پس از گذشت سال‌ها همچنان درگیر مشکلاتی هستند که هم مردم را کلافه کرده است و هم دولتمردان در دولت‌های مختلف.

یکی از نمونه‌های این طرح، شهر پردیس در ۱۷ کیلومتری تهران است. پروژه‌های عظیم که اگرچه بسیاری را خانه‌دار کرد اما مشکلاتش تا به امروز هم ادامه دارد. مشکلاتی که عمدتاً ناشی از عدم پیش‌بینی زیرساخت‌های شهری (شبکه‌های آب، برق، فاضلاب و...) متناسب با جمعیت فعلی در قیاس با جمعیت اولیه شهر جدید پردیس و معلول مدیریت و برنامه‌ریزی اشتباه در گذشته بوده است. بسیاری از شهرهای جدید در ایران دچار چنین مشکلاتی هستند. حالا بحث مسکن ملی که از دولت قبل شروع شد و دولت سیزدهم با جدیت بیشتری آن را دنبال می‌کند در راستای همین طرح‌ها، تبدیل به معضلی برای شهر یزد شده است. سیاست ساخت مسکن‌های دولتی با هدف سرریز جمعیت و در واقع تمرکززدایی از شهرهای بزرگ است. اما آیا جمعیت یزد در چنین وضعیتی است؟ آیا گسترش افقی شهر تنها راه‌حل برای ایجاد مسکن جدید است؟ علاوه بر این مسائلی از قبیل نوع خدمات، قرارگیری مراکز خرید، درمانی و بهداشتی، دسترسی آسان به شهرهای مادر، افزایش ناوگان حمل‌ونقل عمومی همه از مواردی هستند که قبل از ساخت مسکن‌های جدید باید مورد توجه قرار گیرند. آیا یزد آماده رویارویی با این معضلات هست؟

شاید بهترین بهانه برای چنین طرح‌هایی ارزان تمام شدن مسکن است اما واقعیت این است که باتوجه به هزینه‌هایی که در کشور وجود دارد می‌توان گفت اکنون دیگر امکان ساخت مسکن ارزان قیمت وجود ندارد. ساخت هر واحد مسکونی صدها میلیون تومان هزینه دارد و سؤال اصلی این است این هزینه‌ها چگونه قرار است از طرف متقاضیان پرداخت شود؟ آیا در این میان نیاز به پرداخت یارانه از جیب سایر اقشار جامعه است؟ اگر چنین باشد نه ارزان بودن این واحدها محلی از اعراب دارد و نه عدالتی که از آن صحبت می‌شود.

مشکل دیگری که یزد با آن روبرو خواهد شد طراحی این مجتمع‌های مسکونی مبتنی بر فرهنگ این شهر هست. یزد شهری تاریخی است که شیوه زندگی منحصر به خود را دارد باید تلاش کند تا همین سبک و سیاق را حفظ کند نه اینکه مجتمع‌های مسکونی بدقواره و در تضاد با فرهنگ یزد جایی خارج از چارچوب مصوب شهری سر برآورند. مشکل مسکن می‌تواند حل شود اگر دولتمردان به جای تصمیم‌های هیجانی، نظرات کارشناسان و متخصصان و البته دلسوزان این شهر را بشنوند.

یزد سرزمین قاف‌های خاطره شده



مهدی دهقان مشهدی
پژوهشگر مسائل شهری

یزد روزگاری سرزمین سه قاف بود: قنات و قنوت و قناعت. وقتی قنات‌ها پیش خشکید، گویی آب هرز رفته آن بر قنوت و قناعتش بسته شد و ضعف بر آنها سایه افکند.

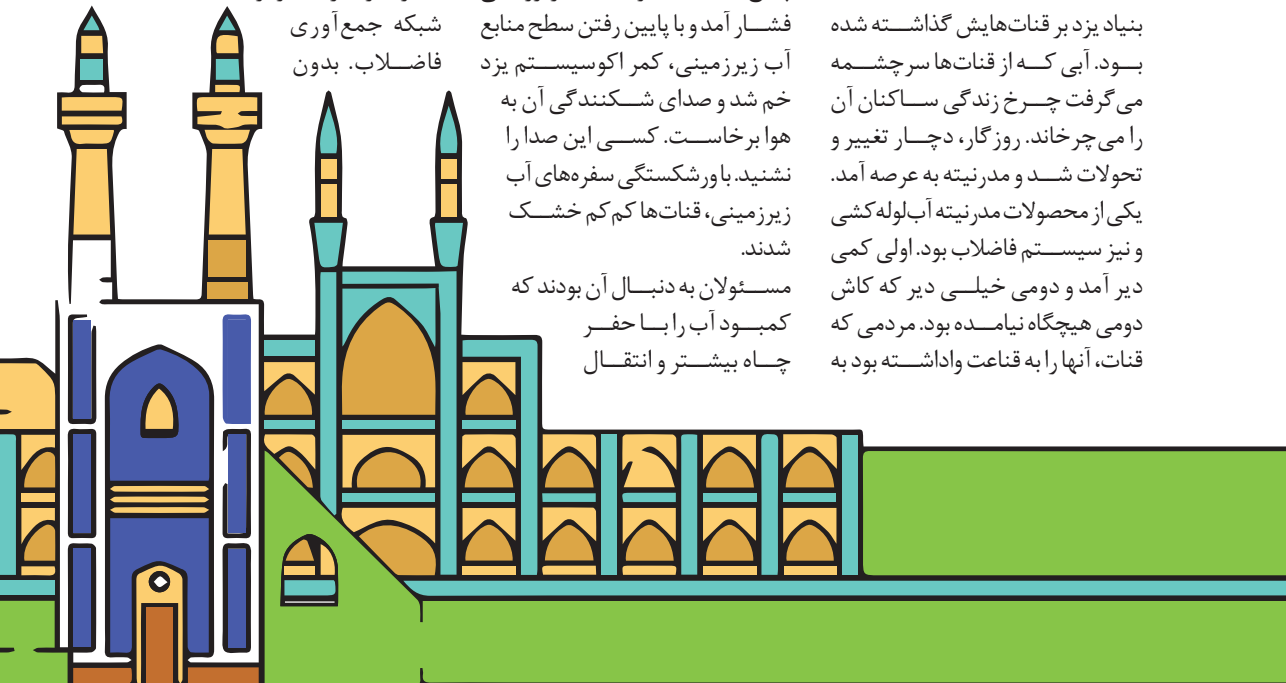
بنیاد یزد بر قنات‌هایش گذاشته شده بود. آبی که از قنات‌ها سرچشمه می‌گرفت چرخ زندگی ساکنان آن را می‌چرخاند. روزگار، دچار تغییر و تحولات شد و مدرنیته به عرصه آمد. یکی از محصولات مدرنیته آبلوله‌کشی و نیز سیستم فاضلاب بود. اولی کمی دیر آمد و دومی خیلی دیر که کاش قنات، آنها را به قناعت واداشته بود به

آبلوله‌کشی آسان دست پیدا کردند. سختی تأمین آب در خانه، رنگ باخت و آب به آسانی در دسترس همه قرار گرفت. این دسترسی آسان، خود به تغییر الگوی مصرف ساکنان منجر شد. آب فراوان بود و ارزان. گاهی آب جای جارو را می‌گرفت و حیاط‌خانه‌ها با آب جارو می‌شدند.

تغییر سبک زندگی و الگوی مصرف به همراه صنعتی شدن بی‌رویه یزد، مصرف آب را به شدت افزایش داد. کمبود آب پیش آمد، چاه‌های عمیق تری حفر شدند تا به تقاضای روزافزون برای آب پاسخ دهند. به سفره‌های آب زیرزمینی فشار آمد و با پایین رفتن سطح منابع آب زیرزمینی، کمر اکوسیستم یزد خم شد و صدای شکندگی آن به هوا برخاست. کسی این صدا را نشنید. باورشکستگی سفره‌های آب زیرزمینی، قنات‌ها کم‌کم خشک شدند. مسئولان به دنبال آن بودند که کمبود آب را با حفر چاه بیشتر و انتقال

بین حوزه‌ای جبران کنند. کیلومترها میله چاه و لوله انتقال آب در دل زخمی کویر فرورفت و کشیده شد. خط انتقالی که قرار بود امنیت آب را به ارمغان آورد بعدها ناامن شد و شریان حیاتی یزد را با تهدید مواجه کرد. به هر حال این راه‌حل‌ها به نوعی یک گام به جلو و دو گام به عقب بود. به جای تغییر الگوی مصرف، الگوی تأمین آب تغییر می‌کرد و تأمین آب بیشتر منجر به فعالیت‌های آب خواه و مصرف بیشتر آب می‌شد.

در آشفتگی تقاضا و تأمین آب و شروع خشکسالی‌ها، پدیده نامیمون دیگری از مدرنیته بر یزد سایه افکند: شبکه جمع‌آوری فاضلاب. بدون

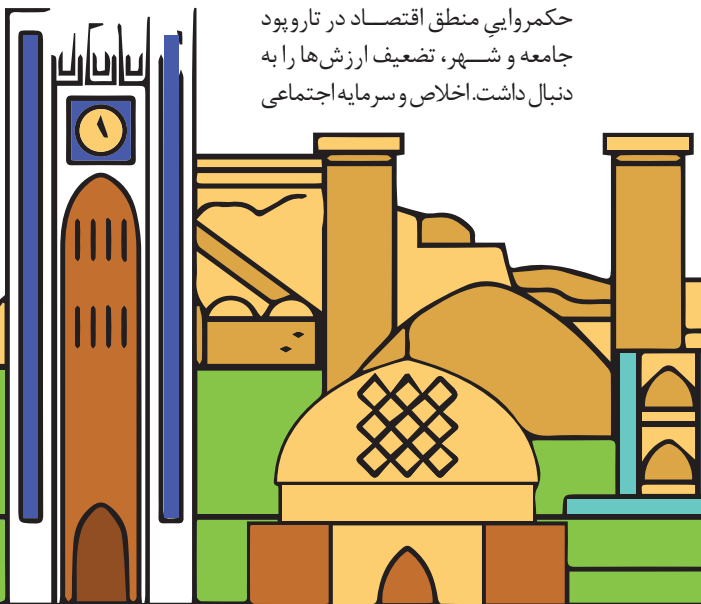


به مرور کم رنگ تر شدند. در سایه بی توجهی به تخصص، تعهد پوشالی، قد برافراشت و ریاکاری چون موریناهای، بنیان و شالوده جامعه را سست و متزلزل کرد. عزاداری های سنتی مخلصانه جنبه ای نمادین یافتند و برنید مباح یا خطیب مدعو، تعیین کننده عظمت برگزاری آنها شد.

در فرایند شهرنشینی گسترده پس از انقلاب، زمین های کشاورزی حومه و روستاهای اطراف به تدریج در شهر یزد ادغام و روستاییان بدون تحمل زحمت مهاجرت، شهرنشین شدند و زمین هایی که زمانی نسل اندر نسل بر روی آن با سختی امرار معاش صورت می گرفت تبدیل به کالایی با ارزش شد. بورس بازی زمین رونق گرفت. دلالی به شغلی پردرآمد تبدیل شد که راه موفقیت در آن مهارت در هنر چرب زبانی و فریبکاری بود. فرایند بورس بازی زمین، به مرور تعادل اجتماعی و فضایی شهر را به هم زد. برخی در زمانی کوتاه و بدون

توجه به توجیهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، این پروژه اجرا شد و آب هایی که قبلاً توسط چاه های جذبی خانگی وارد چرخه طبیعت می شدند، توسط شبکه ای پرهزینه جمع آوری و تعادل طبیعت و بیابان آب به هم خورد. به جای این که فاضلاب خانگی در جاهای مختلف و متعددی از شهر در دل زمین فرورود و به چرخه آب طبیعی بپیوندد، همه با هم توسط یک شبکه مویرگی از سطح شهر جمع و در یک نقطه به صورت دریاچه ای مجتمع گردیدند. این عمل علاوه بر اینکه باعث بر خاستن بوی تعفن در نقطه ای از پیرامون شهر شد، حجم بسیار بزرگی از آب را به خاطر تبخیر زیاد در شرایط داغ یزد، به نابودی کشاند. این آب به جای به هوا فرستادن باید به قعر زمین می رفت. قنات خشکید، به دنبال آن قنوت بی رمق شد و قناعت آبکی. شاید هم از وقتی قنوت ها بی رمق شدند، قنات ها خشکیدند و قناعت به افسانه پیوست. حکمروایی منطق اقتصاد در تار و پود جامعه و شهر، تضعیف ارزش ها را به دنبال داشت. اخلاص و سرمایه اجتماعی

در فرایند شهرنشینی گسترده پس از انقلاب، زمین های کشاورزی حومه و روستاهای اطراف به تدریج در شهر یزد ادغام و روستاییان بدون تحمل زحمت مهاجرت، شهرنشین شدند و زمین های کشاورزی تبدیل به کالایی با ارزش شد.



سیاهی بر یزد خیمه زد. شهر یزد با شکل فشرده و مردم قانعش روزگاری جزو بهرورترین و پایدارترین شهرهای ایران بود اما فرایند پیچیده مدرنیته این شهر قانع و پایدار را از شاخص‌های بهروری و پایداری عقب انداخت. این شهر در گذر سنت به مدرنیته چیزهای زیادی را به دست آورده و در عوض، خیلی چیزها را نیز از دست داده است. فناوری‌های جدید توانستند با خود آسایشی نسبی به همراه آورند اما آرامش گذشته از دست رفت. ذوق زدگی جماعت توسعه‌نیافته آن زمان باعث شد که به شوق به دست آوردن چیزهای تازه، تمام چیزهای قدیمی را بی‌مصرف و بی‌اهمیت شمارند و آن را به فراموشی بسپارند. در جریان پذیرش ره‌آوردهای عصر مدرن، بسیاری از عناصر ارزشمند جامعه از جمله دانش و فناوری‌های بومی، کلیت پایداری شهر، سرمایه‌های اجتماعی و ارزش‌های محلی که همه در لقب معروف «قنات، قنوت و قناعت» مستتر بود، تضعیف گردیده یا به تاریخ سپرده شدند که جا دارد در موج جدید پست‌مدرن، با ترکیب و تعدیل اندیشه‌های سنت و مدرنیته، زمینه‌ای برای حرکت به سوی شهری پایدار، بوم‌محور و انسان‌پایه فراهم شود.

هیچ زحمتی ثروتمند شدند. صاحبان گذشته زمین‌های کشاورزی روستاهای اطراف یزد اگر سر از خاک برمی‌داشتند، می‌دیدند که وارثان آنها ناخلفانه زمین‌ها را به تیغ بساز بفروشی داده و یک شبه راه صدساله را پیموده‌اند. خیلی‌ها که زراعت و باغداری را به‌صرفه نمی‌دانستند بابتی محلی به زمین‌ها، آنها را خشک کردند و در انتظار ارزش افزوده بالا و سود کلانی در آینده نزدیک نشستند. وجود این زمین‌های بلااستفاده باعث گستردگی بی‌رویه شهر یزد شد و این گستردگی تراکم شهری را پایین آورد، هزینه خدمات را بالا برد و بهروری شهر را به شدت با نقصان مواجه کرد. یکی از شاخص‌ها برای نشان دادن بهروری در شهرها شاخص تراکم جمعیت است. در حالی که تراکم جمعیت شهر یزد در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۳۳ نفر در هر هکتار بود، این رقم در حال حاضر به حدود ۴۶ نفر در هر هکتار کاهش یافته است. زمانی بیشتر ترددهای سطح شهر با پای پیاده یا دوچرخه انجام می‌گرفت و هوای یزد پاک و تمیز بود. گستردگی بی‌رویه شهر، نیاز به استفاده روزافزون از اتومبیل و مصرف بیشتر انرژی را اجتناب‌ناپذیر کرد، بنابراین آلودگی فزاینده ناشی از سوخت فسیلی و وسایل نقلیه موتوری به همراه فتوسنتز صنعت، چون چتر

شهر یزد با شکل فشرده و مردم قانعش روزگاری جزو بهرورترین و پایدارترین شهرهای ایران بود اما فرایند پیچیده مدرنیته این شهر قانع و پایدار را از شاخص‌های بهروری و پایداری عقب انداخت.





▲ عکاس / ابوالفضل محمدی

استاندار در بازدید از دفتر مجله پرگار:

نقد نباید برخلاف روند توسعه استان باشد

استاندار یزد در قالب طرح چهارشنبه‌های رسانه‌ای، از دفتر مجله پرگار یزد بازدید و ضمن بررسی مسائل این مجموعه، پاسخگویی سوالات خبرنگاران و مدیران این مجموعه بود.

استان ضربه نزن استقبالی می‌کنم، گفت: خط قرمز ما توسعه و پیشرفت استان است لذا ما از منتقدین رسانه‌هایی که نقدهای خود را با شناخت این خط قرمز مطرح کنند، بیشترین حمایت را خواهیم داشت. استاندار یزد در ادامه اقتضای کار رسانه را اطلاع‌رسانی، پرسش‌گری و انتقاد دانست و تصریح کرد: حمایت ما از رسانه‌ها به این منظور نیست که روحیه

تراز ملی و بین‌المللی مشخص می‌شود. استاندار یزد با بیان اینکه نقد نباید برخلاف روند توسعه باشد خاطر نشان کرد: رسانه‌ها باید پیش از انتشار اخبار خود به تأثیر آن خبر بر توسعه استان، رونق سرمایه‌گذاری و اعتلای فرهنگ یزد بپندیشند و نسبت به ابعاد مختلف انتشار خبر تولیدی، آگاه باشند. فاطمی با بیان اینکه از نقد سازنده رسانه‌ها که به توسعه

مهران فاطمی به نگاه ویژه استان به رسانه‌ها و لزوم تدوین سند توسعه رسانه در استان اشاره کرد و گفت: در قالب این سند زیرساخت‌های لازم برای فعالیت بهتر رسانه‌ها تأمین، وظایف مدیران و رسانه‌ها نسبت به یکدیگر و تأثیر عملکرد آن‌ها بر تصویر مخابره شده از استان یزد، تبیین و نقشه راهی برای اعتلای جایگاه رسانه‌ها و معرفی یزد و ظرفیت‌های آن در



داد: برای این اساس با اجرای این خط، امکان استفاده از حدود ۳۰ میلیون مترمکعب آب وجود دارد. وی تکمیل رینگ آب شهر یزد را یکی از پروژه‌های آبی در دست اجرا دانست و بیان کرد: با تکمیل این پروژه می‌توان فشار آب شرب در دسترس شهروندان در مناطق و محلات مختلف را به‌ویژه در زمان‌های قطعی آب، به‌طور متوازن مدیریت کرد.

استاندار یزد با اشاره به عزم جدی استان برای مدیریت بیشتر مصرف آب در بخش کشاورزی با رویکردهای تغییر الگوی کشت، گفت: نسخه‌پیچی برای این بخش نباید در جهت حذف این بخش در استان باشد بلکه نگاه ما تقویت این بخش و افزایش راندمان فعالیت‌های کشاورزی استان است به‌طوری‌که با تغییر الگوهای کشت محصولات می‌توان در مصرف حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب صرفه‌جویی کرد. فاطمی با بیان اینکه پروژه‌های انتقال آب در دریای عمان در زمره پروژه‌های میان‌مدت و بلندمدت استان هستند، اظهار داشت: در حال حاضر کار گروهی در سطح وزارت نیرو برای اجرای پروژه‌های آبی تشکیل شده که پس از تعیین نهایی مکانیسم تأمین اعتبار اجرای پروژه‌ها، این موضوع در سطح دولت مطرح، مصوب و اجرایی خواهد شد.

حمایت ما از رسانه‌ها به این منظور نیست که روحیه انتقاد و پرسشگری را کنار بگذارند بلکه این حمایت‌ها جهت فراهم‌سازی زمینه فعالیت هر چه بهتر آنها و بیان مطالب و نقدهای آنها با رعایت انصاف و اخلاق مداری است.

و ۱۵ هزار مترمکعبی جهت افزایش تاب‌آوری استان در مواقع قطعی آب خبر داد و افزود: با تکمیل این مخازن تاب‌آوری آبی استان یزد از کمتر از ۲۴ ساعت به ۱۰ روز افزایش می‌یابد. وی یکی از اتفاقات و پروژه‌های بزرگ اجرایی در بازه زمانی کوتاه‌مدت را اتصال خط انتقال آب خلیج فارس، به مخزن ذخیره آب در قالب خط پدافندی، عنوان کرد و گفت: مطالعات اجرای این طرح انجام و مناقصه آن برگزار شده و قرار است اعتبار ۷۷۰ میلیارد تومانی اجرای این خط تحت عنوان مسئولیت‌های اجتماعی مجموعه چادرمو انجام شود. استاندار یزد با بیان اینکه EC آب این خط در محدوده مناسب و مطلوب است، ادامه

انتقاد و پرسش‌گری را کنار بگذارند بلکه این حمایت‌ها جهت فراهم‌سازی زمینه فعالیت هر چه بهتر رسانه‌ها و بیان مطالب و نقدهای آن‌ها با رعایت انصاف و اخلاق مداری است. استاندار یزد در بخش دیگری از سخنانش و در پاسخ به سؤالی در خصوص برنامه‌های استان برای تأمین آب پایدار استان و کاهش دغدغه‌های مردم در این زمینه، گفت: ظرف شش ماه تا یک سال آینده استان یزد در حوزه آب شرب به پایداری رسیده و دغدغه‌های موجود در این حوزه به لحاظ کمی، کیفی و به‌ویژه در زمان‌های قطعی به حداقل ممکن می‌رسد. وی با اشاره به تعریف پروژه‌های کوتاه‌مدت برای حوزه آب استان، اظهار داشت: یکی از این پروژه‌ها، پروژه باز تخصیص و باز چرخانی آب در حوزه صنایع است که با عملیاتی شدن این پروژه با عنوان خط سبز، حدود ۲/۲ میلیون مترمکعب در آب مصرفی، صرفه‌جویی می‌شود. فاطمی با بیان اینکه اجرای پروژه مذکور به ۴۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد، افزود: در جریان سفر رئیس‌جمهور به استان یزد برای اجرای این پروژه ۲۶ میلیارد تومان اعتبار گذاشته شد در عین حال مقرر شد این تخصیص اعتبار، کامل شود. استاندار یزد همچنین از پیگیری تکمیل ساخت مخازن ذخیره آب به حجم‌های ۵۰، ۴۰



پرونده

پرونده‌ای برای پروژه ۴۰۰ هکتاری مسکن

- نهضت ملی مسکن، نوش دارو یا درمان
- تولید مسکن ارزان به لحاظ کیفی در شرایط قابل قبول محقق نخواهد شد
- راه توسعه، خلق کلان شهر نیست
- کدام مسکن، مسکن درد مردم خواهد بود
- شهر یزد؛ سمفونی بد صدایی که سازهایش کوک نیست
- توسعه منفصل شهر یزد، عبور از حد ظرفیت سرزمینی
- آپارتمان سازی در یزد جایگاهی ندارد
- یزد از توسعه نامتوازن رنج می برد
- انبوه سازی در بافت تاریخی؛ یک راه حل ساده

قیمت مسکن یزد در قله گرانی های کشور

نهیضت ملی مسکن، نوش دارو یا درمان

در حالی دولت سیزدهم به مصاف غول گرانی قیمت مسکن با طرح نهیضت ملی مسکن رفته که آمارهای قیمت مسکن در کشور و بویژه در استان یزد، حکایت از ۲ تا ۲,۵ برابری قیمت ها در بهار امسال نسبت به سال قبل دارد.

محمودرضا رحمانی

متوسط قیمت مسکن در این نقطه از کشور ۱۴۵,۸ درصد بوده که بعد از زنجان و کردستان بیشترین گرانی را داشته است.

همچنین متوسط مبلغ اجاره ماهانه استان یزد در بهار ۱۴۰۰ نسبت به بهار ۱۳۹۹ معادل ۹۲,۱ درصد افزایش یافته در حالی که در همین مدت، میانگین کل کشور ۶۳,۷ درصد افزایش داشته که از این لحاظ در میانه های افزایش قیمت و گرانی ها در بین استان ها قرار گرفته است.

شاید همین گرانی های افسارگسیخته یکی از دلایل پایین بودن فروش زمین و یازمین ساختمان کلنگی در استان یزد نسبت به سایر استان ها

بر اساس اعلام آمارهای مرکز آمار ایران اطلاعات قیمت مسکن در نقاط شهری کشور در بهار ۱۴۰۰ در حالی که میانگین متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای مسکونی در کشور نسبت به سال قبل ۱۰۰,۲ درصد افزایش داشته، این آمار در استان یزد ۴۵,۶ درصد بیشتر بوده و این یعنی رشد



نام نویسی کرده اند که ۹ هزار و ۴۲۴ نفر تایید نهایی شده و از این تعداد ۶ هزار و ۹۷۳ نفر واریز وجه اولیه را انجام داده اند.

وی افزود: تاکنون ۴۰ واحد طرح یاد شده در استان یزد به بهره برداری رسیده و ۳۷۴ واحد دیگر هم در چند ماه آینده به بهره برداری خواهد رسید. در راستای اجرای سریعتر این طرح، شورای اسلامی شهر یزد نیز تمهیداتی اندیشیده که تخفیف ۷۰ درصدی برای پروژه های نهضت ملی مسکن بخشی از آنهاست.

در این خصوص سخنگوی شورای اسلامی شهر یزد گفت: شورای اسلامی شهر یزد برای همکاری در پروژه های طرح نهضت ملی و جهش مسکن، مصوبه ای را مبنی بر معاف شدن عوارض ارزش افزوده ناشی از افزایش تراکم پروژه های این طرح تا پایان سال ۱۴۰۰ به تصویب رساند.

سید محمد ناصر حیدری افزود: در این طرح مقرر شد، واحدهای مسکونی ساخته شده تا حداکثر ۹۰ متر مربع زیربنای خالص شامل تخفیف ۷۰ درصدی عوارض ساختمانی باشند.

این طرح به تازگی در صحن علنی شورای اسلامی شهر یزد مطرح و مصوب و نیز مقرر شده تا ارقام معافیت اعمال شده مطابق تبصره ماده ۱۸۱ قانون برنامه پنجم توسعه از طریق مراجع ذیصلاح اقدام شود.

در همین راستا به شهرداری توصیه شده تا در ازای مبلغ معافیت برای ضرورت جبران بخشی از بدهی ها، پیگیری های لازم را از مراجع مربوطه برای پرداخت و یا واگذار نمودن اراضی ملی به صورت تهاتر به عمل آورد.

بوده به گونه ای که از کل معاملات انجام شده برای فروش زمین یا زمین ساختمان مسکونی کلنگی در کشور در بهار ۱۴۰۰، استان کردستان با ۱۴,۹ درصد دارای بیشترین سهم و استان یزد با ۱,۰۲ درصد دارای کمترین سهم و استان های سمنان، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان و کهگیلویه و بویراحمد فاقد معامله ثبت شده بوده اند.

همچنین در حداقل، حداکثر و متوسط قیمت فروش یک مترمربع زیربنای مسکونی و درصد تغییرات آن نسبت به فصل قبل و فصل مشابه سال قبل، متوسط مساحت و متوسط عمر بناهای خرید و فروش شده بالاترین میانگین رشد با ۱۴۰,۹ درصد مربوط به قم و کمترین رشد هم با ۶۳,۲ درصد مربوط به کرج بوده و در این میان استان یزد هم با ۱۱۰,۱ درصد در رتبه ۱۱ کشور قرار دارد.

عده ای از کارشناسان راه حل اصلاح این روند را ساخت مسکن به صورت انبوه می دانند به شرط ها و شروط ها؛ که در این خصوص دکتر عباس علوی راد اقتصاددان یزدی معتقد است که اگر طرح نهضت ملی مسکن در استان یزد روی سازه های توسعه نامتوازن فعلی عملیاتی شود، فواید اقتصادی و اجتماعی آن محو خواهد شد.

درباره وضعیت فعلی طرح نهضت ملی مسکن در استان یزد مدیر کل راه و شهرسازی استان اظهار کرد: تاکنون ۴۶ هزار و ۶۰۰ نفر در طرح نهضت ملی مسکن در استان یزد ثبت نام کردند.

رضا یادگاری درباره طرح اقدام ملی مسکن هم گفت: مجموعاً ۳۲ هزار و ۱۰۱ نفر در این طرح در استان



اگر طرح نهضت ملی مسکن در استان یزد روی سازه های توسعه نامتوازن فعلی عملیاتی شود، فواید اقتصادی و اجتماعی آن محو خواهد شد.

استادیار دانشکده شهرسازی دانشگاه یزد:

تولید مسکن ارزان به لحاظ کیفی در شرایط قابل قبول محقق نخواهد شد

پروژه جهش مسکن ملی در جهت بهبود شهرسازی یک شعار است

ساخت‌وساز یکی از معیارهای شناخته شده در رشد و توسعه کشورها از گذشته تا کنون بوده و در واقع خانه‌سازی متوالی و پیوسته بیانگر آرامش اقتصادی و ثبات سرمایه‌گذاری است. امروزه کشور چنان درگیر مشکلات ریز و درشت شده که موتور محرکه اقتصادی و اجتماعی جامعه از کار افتاده و مردم دست‌مدد به سوی دولت دراز کرده‌اند و سیستم اجرایی متولی ساخت‌وساز در کشور ساده‌ترین و راحت‌ترین گزینه را پیشرو قرار می‌دهد که چه بسا خود راه حل، مولد بحران‌های بعدی می‌گردد. بی‌شک متخصصان و متولیان شهرسازی باید بهترین گزینه را انتخاب کرده تا عواقب شهرسازی غیرکارشناسی را به حداقل برسانند. به آسیب‌شناسی این پروژه با دکتر رضا اکبری استادیار دانشکده شهرسازی دانشگاه یزد پرداخته‌ایم تا با ابعاد غیراصولی طرح آشنا شده و عوارض اجرای آن را کنترل کنیم.

ثریا آسایش



را جایگزین مطلق گرایی در تحلیل کرده و سپس اظهار نظر کرد.

دکتر اکبری متخصص شهرسازی، آغاز به فعالیت جهش تولید مسکن را از جهات مختلف مورد واکاوی استقرائی قرار می دهد و می گوید جنبه های جدی و پیچیده موضوع نظیر تورم محتمل حاصل از این پروژه و ... به کنار، مثالی ساده و پیش پا افتاده مطرح می کنم! فی المثل ساخت یک میلیون مسکن در سال، به کارگر ماهر نیاز دارد در صورت داشتن کارگران در این سطح مهارت در کشور، در حال حاضر چه فعالیتی می کنند؟! اگر جواب منفی است و این میزان کارگر ماهر صنعت ساختمان در کشور نداریم، در مدت چهار سال ساخت و ساز یک کارگر عمومی پس از کلی خرابکاری! تبدیل به یک کارگر ماهر می شود. حال این میزان کارگر ماهر ساختمان بعد از پایان پروژه جهش تولید مسکن به چه کاری مشغول خواهند شد؟! □

اگر شرایط معقول و منطقی در جامعه حکم فرما باشد مطمئناً افراد توانایی تأمین مسکن مورد نیازشان را داشتند و نیازی به مداخلات دولتی در خانه سازی نبود.

این استاد دانشگاه در مثالی دیگر به ظرفیت تأمین مصالح ساختمانی برای چهار میلیون مسکن در چهار سال اشاره و این سؤال را طرح می کند که اگر چنین ظرفیتی در کشور وجود دارد تا کنون چه استفاده ای از آن می شده است؟! اگر این ظرفیت نیست و در صد ظرفیت سازی هستیم بعد از چهار سال این ظرفیت به وجود آمده چه خواهد شد؟

اکبری ساخت مسکن توسط دولت را به جهت ناتوانی مردم در جهت تأمین نیازهای اولیه شان می داند و معتقد است اگر شرایط معقول و منطقی در جامعه حکم فرما باشد مطمئناً افراد توانایی تأمین مسکن مورد نیازشان را

رضا اکبری استادیار دانشگاه یزد در خصوص پروژه جهش تولید مسکن دولت سیزدهم می گوید؛ مسکنی برای مشکلات مسکن در شرایط حاد اقتصادی و خاص جمعیتی کنونی جامعه است. اگر در سرزمین شرایط تولید و زیست مطلوب باشد، اشتغال و بالتبع آن درآمد افراد جامعه تأمین کننده نیاز خانوار جهت مسکن مناسب خواهد بود و نیازی به مداخله دولت در این امر نیست. اما در شرایط اضطراری فعلی کشور حمایت دولت لازم و ضروری است و جهت حمایت از تهیه مسکن برای جوانان دهه شصت و هفتاد شکی نیست که در غیر این صورت عدم توان تأمین مسکن برای این نسل، دشواری ازدواج و فرزندآوری و ... را در پی داشته و حق زندگی نسلی به جهت جهش قیمت مسکن در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ تباه خواهد شد! این روند به جریانی متناوب در بین نسل ها بدل شده و موجب می شود سی سال بعد نسل بعدی در چرخه معیوب توالی در هرم سنی و جنسی قرار گیرند.

عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه یزد خاطر نشان می کند: در حال حاضر منابع محدود کشور در وضعیت تحریم های ظالمانه پاسخگوی توقع یک مسکن مطلوب و مناسب نیست. قصدی برای نقد سلبی کار در میان نیست و مداخله دولت در ساخت و ساز مسکن نفی نمی شود اما با توجه به مقدرات دولت مسکن ایده آل محقق نخواهد شد و نباید شعاری سخن گفت که پروژه جهش مسکن ملی در جهت بهبود شهرسازی در کشور است! لازم است ابتدا دید نسبی



داشتند و نیازی به مداخلات دولتی در خانه‌سازی نبود.

ایشان تأمین هزینه‌های مسکن متری سه میلیون تومان را که مثلاً صد متر آن سیصد میلیون تومان برای خانواده‌ها تمام می‌شود را نیز برای بسیاری از خانوارهای ایرانی قابل پرداخت ندانسته و حتی بازپرداخت تسهیلات ارائه شده نیز برای تعدادی سنگین است. از سوی دیگر تولید مسکن با این قیمت قطعاً به لحاظ کیفی در شرایط قابل قبول محقق نخواهد شد و پیوسته کیفیت قربانی کاهش هزینه‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال حق‌الزحمه‌های نظام‌مهندسی با تخفیف‌های بالا در نظر گرفته می‌شود و اشتغال مهندسان را از بین می‌برد و به‌ویژه مهندسان جوان را به قشر ضعیف اقتصادی جامعه تبدیل می‌کند. این در حالی است که شرایط بد شغلی و اقتصادی مهندسان بسیاری را به صف ثبت‌نام در این طرح هدایت کرده است! پس از پایان چهار سال مسکن‌سازی و بعد از پایان پروژه چه چیزی در انتظار شغل آنان است؟! جوانان مستعد را فراری از تحصیل در رشته‌های مهندسی و در صف کنکور پزشکی به‌صورت فشرده‌تر شاهد خواهیم بود!

✚ شهرداری، قربانی ارزان‌سازی مسکن

دکتر اکبری شهرداری را از دیگر قربانیان ارزان‌سازی مسکن دانست که باید از بسیاری از درآمدهای قانونی خود صرف‌نظر کنند و اگر این سازمان عریض‌وطویل هزینه‌های صدور مجوز، پروانه ساختمانی، پایان کار و ... را کامل دریافت نکند عملاً برای تأمین

هزینه‌های اداره شهر به تراکم‌فروشی، کاربری‌فروشی و ... سوق پیدا خواهد کرد.

وی با اشاره به اینکه سند آمایش استان یزد در سال گذشته مصوب شده است؛ می‌گوید: استان یزد کمتر از یک میلیون نفر جمعیت دارد که بیش از ۵۰۰ هزار نفر در مرکز استان متمرکز هستند و در سند آمایش استان هدف‌گذاری شده که ضمن تحدید توسعه شهر یزد شهرهای رده دو و سه استان جایگاهشان ارتقاء پیدا کند تا به تدریج وضعیت کلان‌سری استان تعدیل شود. این در حالی است که به جهت ثبت‌نام حدود سی هزار واحد مسکن در طرح‌های اقدام ملی و جهش ملی تولید مسکن و ... اگر نزدیک به پانصد هکتار توسعه گسسته برون‌زای پیش‌بینی شده با تراکم ۲۰۰ نفر در هکتار در حاشیه یزد محقق شود عملاً نزدیک به صد هزار نفر اسکان جدید مواجه خواهیم شد که در راستای سند آمایش نیست و با چنین روندی عملاً یزد به تفت متصل می‌شود و توسعه

شهرداری را از دیگر قربانیان ارزان‌سازی مسکن است که باید از بسیاری از درآمدهای قانونی خود صرف‌نظر کنند که عملاً برای تأمین هزینه‌های اداره شهر به تراکم‌فروشی، کاربری‌فروشی و ... سوق پیدا خواهد کرد.





انتظار این است که حداقل در مباحث تخصصی با بازآموزی از تجارب پیشین و بهره گیری از توسعه علمی کشور در دهه های اخیر گامی به پیش داشته باشیم.



انتقال آب و به تبع آن توسعه های صنعتی مهاجر پذیری را مضاعف کرده و در ادامه مسکن که از نیازهای اصلی و اولیه انسانی محسوب می شود به کالایی دست نیافتنی تبدیل می شود.

بزرگ مالکان نهادی وارد کار شوند

اکبری با اشاره به محدودیت منابع مالی به جهت تحریم های ظالمانه و محدودیت زمین شهری در مالکیت دولت را به جهت مصرف در مسکن مهر، تحقق برنامه بلند پروازانه احداث چهار میلیون مسکن در چهار سال در مقایسه با پروژه مسکن مهر دولت دهم که ضمن برخورداری از منابع سرشار نفتی و زمین شهری اقدام به طرح مسکن مهر کرد را دشوارتر می داند، اما معتقد است انتظار این است که حداقل در مباحث تخصصی با بازآموزی از تجارب پیشین و بهره گیری از توسعه علمی کشور در دهه های اخیر گامی به پیش داشته باشیم. او جستجو در گذشته و تاریخ یزد را

برونزا تشدید شده و ساختار فضایی شهر به سمت تشدید توسعه نامتوازن سوق پیدا کرده و توزیع خدمات شهری دچار نقصان می گردد. همچنین بستر و زمینه یزد، توان زیست محیطی چنین استقرار را ندارد. اکبری فرایند مکان یابی پهنه های منتخب را نقد کرده و می گوید؛ طرح جامع حفاظت محور یزد هم اکنون در دست تهیه است و اگر بناست چنین توسعه شهری در جلسات اداری تصمیم گیری شود! مشاور طرح جامع بناست چه کاری انجام دهد؟! او ادامه می دهد در تمام طرح های فرادست یزد توسعه درونزا مورد تاکید است و تصریح می کند با عرصه های منفصل پیشنهاد شده کنونی آیا توسعه برونزا قابل کنترل است؟

او می افزاید: اکنون در دور باطلی قرار داریم برای تأمین آب استان قصد انتقال آب از دریای عمان وجود دارد در کل کشور مهاجر پذیری و مهاجر فرستی نسبتاً در دوران تثبیت است، اما یزد هنوز مهاجر پذیر است! پروژه های

باشد ظرفیت‌های تاریخی و مذهبی زمینه‌ای را فعال کرده و حس تعاون، پشتکار و پرحوصله بودن را در جامعه بیدار کرد. یزد قابلیت الگوسازی در کشور را دارد.

او با اشاره به اینکه یزد از گذشته دارالعلم نامیده می‌شده می‌گوید: سابقه رتبه اول یزد در کنکور سی‌ساله شده است، اما این نفرت برتر امروز کجا هستند؟ یزد منبع غنی نیروی انسانی است که اشتغال و درآمد افراد نخبه آن منطبق با شرایط شهر نیست و خروج و جایگزینی آنان با مهاجرانی که به جهت نیاز توسعه‌های صنعتی استان به نیروی کارگر، صورت می‌گیرد و تشدید این تمرکز جمعیتی در مرکز استان و پیامد آن موارد متعدد از جمله مسکن را در پی دارد که حتی با منابع اولیه یعنی توان‌های زیست‌محیطی این زمینه نیز سازگار نیست.

استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد با بیان اینکه گاهی دانشجویان انتقادات جدی به حضورم در جلسات مختلف در سطح استان به جهت اتخاذ تصمیمات ضربتی و اغلب در تناقض با مباحث علمی و تخصصی شهرسازی که در کلاس‌های درس ارائه می‌شود، وارد می‌کنند. اما توضیح می‌دهم که راه‌حل را در قهر کردن و پشت کردن به مباحث عملی و اجرایی در جریان نمی‌بینم. تأثیرگذاری اندک را نیز ارزشمند می‌دانم و حتی از بی‌تأثیر بودن مباحثم در تصمیم‌نهایی نیز مأیوس نمی‌شوم، چرا که امیدوارم سخنان تخصصی شنیده شده، بر دل‌ها و ذهن‌ها نشست و انشاالله حداقل در آینده و در شرایط معقول و غیراضطراری به کار گرفته شود.

از نکات مهم و قابل تأمل در این حوزه عنوان می‌کند، یزدی که به وقف اغنیا در جهت نیازمندی‌های شهروندان در جهت توصیه‌های دینی شهره بوده، به جای اینکه امروز در مسیر ضروری‌ترین نیاز همشهریان یعنی مسکن جوانان ریل‌گذاری شود؛ در حال حاضر با اراضی افتاده توسعه افقی و برون‌زای شهر را تشدید کرده است.

این استاد دانشگاه معتقد است: در چنین بستر فرهنگی باید به اقدام مردم برای مردم فکر کرد و تلاش کرد ساختارهای حاکمیتی با تسهیلتاری، بزرگ مالکان نهادی نظیر اوقاف، بنیاد مستضعفان و بزرگ مالکان خصوصی اراضی افتاده شهری را پای‌کار آورده و با تسهیلاتی که اراضی آنها را از بن‌بست‌های اداری خارج ساخته و با لحاظ کردن بهره‌مندی معقول اقتصادی برای مالکان اراضی متناسب با این شرایط اضطرار جامعه در نیاز به زمین شهری، به احتکار اصلی‌ترین نیاز امروز جامعه (زمین شهری) و سوداگری آن پایان بخشید. باید با اعتبار مؤسساتی چون بنیاد صدوق، سازمان‌های مردم‌نهاد و ... برای پروژه مسکن جوانان فعالیت کرد.

اکبری ادامه می‌دهد: چرا در شهر تاریخی یزد با بن‌مایه‌های قوی تعاون‌گری و سخت‌کوشی مردمی که در احداث و بهره‌برداری از اصلی‌ترین و محدودترین و پرچالش‌ترین نیاز وقت یعنی "آب" در گذشته شاهکار بی‌بدیل قنات‌ها را به یادگار گذاشته است بایستی چشم‌انتظار اقدام وزارتخانه‌ای و از بالا باشیم. مثلاً روی تصویر گوگل در جلسه‌ای اداری مکان‌یابی توسعه انجام دهیم؟ شاید مناسب

یزد منبع غنی نیروی انسانی است که اشتغال و درآمد افراد نخبه آن منطبق با شرایط شهر نیست و خروج و جایگزینی آنان با مهاجران و تشدید این تمرکز جمعیتی در مرکز استان و پیامد آن موارد متعدد از جمله مسکن را در پی دارد.



استاد تمام دانشگاه یزد:

راه توسعه، خلق کلان شهر نیست

چرا به جای توسعه میان افزا، به حاشیه شهرها رو می آوریم؟

طرح ملی مسکن مهر که کلنگ آن در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت ایران به زمین خورد و سبب شد تا قشر متوسط و کم در آمد جامعه با ارائه این طرح از سوی دولت با در اختیار گرفتن زمین رایگان و ساخت و ساز دولتی و با پرداخت وام در خصوص مسکن ملی صاحبخانه شوند. این طرح پس از افزایش شدید بهای مسکن در ایران شروع شد. دولت برای تأمین مالی این طرح از بانک مرکزی قرض کرد که این مهم رشد نقدینگی و تورم در جامعه را ایجاد کرد، به طوری که نیمی از کل پول های چاپ شده در تاریخ ایران صرف پرداخت ساختن مسکن مهر شد. در این میان سیاست هایی همچون واگذاری زمین رایگان دولتی، واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک، حمایت از انبوه سازان، واگذاری حق بهره برداری طولانی مدت از زمین و غیره در دوره های مختلف مورد توجه دولت قرار گرفته است. این طرح برای خانه دار شدن قشر کم در آمد جامعه در نظر گرفته شد و چه بسا در این میان باز هم مسکنی به آنها تعلق نگرفت و بیشتر ساختمان های ایجاد شده به قشر متوسط روبه بالا تعلق گرفت و باز هم آن ها در صف خانه دار شدن ماندند. اما در دولت جدید سید ابراهیم رئیسی وعده خانه دار شدن را به تمام اقشار جامعه داد و در حال حاضر طرح آن پایه ریزی شده و مردم همچنان در امید رسیدن به خانه، منتظر محقق شدن وعده ها هستند.

سمیه رضایی



سنار یوهای کوتاه‌مدت تا بلندمدت، تعدیل و حل گردد. هرگاه حل مشکلاتی از این قبیل، در قالب طرح‌های آمایش پایه، صورت نگیرد، نتیجه آن ایجاد مشکل و یا مشکلات دیگر خواهد بود. کشور ما از جمله کشورهایی است که سخت به مالکیت خصوصی در موضوع زمین به عنوان نهاده اصلی مسکن بها می‌دهد. همین موضوع سبب شده تا کمتر زمینی در فضای شهر، دولتی باقی بماند.

وی در ادامه می‌افزاید: اگر زمینی هم در فضای شهری باقی مانده است تجمیع شده و یکپارچه نیست؛ بنابراین دولت ناچار است برای اجرای پروژه‌های عظیمی چون مسکن مهر، به حریم شهری مراجعه کند. حریم شهرها برای اجرای این امر آمادگی کافی ندارند. آنها فضای قرق شده برای رشد آرام شهری هستند که به یک باره، بار سنگین مسکن مهر بر آنها گذاشته شده است؛ بنابراین ناخواسته تبدیل به "شبه شهری" شده‌اند که زیرساخت‌ها، تجهیزات و تأسیسات شهر را ندارند. در نتیجه داشتن حریم و از طرفی حل مشکل مسکن، راهی جز نگاه جامع و آمایشی به تصمیم‌گیری‌های ملی و منطقه‌ای ندارد.

استاد تمام دانشگاه یزد با اشاره به محدودیت زمین در شهر یزد و تأمین منابع آب و گاز و برق برای مسکن ملی می‌افزاید: اصل موضوع گسترش شهرها و راه حل سکونت جمعیت شهری در فضاهای آماده نشده پیرامونی ایراد دارد. زمانی ما می‌توانیم سکونت در پیرامون شهر را تجویز کنیم که محدودیت زمین در درون شهر داشته باشیم و یا بافت فرسوده و ناکارآمد در درون شهر نداشته

با توجه به نبود و یا در اختیار نداشتن زمین برای اجرایی شدن طرح مسکن ملی، خانه‌های ساخته شده در این طرح عموماً در حاشیه شهرها قرار گرفتند و تأمین امکانات گوناگون نظیر آب و برق و گاز و تلفن احداث پایگاه آتش‌نشانی در زمان وقوع حریق کاری دشوار به نظر می‌رسد. دور بودن از محیط شهری و نبودن امکانات مورد نظر هزینه‌های بسیاری را برای مسئولان شهری به وجود خواهد آورد و رفع این نیازها به ایجاد زیرساخت‌های متناسب با اجرای طرح دارد تا بتوان آن را از همه نظر تأمین و در اختیار مردم قرار داد. نیازهایی که جزو اصلی‌ترین و مهم‌ترین آنها به شمار می‌روند تا بتوان یک زندگی در آن شکل بگیرد و خانه برای زندگی در آن ایجاد شود.

در حال حاضر با آغاز عملیات اجرایی حدود ۲۰ هزار واحد مسکونی در سطح استان یزد هم‌زمان با دولت سیزدهم آغاز به کار کرده است که امیدی را در دل مردم نهادینه کرده تا در این برهه از زمان به جهت سختی‌های معیشتی موجود در زندگی مردم، حداقل بار نبود مسکن و پرداخت نکردن اجاره بهای سنگین برای آنها کمتر شود و بتوانند با دغدغه کمتری به گذران زندگی بپردازند.

❖ مسکن ملی و هزار توی تأمین زیرساخت‌ها

محمدحسین سرائی استاد تمام گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد با اشاره به دغدغه مسکن در بین مسئولان کشوری و استانی می‌گوید: حل مشکل مسکن، دغدغه همه مدیران دلسوز و کارآمد نظام است. چنین مشکلی قاعداً باید با سبیدی از

اگر زمینی هم در فضای شهری باقی مانده است، تجمیع شده و یکپارچه نیست؛ بنابراین دولت ناچار است برای اجرای پروژه‌های عظیمی چون مسکن مهر، به حریم شهری مراجعه کند.



انقباض شهری و بهره‌وری کافی از فضای موجود شهری پیش می‌رود و جنبش‌های کنونی این گونه سوگیری کرده‌اند.

❖ عدم پاسخگویی مسئولان

در این میان بسترسازی و تأمین زمین برای ایجاد مسکن مهر یکی از دغدغه‌های موجود در استان یزد بود که با ایجاد فضا در حاشیه شهر این مهم به وجود آمد، اما از دیگر معضلات موجود در احداث خانه‌های مسکن مهر، تأمین آب گاز و برق آن‌هاست که با توجه به دور بودن از محیط شهری و نبودن امکانات در حاشیه شهرها و ایجاد بار اضافی و پیش‌بینی نشده به این زیرساخت‌ها با نگاه آمایشی بیشتر، تا بتوان با کمتر کردن هزینه‌های انتقال آب، گاز و برق به این خانه‌ها موجب آسایش ساکنان آن‌ها را فراهم کرد. طرح مسکن ملی با توجه به مزایایی که در پی دارد معایب متعددی را دارا است که باید با تأمین زیرساخت‌های مناسب، در صدد رفع مشکلات موجود بر سر راه این طرح شد. مشکلاتی که می‌تواند سختی‌های بسیاری را در پی داشته باشد.

علی‌رغم تماس‌های مکرر تحریریه پرگار با مدیران شرکت آبفا، توزیع برق استان یزد و شرکت ملی گاز استان یزد و پیگیری‌های انجام شده موفق به برقراری ارتباط با این مسئولان نشدیم تا بتوان در خصوص میزان مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی مدیران این ارگان‌ها سؤالاتی را مطرح کرده و در نهایت با توجه به گفته‌ها به نتیجه جامعی در خصوص مسکن ملی دست پیدا کنیم.

باشیم. وقتی توسعه میان‌افزا و کاهش تخلخل فضاهای شهری راهی ارزان‌تر و امکان‌پذیرتر هست چرا گاهی صرفاً به فضای حاشیه شهری و حریم شهرها رو آوریم تا مجبور به هزینه خدمات‌رسانی بیشتر شویم؟

سزائی با بیان اینکه گسترش شهرها باعث از بین رفتن منابع طبیعی می‌شود می‌گوید: نگاه آمایشی به مصرف منابع ملی و رهیافت زیست‌پذیری و توسعه پایدار، ماندگاری منابع طبیعی را توصیه می‌کند. گسترش غیراصولی شهرها حرکتی مخالف این جریان است. مقایسه آمار مصرف زمین شهری در کشور ما با شهرهای منتخب جهان، حکایت از سبقت ناباورانه الگوی مصرف زمین در کشور ما دارد.

استاد تمام گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد با اشاره به ایجاد کلان‌شهرهای جدید با توجه به ساخت و ساز جدید و جذب جمعیت تا چه اندازه می‌تواند در پیشرفت یک شهر تأثیرگذار باشد، می‌گوید: ساده‌انگاری است که راه توسعه را در خلق کلان‌شهر بدانیم. توسعه متوازن و پخش جمعیت در فضای سرزمینی بر اساس قابلیت‌های مناطق، شایسته‌ترین روش اسکان در کشور است. به طوری که سلسله‌مراتبی از سکونتگاه‌های انسانی (اعم از شهر و روستا) را در فضای ملی تحقق بخشد.

سزائی در ادامه با بیان اینکه گسترش بی‌رویه شهرها مشکلات فراوان دیگری چون تأمین بازبافت و جمع‌آوری زباله را در بر دارد، می‌افزاید: هر نوع خدمت‌رسانی از جمله دفع پسماند و جمع‌آوری زباله در شهری با الگوی رشد منطقی، سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر است. بی‌دلیل نیست که جهان به سمت

طرح مسکن ملی با توجه به مزایایی که در پی دارد، معایب متعددی را دارا است که باید با تأمین زیرساخت‌های مناسب، در صدد رفع مشکلات موجود بر سر راه این طرح شد.



هر دولت یک طرح مسکن

کدام مسکن مُسکن درد مردم خواهد بود

طی دو دهه اخیر طرح‌های متنوعی برای التیام تب و تاب مسکن و کاهش آلام مردم به‌ویژه جوانان در خصوص تهیه خانه و خروج از اجاره‌نشینی در کشور و شهرهای بزرگ اجرا شده است. از مسکن مهر در دولت نهم و دهم گرفته تا طرح اقدام ملی مسکن در دولت دوازدهم و طرح مسکن زندگی، جهش تولید مسکن و یا نهضت ملی مسکن در دولت سیزدهم، همگی به‌نوعی تلاش کرده‌اند تا در مسیر خانه‌دار شدن اقشار کم‌درآمد گام بردارند ولی اشکالاتی در این بخش وجود دارد. اگر نیت و مقصود همه این طرح‌ها یکسان است چرا هر کدام یک نام مختلف و به شکل‌های مختلف و با تسهیلات متفاوت، مگر یک جوان چقدر در آمد ماهانه دارد تا بتواند از عهده اقساط بالای این خانه‌ها بر آید!

محمودرضا رحمانی



تا ابتدای تیرماه امسال تحویل شده که عملکرد دولت تدبیر و امید در تکمیل و تحویل واحدهای مسکونی مهر یک میلیون و ۲۵۹ هزار واحد گزارش شده است. عملکرد دولت تدبیر و امید در تکمیل واحدهای مسکونی مهر نسبت به اجرای کل طرح، ۶۵ درصد است.

بر اساس این گزارش، در بخش صدور سند برای واحدهای مسکن مهر از ابتدای اجرای طرح تاکنون یک میلیون و ۲۹۸ هزار واحد سند صادر شده که از این تعداد ۷۷۴ هزار واحد سند در دولت‌های یازدهم و دوازدهم صادر شده است. همچنین از ابتدای اجرای طرح برای ۵۴ هزار و ۴۰۳ واحد تسهیلات پرداخت شده که ۱۳ هزار و ۸۳ واحد از میزان کل، در دولت تدبیر و امید، پرداخت شده است. با احتساب بافت فرسوده از ابتدای اجرای طرح مسکن مهر تاکنون یک میلیون و ۸۲۶ هزار واحد مسکن مهر فروش اقساطی شده که از این میزان یک میلیون و ۲۶۲ هزار واحد در دولت‌های یازدهم و دوازدهم محقق شده و برای ۷۷۰ هزار واحد مسکونی خدمات روبنایی و زیربنایی از قبیل برق، آب، مدرسه، مسجد کلاتری و... نیز ساخته است.

در سال ۱۳۹۲ متوسط تولید سالانه مسکن در کشور حدود ۸۰۰ تا یک میلیون واحد بود که این آمار در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۰۰ هزار واحد کاهش یافت و این یعنی سالانه حدود ۷۰۰ هزار مسکن در طول ۸ سال کمبود مسکن داشته‌ایم و در مجموع در طول فعالیت دو دولت ۱۱ و ۱۲ با کسری ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد مسکونی مواجه شده‌ایم. البته اجرای طرح ملی مسکن در طول سه سال پایانی دولت دوازدهم (از سال ۱۳۹۸) امیدهایی ایجاد کرد ولی در

در طرح مسکن مهر، از سال ۱۳۸۶ ساخت حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکن مهر در کشور برای خانه‌دار شدن مردم تصویب و آغاز شد و در طول فعالیت دولت دهم فقط ۷۷۰ هزار واحد تکمیل و تحویل مردم شد و مابقی برای دولت بعدی ماند. با این حال تا پایان تیرماه امسال حدود ۲ میلیون و ۶۲ هزار واحد تکمیل و بیش از ۲ میلیون واحد به متقاضیان تحویل شده است.

بنابراین در قالب این طرح بیش از ۲ میلیون خانوار طی ۱۴ سال صاحبخانه شده و از اجاره‌نشینی خارج شده‌اند؛ از سوی دیگر ساخت این خانه‌ها به‌ویژه در شهرهای بزرگ به‌گونه‌ای بوده که انگار یک شهرک جدید ساخته شده ولی مباحث و نیازهای فرهنگی و اجتماعی در آن مورد توجه نبوده که در دولت یازدهم و دوازدهم تأمین خدمات زیربنایی نظیر مدرسه، مسجد، کلاتری، بهداشتی درمانی، فضای سبز از برنامه‌های اصلی وزارت راه و شهرسازی برای این‌گونه خانه‌ها اعلام شده و اعتبارات لازم تخصیص داده شده است.

در واقع دولت اعتدال چه موافق و چه مخالف ساخت مسکن در دولت مهر بوده یا نبوده می‌بایست واحدهای ساخته شده را تکمیل و خدمات زیربنایی را ایجاد نماید و بیش از ۶۵ درصد مجموع واحدهای مسکن مهر را به اتمام برساند؛ پس همه دولت‌ها در این مسیر زنجیروار به هم وصل هستند هر چند که شاید می‌بایست این زنجیر سردرگم زودتر تکمیل و تجهیز و بافته می‌شد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در کتاب وزارت راه و شهرسازی از عملکرد مسکن مهر، یک میلیون و ۹۴۹ هزار واحد مسکن مهر از ابتدای اجرای طرح

در بخش صدور سند برای واحدهای مسکن مهر از ابتدای اجرای طرح تاکنون یک میلیون و ۲۹۸ هزار واحد سند صادر شده که از این تعداد ۷۷۴ هزار واحد سند در دولت‌های یازدهم و دوازدهم صادر شده است.



نشدنی و یا ساخت بودن آن از این بابت که ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار مسکن مهر با آن همه تبلیغات در طول ۱۴ سال هنوز به سرانجام نرسیده و ۲ میلیون به مردم تحویل داده شده یعنی سالانه ۱۴۲ هزار نفر صاحبخانه شده‌اند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت ساخت، تکمیل و تحویل ۴ میلیون واحد مسکونی نیز ۸ سال زمان نیاز دارد که باز هم ۶ میلیون مستأجر باقی خواهند ماند.

در حال حاضر نکته مهم سرگردانی مردم در ثبت‌نام در این طرح‌هاست: طرح ملی مسکن، طرح جهش تولید و یا طرح نهضت ملی ساخت مسکن!

معاون مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی استان یزد در این خصوص اظهار داشت: هم‌استانی‌هایی که در طرح اقدام ملی مسکن ثبت‌نام کرده بودند، دیگر نیازی به ثبت‌نام مجدد در طرح جدید ندارند و در همان طرح صاحب‌خانه خواهند شد.

احسان خواجه رضایی درباره اختلاف تسهیلات در طرح ملی مسکن و جهش تولید گفت: اگر تسهیلات در طرح جهش تولید مسکن افزایش یابد، طبیعتاً این افزایش به طرح ملی اقدام مسکن نیز تعلق می‌گیرد. وی با بیان اینکه بر اساس تصمیم دولت، هر اقدامی

قالب این طرح هم از مجموع ۵۳۰ هزار واحد تنها ۲ تا ۳ درصد به سرانجام رسید که دیوان محاسبات درباره یکی از دلایل عدم موفقیت آن را آورده است: «در برخی از استان‌ها به دلیل ادغام طرح مسکن مهر و انتقال واحدهای آماده و یا با پیشرفت بالا به طرح ملی مسکن، درصد پیشرفت بالایی قید شده است ولی در عمل طرح اقدام ملی مسکن در این استان‌ها هم به تنهایی پیشرفت چندانی نداشته است.» در مجموع عملکرد وزارت راه و شهرسازی در دولت تدبیر و امید در حوزه‌های مختلف مسکن و شهرسازی تا پایان سال ۱۳۹۹، حکایت از تولید ۴ میلیون و ۶۲ هزار واحد مسکن شهری و روستایی دارد که شامل ۳ میلیون و ۵۸۳ هزار مسکن شهری (در سال ۹۲ معادل ۸۳۴ هزار واحد، سال ۹۳ معادل ۷۱۹ هزار واحد، سال ۹۴ معادل ۵۴۸ هزار واحد، سال ۹۵ معادل ۳۸۲ هزار واحد، سال ۹۶ معادل ۶۰ هزار واحد، سال ۹۷ معادل ۶۴۵ هزار واحد، سال ۹۸ معادل ۳۹۵ هزار واحد) است.

همچنین ۴۷۹ هزار واحد مسکن روستایی شامل: در سال ۹۲ معادل ۱۰۵ هزار واحد، در سال ۹۴ معادل ۸۳ هزار واحد، در سال ۹۵ معادل ۷۲ هزار واحد، در سال ۹۶ معادل ۷۰ هزار واحد، در سال ۹۷ معادل ۷۴ هزار واحد و در سال ۹۸ معادل ۷۵ هزار واحد بوده است.

بنابراین دولت سیزدهم، برای جبران این کمبودها می‌بایست حدود ۶ میلیون واحد مسکونی بسازد که امری نشدنی است با این حال یکی از شعارهای این دولت ساخت سالانه یک میلیون مسکن (یعنی ۴ میلیون در طول ۴ سال) در قالب طرح جهش تولید مسکن و یا نهضت ملی ساخت مسکن بوده است.

نکته مهم سرگردانی مردم در ثبت‌نام در این طرح‌هاست: طرح ملی مسکن، طرح جهش تولید و یا طرح نهضت ملی ساخت مسکن!





طرح ملی اقدام مسکن
در شهر یزد با پیشرفت
خوبی همراه بوده و
هزینه ساخت و ساز این
منازل از محل آورده
متقاضیان و تسهیلات
بانکی تأمین می شود.

افزود: دولت سیزدهم با برنامه ریزی طرح جامع ساخت چهار میلیون مسکن را در دستور کار قرار داده تا بسیاری از مردم صاحب خانه شوند. به گفته وی، دولت برای سال ۱۴۰۱، ارائه ۳۶۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات مسکن را در برنامه خود قرار داده است، نهضت ساخت مسکن در کشور شروع شده و ساخت چهار میلیون مسکن در کشور در ۲ فاز پیگیری می شود. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: در استان یزد نیز بر اساس جمعیت باید تا ۵۷ هزار واحد مسکونی ساخته شود که ساخت ۲۰ هزار واحد مسکونی در استان یزد آغاز شده که کمتر از حد انتظار است و باید به ۳۰ هزار واحد مسکونی در فاز اول برسد. قاسمی در عین حال در جلسه شورای اداری مرکز استان هم گفته است که ۶۰ هزار واحد مسکن سهم استان یزد است و اگر مردم بیشتر ثبت نام کنند افزایش سقف ممکن است.

وی گفت: بررسی کاملی انجام دادیم و ما ۲۰ هزار واحد مسکونی در سطح استان عملیات اجرایی آن شروع شده و تا پایان سال تکلیف سهمیه استان در زمین تعیین تکلیف می شود.

در باره پیگیری ساخت مسکن و اجرای طرح نهضت ملی مسکن، استاندار یزد هم معتقد است که مسئله طرح نهضت ملی

در خصوص طرح جهش مسکن صورت گیرد برای طرح ملی مسکن هم در نظر گرفته می شود، افزود: کسانی که در طرح اقدام ملی مسکن ثبت نام کرده اند تمامی امتیازات طرح جهش به آن ها تعلق می گیرد و در این زمینه نگرانی نداشته باشند. معاون اداره کل راه و شهرسازی یزد تصریح کرد: پیش بینی شده تا میزان تسهیلاتی که در نظر گرفته شده به ۶۰ درصد بیشتر از گذشته افزایش داشته باشد. به گفته خواجه رضایی، طرح ملی اقدام مسکن در شهر یزد با پیشرفت خوبی همراه بوده و هزینه ساخت و ساز این منازل از محل آورده متقاضیان و تسهیلات بانکی تأمین می شود؛ بر اساس مصوبه شورای عالی پول و اعتبار، ۳۵۰ میلیون تومان برای هر متقاضی در نظر گرفته شده که همچنان در انتظار ابلاغ بوده و اجرایی نشده است.

در باره وضعیت نهضت ملی ساخت مسکن هم وزیر راه و شهرسازی در جریان دوازدهمین سفر دولت به استان یزد و در شورای اداری شهرستان میبد اظهار داشت: شرایط مسکن در کشور از وضعیت خوبی برخوردار نیست، با هدف تحقق نهضت ملی مسکن، روش های نوین مسکن سازی با توافق با برخی کشورها پیگیری می شود. رستم قاسمی

مسکن برای دولت سیزدهم از اولویت ویژه و بسیار بالایی برخوردار است. مهران فاطمی در جلسه شورای مسکن استان یزد با هدف بررسی آخرین وضعیت اجرای طرح نهضت ملی مسکن در شهرستان‌ها گفت: مسئله مسکن برای استان یزد نیز یک مسئله مهم و جدی است لذا باید برای مراحل مختلف کلیه طرح‌های نهضت ملی مسکن، برنامه زمان‌بندی تعریف شود. مهران فاطمی با تأکید بر اینکه مسئله طرح نهضت ملی مسکن با پشت میز نشینی قابل پیگیری نیست، افزود: در این راستا باید مدیران دستگاهی و مسئولین مربوطه در استانداری به اتفاق فرماندار هر شهرستان به صورت هفتگی از یک‌الی ۲ پروژه شهرستانی بازدید میدانی انجام داده و متعاقب آن جلسه شورای مسکن شهرستان را برگزار کنند. وی در جریان بازدید از پروژه اقدام ملی مسکن شهر تفت هم با بیان اینکه پروژه اقدام ملی مسکن در دولت گذشته شروع شده است، افزود: با روی کار آمدن دولت سیزدهم این پروژه‌ها سرعت گرفت و در تلاش هستیم تا در کوتاه‌ترین زمان و با حداقل قیمت به اتمام برسند. استاندار یزد با اشاره به اینکه در زمینه نرخ تسهیلات در حال پیگیری هستیم تا از ۱۸ درصد به ۵ درصد کاهش دهیم تأیید تمام شده برای مردم به حداقل برسد، ادامه داد: با صحتی که با پیمانکار پروژه انجام شد مقرر شد سه بلوک این پروژه تا نیمه دوم سال ۱۴۰۱ به بهره‌برداری برسد. نتایج طرح سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان‌دهنده سکونت حدود ۳۱ درصد از مردم ایران در خانه‌های استیجاری است، اما گزارش بانک مرکزی از نحوه تصرف محل سکونت خانوارها در سال ۹۶ آمارهای

جزئی‌تری را به تصویر می‌کشد. بر اساس این آمار در این سال، ۶۴.۸ درصد از خانوارها در مسکن شخصی، ۲۵.۹ درصد در مسکن اجاری، ۰.۴ درصد در مسکن در برابر خدمت و ۸.۹ درصد در مسکن رایگان سکونت داشته‌اند و این یعنی یک‌سوم از خانوارهای ایرانی در واحدهای مسکونی اجاره‌ای زندگی می‌کنند. بنا بر همین گزارش مرکز آمار ایران تهران با ۴۴ درصد بیشترین خانوار اجاره‌نشین را دارد و بعد از آن استان البرز با ۴۱ درصد، قم ۳۹.۳ درصد، کرمانشاه ۳۵.۲ و خراسان رضوی هم با ۳۴.۲ بیشترین مستأجران را دارند. اما استان اردبیل با ۱۹.۴ کمترین اجاره‌نشین را دارد و بعد از اردبیل استان‌های گلستان با ۲۱.۱ درصد، خراسان جنوبی با ۲۱.۴ درصد، آذربایجان شرقی ۲۱.۴ درصد و چهارمحال و بختیاری هم با ۲۱.۸ درصد کمترین مستأجران را دارند. بیش از ۳۰ درصد جمعیت یزد هم اجاره‌نشین هستند که هر ساله و به‌ویژه در ۲ سال اخیر با جهش قیمت اجاره به شدت با مشکل مواجه شده‌اند. در نقطه مقابل ساخت مسکن و بدون خانه بودن یک سوم خانواده‌ها و اجاره‌نشینی، خانه‌های خالی و املاک داری بانک‌ها (به گفته فرسید پور حاجت دبیر کل کانون انبوه‌سازان مسکن کشور برای اساس آمارهای ارائه شده به بورس، بالغ بر ۳۷ میلیون متر زمین و مسکن در مالکیت بانک‌هاست و ۹۰۰ هزار واحد و مسکن در مالکیت سیستم بانکی است) نیز معضلی است که باید دولت سیزدهم آن را به نوعی حل کند و به داد اجاره‌نشین‌های برسد که امیدواریم تمام این مسائل به خروج مردم از سرگردانی و اجاره‌نشینی منجر شود.

مسئله مسکن برای استان یزد نیز یک مسئله مهم و جدی است لذا باید برای مراحل مختلف کلیه طرح‌های نهضت ملی مسکن، برنامه زمان‌بندی تعریف شود.





در گفتگو با رئیس سازمان نظام‌مهندسی یزد

شهر یزد؛ سمفونی بد صدایی که سازهایش کوک نیست

شهر داخل خودش باید بزرگ شود

توسعه نامتوازن یزد باعث شده که این شهر درگیر مشکلات ناشی از زیاده‌روی در توسعه شهری شود. این خود عاملی در ایجاد پدیده حاشیه‌نشینی است. افزایش شدید و لجام‌گسیخته توسعه شهر بدون توجه به رشد متوازن دارای عوارض بی‌شماری است که صرف‌نظر از رکود اقتصادی، با بحران‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، انسانی و... همراه می‌شود.

شادی شفیعی



نفر دارد که باتوجه به این موضوع که سرانه جمعیت در هر هکتار نزدیک سه یا چهار نفر بوده، متوجه می‌شویم که سرانه جمعیتی یزد بسیار پایین است.»

به گفته فرهمند، متولی تعیین محدوده شهری وزارت مسکن و شهرسازی است که در طرح جامع شهر مشخص می‌شود، البته افزایش یا کاهش آن با مصوبه شورای عالی معماری شهرسازی صورت می‌گیرد. اما توسعه این چند ساله یزد از کیفیت لازم برخوردار نیست و به گفته کارشناسان شهری یک توسعه نامتوازن است و هزینه زندگی در آن نسبت به امکانات موجود در شهر بالاست.

❖ عدم توجه به استانداردهای زندگی

شاید بتوان گفت اسناد قانونی که با صرف زمان و هزینه زیاد برای شهر نوشته شده در اجرا با عدم همکاری و هماهنگی مواجه می‌شوند. در طرح جامع باتوجه به هزینه‌های زندگی، استانداردهای مربوط به سرانه‌های خدمات شهری برنامه‌ریزی شده است. در سند های طرح جامع شهرها هم آمده که شهر باید با این سرانه، ویژگی‌ها و خدمات به حیات خود ادامه دهد. اما در این چند سال شهر یزد بدون در نظر گرفتن این موارد توسعه پیدا کرده است. مجتبی فرهمند، رئیس سازمان نظام‌مهندسی یزد در پاسخ به این سؤال که آیا این توسعه شهری خارج از محدوده مصوبه یک کار غیر قانونی است یا نه؟ توضیح می‌دهد که: «برنامه توسعه شهری یزد یک کار قانونی است که الان هم دارد روند قانونی‌اش را طی می‌کند، یعنی به‌عنوان یک کار غیر قانونی مطرح نیست بلکه به‌عنوان یک کار غیر کارشناسی، این طرح مورد نقد

این شهر ۲۵۰ کیلومتر مربعی هم‌اکنون دارای جمعیتی حدود ۵۵۰ هزار نفر بوده و خدمات‌رسانی به همه ساکنان آن مشکلی است که تمامی مدیران شهری با آن درگیر هستند. یکی از مهم‌ترین مصادیق بارز توسعه بی‌رویه و افسارگسیخته یزد، ایجاد هزاران واحد خالی از سکنه است که آمار آنها نزدیک به ۵۰ هزار واحد مسکونی برآورد شده است. این واحدهای چالش‌آفرین به دلیل نبود تقاضای مؤثر برای آنها، مصداق عینی توسعه بی‌رویه فیزیکی شهر هستند و این رشد نامتوازن شهر منجر به ایجاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی زیادی خواهد شد. در این زمینه با «مجتبی فرهمند»، رئیس سازمان نظام‌مهندسی یزد به گفتگو نشستیم.

محدوده قانونی شهر یزد چقدر است؟ یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه توسعه پایدار شهرها، توجه به محدوده قانونی شهر است. شهرها طبق قانون یک محدوده قانونی شهر دارند که در طرح جامع پیش‌بینی می‌شود و یک محدوده حریم که حریم‌ها به‌عنوان ذخایر شهر در توسعه‌های آینده در نظر گرفته می‌شوند و علاوه بر این ذخایر شهری، یکسری کاربری‌های مجازی هم در محدوده قانونی و هم در محدوده حریم پیش‌بینی می‌شود. مجتبی فرهمند در خصوص محدوده قانونی شهر یزد به پرگار می‌گوید: «طبیعتاً اندازه شهرها متناسب با جمعیت آن شهر بوده که یکی از اصلی‌ترین معیارهای مدیریت شهری است. محدوده قانونی شهر یزد ۱۰۸۰۰ هکتار است و با محدوده‌های غیررسمی سکونتی که خارج از محدوده قانونی هستند، نزدیک به ۱۵ هزار هکتار. شهر یزد جمعیتی بین ۵۴۰ تا ۵۵۰ هزار



اندازه شهرها متناسب با جمعیت آن شهر بوده که یکی از اصلی‌ترین معیارهای مدیریت شهری است.



می شود. رئیس سازمان نظام مهندسی یزد معتقد است که در توسعه یک شهر، باید موارد زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی را هم در نظر گرفت: «توسعه زیست محیطی یعنی ما برای شهرمان باید هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، آب های سطحی و زیر سطحی بدون آلودگی، داشته باشیم، یا در مورد توسعه اقتصادی اینکه اقتصاد شهری مان با تغییراتی فنی و صنعتی جهت حفظ مشاغل پایه مان هماهنگ باشد.»

❖ کاهش مشارکت مردمی

در پی توسعه نامتوازن محلات مسائلی همچون اختلاف طبقاتی، مشکلات امنیتی و اجتماعی به وجود می آید. در این صورت مردم آن مناطق سهم خود را در توسعه کمتر احساس می کنند و میزان مشارکت مردمی کاهش می یابد؛ بنابراین شاید توسعه اجتماعی را مهم ترین شاخص توسعه یک شهر دانست. مجتبی فرهمند نیز با تاکید بر اهمیت موضوع توسعه اجتماعی، به پرگار می گوید: توجه به توسعه اجتماعی در رشد شهر موضوع مهمی است. چرا که توسعه باید به سمتی پیش برود که یک شهر را همبسته کند و الگوی کاربری اراضی به گونه ای باشد که همبستگی اجتماعی به وجود بیاورد و احساس تعلق به شهر را تقویت کند، توسعه بایستی از زاغه نشینی و ایجاد نقاط ناامن و ایجاد مناطق جرم خیز جلوگیری کند. همه این موارد بایستی در توسعه های اجتماعی دیده شود. توسعه شهری طوری باید شکل بگیرد که به لحاظ حمل و نقلی منجر به کاهش سفرهای درون شهری و تقویت مدهای حرکتی پیاده و دوچرخه و حمل و نقل عمومی شود.

است، ولی مراحل قانونی اش را حتماً طی خواهد کرد، چون غیر از این امکان پذیر نیست.»

❖ عدم توجه به توسعه پایدار

شهری

به گفته رئیس سازمان نظام مهندسی یزد، صرفاً توجه به توسعه کمی شهری می تواند تبعات جبران ناپذیری را برای شهر و آینده آن به دنبال داشته باشد و به همین جهت بایستی بر توسعه پایدار شهری توجه بیشتری شود چرا که در تعریف توسعه پایدار آن چیزی که به صورت عام مدنظر است، همان، توسعه ای است که نیاز امروز و حال را بدون این که در توانایی نسل آینده برای دسترسی به منابع و تأمین نیازشان به مخاطره اندازد، مجاز می داند.

فرهمند بر این باور است که توسعه بایستی به سمتی پیش برود که نیازهای مردم یک شهر را تأمین کند: اگر از ابعاد مختلف بخواهیم توسعه ها را تعریف کنیم، در مبانی توسعه پایدار جدا از توسعه کالبدی شهر، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی زیست محیطی را در بر می گیرد؛ بنابراین توسعه باید به سمتی پیش برود که تغییراتی در کاربری زمین و سطوح و تراکم در جهت رفع نیازهای ساکنین شهر باشد.

این کارشناس حوزه شهری، توسعه شهر یزد را یک توسعه صرفاً کالبدی می داند و می گوید: در رویکرد توسعه پایدار پارامترهای دیگری هم دخیل است که متأسفانه در حال حاضر این نگاه برای توسعه شهر یزد در نظر گرفته نشده در حالی که در توسعه پایدار به استانداردهای مهم زندگی نگاه ویژه

صرفاً توجه به توسعه کمی شهری می تواند تبعات جبران ناپذیری را برای شهر و آینده آن به دنبال داشته باشد و به همین جهت بایستی بر توسعه پایدار شهری توجه بیشتری شود.

❖ سمفونی بزرگ و بد صدا

با این وجود حاصل این توسعه نامتوازن و غیر کارشناسی چیزی نیست جز یک شهر کج و کوله، آشفته و بی‌دروپیکر. یک سمفونی بزرگ و بد صدا که تقریباً هیچ کدام از سازهایش کوک نیست. هر قطعه‌ای، طول و عرض و ارتفاع و شکل خود را دارد؛ مستقل و زشت. تصویری دارد مغشوش و بی‌معنی؛ بی‌هویت، دلگیر و البته ناامیدکننده!

فرهمنده توسعه امروز شهر یزد را صرفاً توسعه‌ای از جنس کالبدی می‌داند: «توسعه‌ای که امروز برای تأمین نیازهای ساختمان شهر مدنظر است، صرفاً توسعه از جنس کالبدی است و به سایر پارامترهای توسعه توجه نشده که این خیلی موضوع مهمی است چرا که در چهار دهه جمعیت شهر حدود ۶/۵ برابر شده، ولی وسعتش شهر ۱۹/۵ برابر شده، یعنی ما یک شهر بزرگ با جمعیت متوسط داریم. در شهری با این سرانه جمعیتی پایین و با این توسعه سطحی بالا، هزینه شهر بالاست. تعداد اتوبوس‌های حمل و نقل شهری مان که در شهر جریان دارند، بر اساس جمعیت، استاندارد است، ولی چون شهر بزرگ است، نمی‌تواند خدمات کاملی را بدهد.» به گفته فرهمند برای جمعیت ۵۵۰ هزار نفر این تعداد سرانه اتوبوس کافی است، اما اینکه حمل و نقل شهری مشکل دارد به دلیل توسعه نامناسب شهری بوده چرا که شهر بزرگ است و اتوبوس‌ها خالی دارد در مسیرها تردد می‌کند، چون مسیرها طولانی است. یعنی توسعه شهر نسبت به افزایش جمعیت نزدیک به سه برابر است، و به این معنی است که هزینه‌های ما متناسب با سرانه جمعیتی ما هزینه سه برابری است.

❖ فشار اقتصادی بر دوش مردم

یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه توسعه پایدار شهرها، توجه به توسعه اقتصادی آن شهر است. شهر یزد درآمدش را از تعداد ساکنانش به دست می‌آورد، ولی برای هزینه‌اش باید سه برابر درآمد خود مکان هزینه کند، چرا که شهر سه برابر بیشتر از جمعیتش توسعه یافته و این یعنی هزینه اضافی بر روی دوش مردم شهر یزد.

رئیس سازمان نظام مهندسی یزد نیز بر این موضوع تأکید دارد که توسعه شهر یزد از نظر اقتصادی پایدار نیست: زمانی که در توسعه شهری، توسعه اقتصادی را در نظر بگیریم، فشار اقتصادی روی دوش مردم و نارسایی‌های آن روی دوش فقرا می‌آید و اگر امروز ما برای فقرا و برای اقشار کم‌درآمد دنبال تأمین مسکن هستیم، طبیعتاً می‌دانیم که اگر به این مؤلفه‌ها توجه نکنیم، در نهایت به ضرر آن‌ها تمام می‌شود.

❖ زمین‌های خالی در محدوده

قانونی شهر

پراکندگی شهری نه تنها حاشیه‌نشینی را رواج می‌دهد بلکه باعث بروز آسیب‌های اجتماعی نیز می‌شود. مجتبی فرهمند با اشاره به این موضوع، آسیب‌های اجتماعی را از معضلات توسعه نامتوازن شهری می‌داند: «در مباحث اجتماعی، افزایش اختلاف طبقاتی، فعالیت‌های مجرمانه و تغییر سبک زندگی به وجود می‌آید که همه این تبعات ناشی از عدم توجه به الزامات فرهنگی یا الزامات اجتماعی توسعه است.»

وی در ادامه صحبت‌های خود به وجود اراضی خالی در محدوده قانونی شهر یزد اشاره می‌کند: الان در شهر یزد نزدیک به

زمانی که در توسعه شهری، توسعه اقتصادی را در نظر بگیریم، فشار اقتصادی روی دوش مردم و نارسایی‌های آن روی دوش فقرا می‌آید.



❖ افزایش هزینه های دولت

وی ادامه می دهد: «طبیعتاً یکی از اصلی ترین تأثیرات گسترش و توسعه بی رویه شهر می تواند افزایش هزینه های دولت باشد جهت تأمین زیرساخت های لازم برای سکونت، بیمارستان، مدرسه، مجموعه ورزشی، مسیرها و غیره، این ها هزینه هایی است که در این طور توسعه ها کمتر به آن توجه می شود و این ها بعداً می تواند مسائلی را به وجود بیاورد که برای شهر و طبیعتاً ساکنان شهر هزینه داشته باشد، ولی مزایای توسعه پایدار و توجه به پارامترهای چندگانه ای که اشاره کردم، صرفه جویی در مصرف سوخت، استفاده حداکثری از زمین شهری، محافظت از اراضی سبز و کشاورزی و اراضی حاشیه شهری، مرمت و نوسازی ساختمان های فرسوده و بایر، افزایش تحرک پویایی در اثر افزایش حمل و نقل عمومی را به همراه دارد.» فرهمند معتقد است که با این روند توسعه غیر کارشناسانه شهر اتفاقات ناخوشایندی رخ می دهد: «ما عملاً با این تصمیم نادرست، حمل و نقل عمومی را از بین می بریم، یعنی ما داریم تشویق می کنیم که تمام ارتباطاتمان با ماشین باشد. برعکس با توسعه جمعیت در داخل محدوده شهری می توانستیم این حمل و نقل را روز به روز تقویتش کنیم. اگر از جوانب مختلف به این توسعه نگاه کنیم، طبیعتاً توسعه بی رویه شهر بدون توجه به آثار مخرب بخش های دیگرش می تواند برای شهر اثر زیان باری را به دنبال داشته باشد.»

❖ توجه به توسعه پایدار شهری

تغییرات اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی شهرها و توسعه آنها امری اجتناب ناپذیر است اما آن طور که رئیس سازمان

۳۰ درصد از محدوده قانونی شهر خالی از ساخت و ساز است، یعنی شما برای مثلاً ۱۰ هزار هکتار نزدیک سه هزار زمین خالی دارید و در تعریف توسعه درون زا یا توسعه پایدار توجه به زمین های بایر داخل شهر از نکات بسیار مهم است. اما متأسفانه در حال حاضر این زمین ها در سوداگری مسکن، زمین و بورس بازی قرار گرفته و طبیعتاً خالی مانده و این ها دست به دست دارد معامله می شود، بدون این که هیچ گونه ارزش افزوده ای برای شهر ایجاد کند.

❖ نوسازی بافت فرسوده

رئیس سازمان نظام مهندسی یزد برای باور است که قانون بافت فرسوده برای نوسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد است و اینکه ما چقدر می توانستیم در این بافت های فرسوده مان پروژه هایی تعریف کنیم که هزینه های بعدی برای شهر نداشته باشد که این فرصت را از دست دادیم. چرا که ما باید برای این پروژه هایی که خارج از محدوده تعریف می شود، راه، آب، گاز و روشنایی بکشیم در صورتی که همه این ها در محدوده مرکز شهر وجود دارد.

هوشمندسازی راهکاری مناسب برای جلوگیری از پراکندگی شهری است و در حال حاضر متأسفانه توسعه شهر یزد یک توسعه منفصل است. مجتبی فرهمند دلیل این مدل توسعه شهر را زمین های ارزان قیمت اطراف می داند: «افزایش و بزرگ کردن شهر تنها دلیلش، زمین ارزان قیمت بوده، در صورتی که هزینه های سربار این زمین ها خودش می تواند بیشتر از این قیمت زمینی باشد که الان به عنوان وجه قالب این موضوع مطرح شود.»

قانون بافت فرسوده
برای نوسازی بافت های
فرسوده و ناکارآمد
است و اینکه ما چقدر
می توانستیم در این
بافت های فرسوده مان
پروژه هایی تعریف کنیم
که هزینه های بعدی
برای شهر نداشته باشد
که این فرصت را از
دست دادیم.

توسعه‌ای که بدون توجه به نیازهای استفاده از منابع و نحوه استفاده از آنها در حال انجام است، طبیعتاً مشکلات زیادی به همراه دارد. بنا بر گفته مجتبی فرمند در این ۴۰ سال اخیر، شهر یزد چهار بار توسعه پیدا کرد. یک زمانی محدوده آزادشهر و صفاییه در یک مقطعی عیش آباد و خیرآباد به شهر اضافه شد و در سال ۷۲ علاوه بر طرح جامع سال ۶۵، ۲۸۰۰ هکتار محدوده شهری افزایش پیدا کرد و در این اواخر هم اراضی اندیشه و فراز و مهرآوران و طوبی به شهر اضافه شد، یعنی در هر مقطعی نیازی هم نبوده، ولی شهر بزرگ و تبدیل به یک شهر غیراقتصادی شده است.



❖ شهر هزینه دارد

این کارشناس حوزه شهری با بیان این موضوع که در شهر یزد علاوه بر این همه پول که هزینه می‌شود، باز هم مردم از بحث عوارض و تراکم‌ها گله دارند، می‌گوید: «به این دلیل که شهر یزد یک بستر بزرگی شده، هر کاری در آن انجام شود، به چشم نمی‌آید. این واقعیت را باید پذیرفت که شهر هزینه دارد و طبیعتاً این شهر با این وسعت گنجایش یک و نیم میلیون نفر جمعیت را دارد و وقتی که بایستی آثار اقتصادی‌اش را ۵۰۰ هزار نفر تحمل کنند، طبیعتاً شهر گرانی خواهد شد. حالا با تبعاتی مثل اینها، باز هم برای توسعه شهر پروژه‌هایی خارج از محدوده قانونی شهر در نظر گرفته شده که متأسفانه به اینجا هم بسنده نمی‌شود.» افزایش لجام‌گسیخته محدوده شهری وی در ادامه صحبت‌های خود به موضوع اتصال تفت به یزد هم اشاره می‌کند و معتقد است که این اتفاق تبعات مخربی برای تفت به همراه دارد: «واقعیتش این

نظام مهندسی یزد می‌گوید خیلی از شهرها توسعه را از محدوده قانونی خود آغاز کرده‌اند: «خیلی از شهرهای دنیا ۱۰۰ سال است که توسعه کمی نداشته و بزرگ نشده‌اند و جمعیتشان هم بالا رفته است. شهر داخل خودش باید بزرگ شود، شهر باید از فضاهایی که فرسوده شده‌اند و نیاز به نوسازی دارند، از دل خودش نوسازی صورت بگیرد و جمعیت در مرکز شهر و در محدوده‌های قانونی شهر شکل بگیرد.»

وی معتقد است که شهری را می‌توان به عنوان شهر توسعه یافته امروزی در نظر گرفت که هیچ‌گونه آسیبی به محیط زیستش نرساند، منابعش را در اندازه نیازهای خودش مصرف کند، مشروط به آنکه از منابع آیندگان استفاده نکند. فرمند در ادامه صحبت‌های خود به این موضوع اشاره می‌کند که مادر حال حاضر در همین محدوده قانونی شهر به لحاظ منابع و بحث آب آشامیدنی، برق و حتی گاز هم مشکلاتی داریم و این

شهر داخل خودش باید بزرگ شود، شهر باید از فضاهایی که فرسوده شده‌اند و نیاز به نوسازی دارند، از دل خودش نوسازی صورت بگیرد و جمعیت در مرکز شهر و در محدوده‌های قانونی شهر شکل بگیرد.



است که قطعاً می تواند تبعات مخربی را برای تفت داشته باشد، هر چند به نظر می آید که در چند سال آینده این اتفاق خواهد افتاد و تقریباً یزد و تفت به هم وصل می شوند و محدوده قانونی شهر یزد دیگر لجام گسیخته افزایش پیدا می کند.» مجتبی فرهمند در پاسخ به این سؤال که چه ارگانی بایستی بر این نوع مدل توسعه نظارت داشته باشد، می گوید: «راه و شهرسازی متولی این موضوع است و اهرم فشارش با شورای عالی معماری شهرسازی است. اما متأسفانه الان خود وزارت راه و شهرسازی متولی توسعه شهرها شده است.»

شهرک های منفصل شهری

ایجاد شهرهای جدید یا شهرک های اطراف شهرها به دلیل مسائل جمعیتی یا ساخت وسازهای غیر مجاز چند سالی است که مورد بحث بین ارگان های مختلف شهری یزد است. رئیس سازمان نظام مهندسی یزد در خصوص کاریز بوم که یکی از شهرک های منفصل مورد بحث این سال های اخیر بوده، می گوید: «کاریز بوم در قالب یک شهرک مسکونی مطرح شده، ولی عملاً باز هم تبعاتش برای شهر یزد وجود دارد، یعنی نمی توانیم بگوئیم چون شهرک است، همه خدماتش را خود شهرک انجام می دهد. این موضوع بایستی از سوی ارگانی پیگیری شود که کارش جلوگیری از توسعه نامناسب شهری است اما متأسفانه این شهرک سازی توسط خود همان ارگان انجام می شود.»

او معتقد است که شهر یزد در مضیقه منابع و زمان تحمل آبی آن کوتاه است: ما حتی در تأمین برق هم مشکل داریم و حتی با همین ظرفیت فعلی، حتی در

زمستان بعضاً در تأمین گاز هم با دشواری روبرو هستیم و اضافه کردن جمعیت زیادی با این شرایط چقدر می تواند تأثیر منفی بر روی منابع بگذارد. از طرفی بحث خدمات است. بالاخره جمعیتی که ساکن می شود، خدمات می خواهد؛ خدمات آموزشی، فرهنگی، ورزشی و ... که دولت برای ساخت هر کدام از آنها باید هزینه و سرمایه گذاری کند و این خدمات را بسازد و یا جمعیت را با وسایل نقلیه شخصی سرازیر کنیم به محدوده های شهری داخل محدوده قانونی که همه این موضوعات بار مالی و اقتصادی دارد که امیدوارم به این موضوعات فکر کنند.

وی در خصوص ساخت مسکن های ملی در محدوده خارج از مصوبه شهری نیز می گوید: «این موضوع هنوز به قطعیت نرسیده اما پیش فرض هایی در نظر گرفته شده ولی خیلی بهتر بود که از اراضی دولتی داخل محدوده شهر استفاده شود. دولت و دستگاه های دولتی زمین های قابل توجهی را در محدوده قانونی دارند. شاید بخشی از این زمین ها بشود منتقل شود به بیرون از محدوده و بخش مسکونی بیاید داخل محدوده قرار بگیرد. این تصمیم حتماً می تواند نقشه راه مؤثری برای کنترل آسیب ها و معضلاتی باشد که به وجود می آید.»

شهری آشفته و بی دروپیکر

به هر روی، با توجه به این تجارب ناخوشایند، توسعه شهرها امری پسندیده و مطلوب است مشروط بر اینکه این توسعه با رعایت معیارهای علم شهرسازی باشد. در غیر این صورت نتیجه آن می شود یزدی با انبوه مشکلات گوناگون که عرصه بر همه شهروندان تنگ شده است.

دولت و دستگاه های دولتی زمین های قابل توجهی را در محدوده قانونی دارند. شاید بخشی از این زمین ها را بتوان به بیرون از محدوده منتقل کرد و بخش مسکونی بیاید داخل محدوده قرار بگیرد.



توسعه منفصل شهر یزد، عبور از حد ظرفیت سرزمینی

از طرح مفهوم توسعه پایدار (SUSTAINABLE DEVELOPMENT) در مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان استراتژی اصلی توسعه جهانی امروزه بیش از سی سال می‌گذرد. سی سال است که همه کشورهای دنیا از جمله کشور جمهوری اسلامی ایران، متعهد شده‌اند ملاحظاتی زیست‌محیطی و اجتماعی را در فرایند تصمیم‌گیری‌هایشان ارجح بدانند تا زمین و سرزمین‌ها به عنوان جایی برای زندگی آیندگان باقی بماند.

مهدی صادق احمدی



دکترای مرمت ابنیه و
بافت‌های تاریخی و عضو
هیئت علمی دانشگاه فنی
و حرفه‌ای

در حالی که کشورهای مختلف در سه دهه گذشته به طور فزاینده اهمیت به موضوعات زیست محیطی را به عنوان مهم ترین چالش بشری مدنظر قرار داده اند. باعث تأسف عمیق است که در کشور عزیز ما همچنان پروژه های «بزرگ مقیاس» توسعه، بی اعتنا به اصول توسعه پایدار تعریف و اجرا می شوند!

مسئله الحاق حداقل ۴۲۵ هکتار زمین های بیابان جنوب شرقی یزد به محدوده شهری، جهت اجرای طرح اقدام ملی و جهش مسکن نیز از همین دست پروژه های بزرگ مقیاس است که به نظر می رسد همه ابعاد آن مورد توجه قرار نگرفته و تناسبی با موقعیت زمانی و مکانی خود ندارد. چنین تصمیمی علی رغم مخالفت و هشدار اکثر کارشناسان و تبعات زیست محیطی فراوانش یزد را در موقعیت خطیری قرار داده است!

امروز یزد باید میان دوره پیش رویکی را انتخاب کند:

راه اول حفظ کبان سرزمین، رعایت مقتضیات زیست بوم و تداوم حیات شهر مبتنی بر فرهنگ ریشه دار ایرانی اسلامی به عنوان «شهر قناعت - محور» است که برای آن بایستی به اصلاح بسیاری از امور بپردازد.

راه دوم تبدیل شدن به شهری در تضاد با همه فرهنگ عمیق و تاریخ دیرین تعامل با آهنگ طبیعت، متضاد با اصول توسعه مبتنی بر زیست بوم، خروج از مرز ظرفیت های سرزمینی و وابستگی شدیدتر و دائمی به «آب» سرزمین های مجاور در شرایط ورشکستگی آبی آنهاست.

شهر یزد در طول تاریخ با هوشمندی

و بالاترین خلاقیت بهره وری از ظرفیت های سرزمینی، علی رغم طبیعت خشن و نامناسب اولیه، توانسته است شهری باشد که امروزه به عنوان «میراث» جهانیان مایه افتخار بشریت است. این افتخار در وهله اول متعلق به ساکنان شهر یزد است که به درایت، سخت کوشی و حکمت پدران شان ببالند. حفاظت از «میراث جهانی یزد» منحصر در حفظ کالبد محدوده تاریخی شهر یزد نیست. بلکه حفاظت از دستاوردها و حکمت علمی و عملی است که نحوه تعامل با طبیعت را به ما می آموزد. توسعه نامتوازن و منفصل شهر یزد در قالب شهرکی بزرگ در مقیاس سکونت یکصد هزار نفر! علاوه بر همه عوارض اجتماعی، اقتصادی، وهن دستاوردهای تجربه زیسته سرزمینی تلقی می شود و در تضاد با همه مبانی تمدن بوم ساختی است که یزد به آن شهره جهان شده است.

براستی گردشگران غریبه با دیدن یزد گذشته و یزدی که اینگونه طرح های توسعه پدید خواهد آورد، چه فکر خواهند کرد؟ چه پاسخی برای فرزندان خود خواهیم داشت که چگونه حکمت سکونت سرزمینی پدرانمان را برایشان به ارث گذاشتیم و در برابر این اقدام خطیر سکوت کردیم؟

در حالی که یزد در سند آمایش سرزمین به عنوان استان مهاجر فرست تعیین شده است، در ۲۰ سال اخیر با رشد فزاینده جمعیت و مهاجرت قشر کارگر به واسطه توسعه صنایع مواجه بوده است. توسعه صنایع یزد به پشتوانه «انتقال آبی» که قرار بود تشنگی مردمانش را فرونشاند، به مهاجر پذیری قشر کارگری ختم شده است که امروزه

حفاظت از

«میراث جهانی یزد»

منحصر در حفظ کالبد

محدوده تاریخی شهر

یزد نیست. بلکه حفاظت

از دستاوردها و حکمت

علمی و عملی است که

نحوه تعامل با طبیعت را

به ما می آموزد.

متقاضی مسکن اجتماعی هستند. مهم‌ترین دلیلی که مسئولان بخش «مسکن شهری» برای توسعه منفصل شهر ارائه می‌کنند، میزان تقاضای زیاد مردمی در قالب طرح اقدام ملی و الزام رعایت وظیفه قانون جهش مسکن است و ساده‌ترین پاسخ اضافه شدن محدوده شهر!! اما واقعیت این است که چنین تصمیم خطیری تنها از عهده متولیان شهرسازی و مسکن شهری بر نمی‌آید! و اساساً در اینجا صورت مسئله به اشتباه طرح شده است. مسئله اصلی آن است که یزد با مقتضیات اقلیمی و آب و خاکش ظرفیت محدودی برای سکونت دارد و از طرفی شهری است که حفاظت از آن بر عهده همه نهادهای کشور است. تسلیم شدن در برابر تقاضای مهاجرت به این شهر در حالی که مستلزم خروج شهر از مرز ظرفیت‌های سرزمینی آن باشد، تداوم دور باطلی خواهد بود که در عین تخریب آب و خاک و تحمیل هزینه‌های گزاف بازهم منجر به افزایش تقاضای مهاجرت به آن خواهد شد! یافتن پاسخ مسئله اصلی نیازمند پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تعیین استراتژی توسعه سرزمینی منطبق با ظرفیت آن است اما عجالتاً انتقال صنایع مهاجرپذیر و آب‌خواه به سرزمین‌های دیگر یا تغییر بطئی این صنایع به صنایع «های‌تک»، نامعقول‌تر از انتقال آب از سرزمین‌های خوش آب و هوا به بیابان‌های لم‌یزرع یزد نیست!

واضح است که مصرف آب در یزد به واسطه اقلیم نامناسب و تابستان طولانی‌اش به مراتب بیشتر از شهرهای دیگر است و تنها به همین یک دلیل، گسترش شهر بیش از این جایز و



گسترش افقی شهر در محدوده منفصل کنونی علی‌رغم هزینه‌های هنگفت توسعه شبکه زیرساختی و حمل‌ونقل به کل شهر، بیشترین سود را نصیب سوداگران زمین در پروژه شکست خورده «باغ شهر کوثر» خواهد داشت.

معقول نیست. هر چند تنها همین یک دلیل نیست، ساکنان یزد می‌دانند که نگهداری و حفاظت از یک درخت از تابش آفتاب جانب غرب چقدر دشوار است، از این روی احداث شهرک جدید در بیابان‌های یزد با دشواری‌های متعددی مواجه است و نیازمند صرف انرژی و هزینه بسیار بالاتری نسبت به دیگر نقاط کشور است. از سویی الگوی سکونت آپارتمانی که برای احداث این شهرک در بیابان‌های یزد انتخاب شده نیز به لحاظ مصرف انرژی ساخت و سکونت، با سرانه بسیار بالاتر مصرف انرژی در مقایسه با شرایط مشابه در شهرهای دیگر مواجه خواهد بود! و در نهایت ساخت این شهرک با شناختی که نگارنده از شرایط معمول حاکم بر ساخت‌وساز امروزی و در پروژه‌های این‌چنینی دارد، هیچ ارزش معمارانه‌ای بر شهر یزد نخواهد افزود و صرفاً معدل کیفیت‌های معماری شهر را خواهد کاست؛ بنابراین به هر روی این نوع توسعه نامعقول و ناپایدار می‌نماید! علاوه بر این احتمال دارد که کلاف درهم‌پیچیده آینده یزد و نحوه تعامل مردمان ساکن در پهنه مرکزی ایران را سردرگم سازد.

نکته آخر آنکه گسترش افقی شهر در محدوده منفصل کنونی علی‌رغم هزینه‌های هنگفت توسعه شبکه زیرساختی و حمل‌ونقل به کل شهر و هزینه‌های خزانه بیت‌المال در نهایت، بیشترین سود را نصیب سوداگران زمین در پروژه شکست خورده «باغشهر کوثر» خواهد داشت که بدون کمترین هزینه بیشترین سود از اتصال به شهر و بهره‌مندی از خدمات عمومی نصیبشان گردد.

لزوم بهره‌گیری از زمین‌های داخل شهر برای طرح مسکن ملی؛

آپارتمان‌سازی در یزد جایگاهی ندارد

شورای شهر با هرگونه افزایش به محدوده شهر یزد مخالف است

طرح مسکن ملی طرحی است که در ادامه تکمیل کردن طرح‌های ناتمام مسکن و باهدف حمایت دولت برای تأمین مسکن به عنوان اولین نیازهای زندگی در کشور آغاز شده است. این طرح به عقیده کارشناسان در تعادل قیمت مسکن هم تأثیر پررنگی دارد اما در استان یزد علی‌رغم سرعت و پیشرفتی که این طرح دارد هنوز در فاز نخست اجرا با مشکلات عدیده‌ای روبرو شده و در فازهای بعدی علی‌رغم تلاش دولت برای تأمین زمین، مسئولان استانی اندر خم کوچه زمین و تأمین زیرساخت مانده‌اند.

ابوالفضل محمدی



به گزارش خبرنگار پرگار یزد، دولت سیزدهم در استان یزد در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از فعالیت دچار حاشیه‌هایی شد که از جمله این حاشیه‌ها در خصوص الحاق ۴۲۴ هکتار از اراضی محدوده شهر یزد واقع در مجاورت روستای خضر آباد برای مسکن ملی بود. بر این اساس استاندار یزد برای اختصاص زمین‌های منطقه خارج از شهر به طرح ملی اقدام مسکن دستور داد تا با همکاری و حمایت کلیه دستگاه‌های متولی مخصوصاً دستگاه مسئول و وزارت راه و شهرسازی ساخت مسکن سرعت بیشتری بگیرد که این دستور با واکنش تند اعضای شورای شهر مواجه شد.

❖ ارائه خدمات به حومه شهر بسیار پرهزینه است

رئیس کمیسیون شهرسازی، معماری و عمران شورای شهر یزد با اشاره به دشواری‌های توسعه شهری در خدمات‌رسانی گفت: ارائه خدمات به حومه شهر بسیار پرهزینه است. مرتضی شایق با بیان اینکه موضع شورای شهر و شهرداری یزد درباره اجرای طرح‌های عمرانی در حومه شهر باید مشخص شود اظهار داشت: ارائه خدمات به حومه شهر بسیار پرهزینه خواهد بود و به نظر می‌رسد شهرداری موضع‌گیری مشخصی درباره توسعه شهری و گسترش حومه شهر ندارد. وی با بیان اینکه گسترش شهر

زیرساخت‌هایی لازم دارد که شهرداری را در خدمات‌رسانی با مشکلات مواجه می‌کند ادامه داد: گسترش حومه‌های شهر نیازمند انتقال بسیاری از خدمات از جمله حمل‌ونقل، پسماند، آتش‌نشانی و... به این مناطق خواهد بود که هزینه بر و با تبعات فراوان همراه است. عضو شورای شهر یزد با اشاره به طرح کاریز بوم تصریح کرد: با وجود مشکل کمبود آب در شهر، حجم زیادی از منابع آبی استان برای اجرای این طرح به حومه شهر انتقال می‌یابد و بعد از اتمام طرح، اراضی تحت پوشش این طرح به نفع بخش خصوصی به مزایده گذاشته می‌شود. شایق با بیان اینکه نتیجه از الان روشن است و می‌توان فهمید چه تبعاتی در پیش است خاطر نشان ساخت: اجرای چنین طرح‌هایی سبب اتلاف هزینه و منابع ملی شده و نیازمند توجه و موضع‌گیری جدی مسئولان ذی‌ربط خواهد بود. رئیس کمیسیون عمران شورای شهر با بیان اینکه کمربندی قدیم یزد در محدوده فعلی شهر است و به یکی از بلوارهای اصلی شهر تبدیل شده که ناشی از توسعه شهر بوده است و این موضوع نشان می‌دهد در سال‌های بعد اگر توسعه شهر را با الحاق زمین رقم بزنیم باید کنار گذر یزد و پایانه بار و مسافر را نیز جابه‌جا کنیم. شایق تصریح کرد: بیش از ۸ هکتار زمین از فرودگاه قدیم یزد به صورت محصور شده وجود دارد و کسی هم از این زمین اسمی به میان نیاورده و مشخص نیست

□ ارائه خدمات به حومه شهر بسیار پرهزینه خواهد بود و به نظر می‌رسد شهرداری موضع‌گیری مشخصی درباره توسعه شهری و گسترش حومه شهر ندارد.

شهر بهره‌برداران تصریح کرد: توسعه شهر زیرساخت می‌خواهد و گسترش ارائه خدمات را به دنبال دارد که به سادگی قابل انجام نیست و نمی‌توان تبعات و عواقب بعدی را جمع و جور کرد.

نایب‌رئیس شورای شهر یزد افزود: الحاق زمین به محدوده شهر برای ساخت طرح‌های مسکن منجر به توسعه شهر می‌شود در حالی که شهرداری همین الان در بخشی از شهر برای خدمات‌رسانی با مشکلات و کاستی‌هایی مواجه است. وی با بیان اینکه اعضای شورا با توسعه محدوده شهر مخالفت دارند اظهار داشت: توسعه شهر قطعاً در آینده نه چندان دور هزینه‌های بسیار زیادی را تحمیل می‌کند و باید زیرساخت‌ها و تأسیساتی را جابه‌جا کنیم که با شرایط فعلی هم بسیار دشوار است چه رسد به اینکه در سال‌های آینده چنین اتفاقاتی را رقم بزنیم.

سیفی افزود: ظرفیت‌های قانونی برای ساخت مسکن توسط شهرداری‌ها وجود دارد ولی متأسفانه این موضوع در شهر یزد مغفول مانده و باعث ایجاد فشار مضاعف به اقشار ضعیف شده است.

وی با بیان اینکه دولت زمین‌های زیادی در محدوده شهر دارد که در اختیار برخی دستگاه‌ها است ادامه داد: به جای الحاق زمین به شهر بهتر است از همین زمین‌ها استفاده و با بهره‌گیری از نظر و مشورت کارشناسی به هدف خود در تأمین مسکن برای اقشار ضعیف جامعه اقدام کنند.

اول کیفیت را برای خود حفظ کنیم. رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای اسلامی شهر یزد با اشاره به مباحث نظارتی در خصوص ساخت‌وسازهای شهری و نظارت بر ساخت‌وسازهای غیرمجاز گفت: بحث حریم شهر بر اساس طرح تفصیلی یک محدوده مشخص نزدیک به دوازده هکتار است و شورای ششم معتقد است که این دوازده هکتار باید حفظ شود و محدوده جدیدی به آن اضافه نشود که با توجه به زمین‌های سطح شهر در حال پیگیری هستیم که با همراهی دولت مجموعه جدیدی به سطح شهر اضافه نشود. پارسائیان افزود: در بحث طرح ملی اقدام مسکن دولت پیگیر است که در خارج از شهر فضایی را ایجاد و برای طرح ملی مسکن استفاده کند که شورای شهر مخالف این امر است چرا که برای آینده شهر مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌کند.

❖ دولت از زمین‌های داخل شهر

برای مسکن ملی بهره‌بردار

عزیزالله سیفی؛ نایب‌رئیس شورای شهر یزد هم با بیان اینکه شورا مخالف ساخت مسکن و تأمین مسکن نیست اما افزایش محدوده شهر را نمی‌پذیریم اظهار داشت: وسط شهر زمین‌های بسیار بزرگی نیز وجود دارد که رها شده و سال‌هاست کسی به آن توجهی نمی‌کند. وی با بیان اینکه انتظار داریم دولت و مسئولان استان از زمین‌های درون محلات استفاده کنند و از توسعه

این زمین را برای چه روزی و چه کاری نگه داشته‌اند که سال‌های زیادی است به همین شکل باقی‌مانده و هیچ برنامه و طرحی برای آن ارائه نشده است.

❖ زندگی در آپارتمان برای یزد

آسیب‌زا است

محمدباقر پارسائیان؛ رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر هم با انتقاد از رویکرد مسئولان استان به تغییر در سبک زندگی و تغییرات بافت سکونتگاهی یزد گفت: در شهر دچار مشکلی شدیم که بسیار بد است متأسفانه مجری طرح‌هایی شدیم که از تهران به ما دیکته می‌شود.

وی با بیان اینکه یزد شهر میراث جهانی است و حسینه ایران است افزود: دنیا از یزد الگو می‌گیرد اما خودمان برعکس عمل می‌کنیم و از جاهای دیگر الگوبرداری می‌کنیم.

پارسائیان با تشبیه آپارتمان‌های مسکن ملی به قوطی کبریت عنوان کرد: ساخت این واحدها با مترهاژهای کم جایگاهی در یزد ندارد و آسیب‌های این سبک زندگی را در مناطق مختلف شهر یزد داریم می‌بینیم و تجربه می‌کنیم اما باز هم به سمت آپارتمان‌سازی قدم بر می‌داریم.

وی با بیان اینکه باید مترهاژ این واحدها را به ۱۵۰ متر افزایش دهیم و در مقابل از طبقات کم کنیم و مسکن با کیفیت به مردم بدهیم تصریح کرد: رتبه اول ساخت مسکن ملی را نمی‌خواهیم و به استان‌های دیگر می‌دهیم اما باید رتبه



اعتراض به گسترش شهری خارج از حریم آن

یزد از توسعه نامتوازن رنج می‌برد

هر شهری حریم دارد و ساخت‌وساز در محدوده آن بایستی تابع قوانین باشد. چراکه ساخت‌وساز بی‌رویه در حاشیه این حریم، یک شهر را با معضلات زیادی روبرو می‌کند، در حالی که حریم شهری برای مهار توسعه نامتوازن شهر و جلوگیری از گسترش بی‌رویه آن ایجاد شده است. با این وجود بر اساس طرح قانون جهش تولید مسکن برای ساخت ۴ میلیون واحد مسکونی و در قالب طرح مسکن ملی قرار است سه شهرک به محدوده یزد اضافه شده و همین قانون بهانه‌ای شده تا شاهد توسعه غیر کارشناسی شده در محدوده خارج از حریم شهری باشیم. خبر اضافه شدن ۴۲۴ هکتار به شهر آن هم به عنوان محدوده منفصل باعث اعتراض کارشناسان امور شهری در یزد شده است.

شادی شفیعی 



توسعه غیر کارشناسی شده باعث افزایش نواحی منفصل شهری در کنار شهر می شود و موضوع جلوگیری از رشد نامتوازن شهری از دغدغه های همیشگی شورای پنجم بوده.

شهر یزد باعث تبعات بسیاری برای آن شده و می شود چرا که وقتی محدوده شهر را بدون در نظر گرفتن این که آیا ارگان های مربوطه می توانند خدمات رسانی کنند یا خیر، بزرگ کنیم، شهر با معضلات بسیار زیادی از جمله مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی روبرو می شود.

به گفته این عضو پیشین شورای شهر یزد توسعه غیر کارشناسی شده باعث افزایش نواحی منفصل شهری در کنار شهر می شود و موضوع جلوگیری از رشد نامتوازن شهری از دغدغه های همیشگی شورای پنجم بوده.

او از شهرک کاریز بوم یزد به عنوان یک تصمیم اشتباه یاد می کند و ادامه می دهد: زمانی مسئولان شهری یک تصمیم نادرست گرفتند و حالا می خواهند این اشتباه خود را با اشتباه دیگر جبران کنند.

طرح کاریز بوم یزد

طرح کاریز بوم یزد در دوران ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی مطرح شد تا با محل درآمد آن، بخشی از اعتبار مورد نیاز خط انتقال آب یزد تأمین شود که البته به جایی نمی رسد و مجدداً در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد اجرای این طرح در دستور کار قرار می گیرد.

ایجاد شهرک کاریز بوم با طرح کاربری باغ شهر و به عنوان یک شهرک منفصل در حاشیه شهر یزد در دستور کار مدیران شهری قرار می گیرد اما در حال حاضر از این طرح به عنوان معضلی برای شهر یزد یاد می شود چرا که به عقیده کارشناسان این شهرک تغییر

حریم شهری

نوس عامری عضو دوره پنجم شورای شهر یزد در گفتگو با پرگار با تأکید بر این موضوع که اجرای طرح های عمرانی از جمله احداث و توسعه معابر، تأمین خدمات شهری، تأسیسات زیربنایی و کنترل و نظارت بر احداث هرگونه ساختمان و تأسیسات و سایر اقدامات مربوط به توسعه و عمران در داخل محدوده شهر بر عهده شهرداری هاست، می گوید: تعریف و تعیین حریم برای شهرها، ابزار رسمی و قانونی سیاستگذاری و برنامه ریزی برای هدایت و کنترل توسعه و نظارت بر ساخت و سازها در پیرامون شهرها است که متأسفانه در سال های اخیر حریم شهر یزد با معضلات متعددی روبه رو بوده است، از جمله این مشکلات تداخل تصمیمات و اعمال سیاست های ناهماهنگ در مدیریت شهری بوده.

این فعال اجتماعی معتقد است که تراکم شهری یزد بسیار پایین است و زمین های بایر و افتاده در سطح شهر بسیار زیادند که می توان از آنها برای ساخت و ساز استفاده شود و از آن طریق شهر توسعه پیدا کند و این توسعه شهری خارج از مصبوبه مصبوب باعث بروز مشکلات زیادی برای شهر می شود از جمله اینکه شهر دوباره مهاجر پذیر شده و حاشیه نشینی افزایش پیدا می کند که خود مشکلات زیادی را برای مدیریت شهری به همراه دارد.

معضلات اجتماعی و اقتصادی

عامری ادامه می دهد: توسعه افقی

بهانهٔ ساخت مسکن ملی فاصله بین کنارگذر یزد - تفت و کاریز بوم، بازهم شهرسازی انجام دهد و این به معنای توسعه سمت دیگری از شهر است و به‌طور قطع این سطح از گستردگی، خدمات‌رسانی را دچار مشکل می‌کند. این فعال اجتماعی بر این باور است که این توسعه غیر کارشناسی شده باعث به وجود آمدن یک فاجعه زیست‌محیطی و افزایش حاشیه‌نشینی و بروز مشکلات بسیار زیادی در حوزه اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

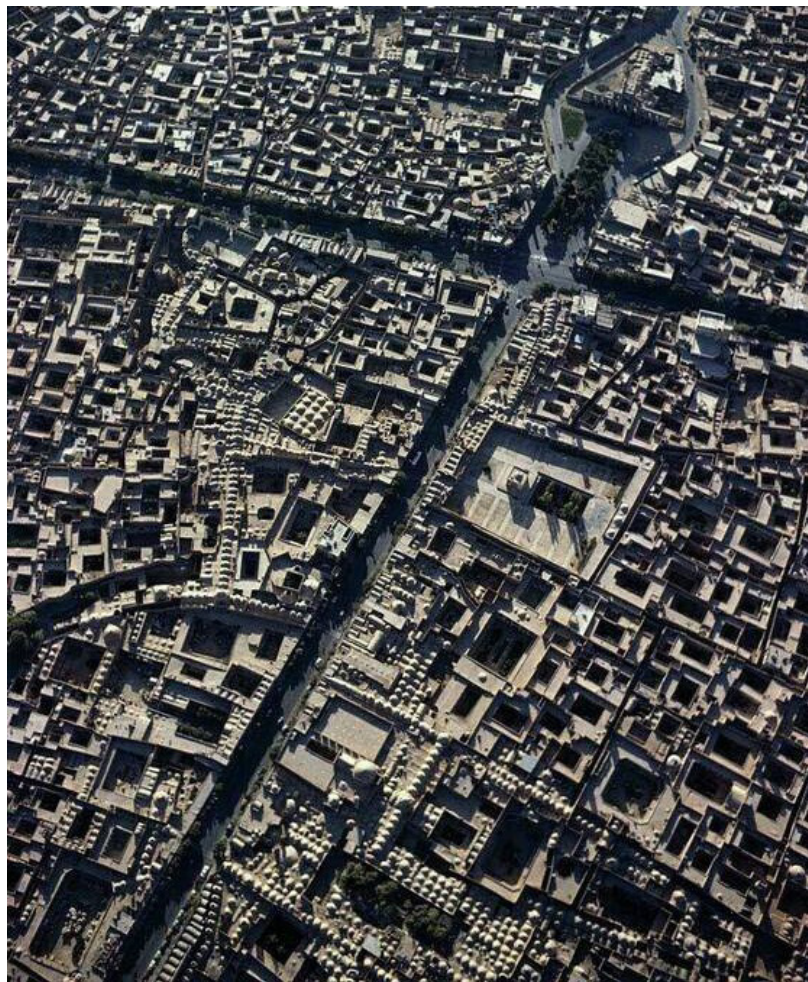
✚ اعتراض در شبکه‌های اجتماعی

محسن عباسی هرفته عضو پیشین شورای شهر یزد نیز در توییتری اعتراض خود را به افزایش غیرمجاز محدودهٔ شهری یزد نشان داده و گفته است که از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین دلایل بسیاری از مشکلات شهر یزد، گسترش افقی بی‌رویه دهه‌های اخیر بوده که خوشبختانه جلوی این رویه نامبارک گرفته شده بود؛ ولی متأسفانه خبر اضافه شدن ۴۲۴ هکتار به شهر آن هم به‌عنوان محدوده منفصل، بسیاری را شگفت‌زده کرد.

این استاد یار دانشکدهٔ هنر و معماری در ادامه آورده است که ضمن قدردانی از مدیران دلسوزی که دغدغه مسکن شهروندان را دارند به جد عرض می‌کنم این راه‌حل مناسبی نیست.

استدعا دارم از این خطای راهبردی که هزینه‌های سنگینی در پی خواهد داشت، پرهیز کنند.

قطعاً با کار کارشناسی و تعامل بیشتر، راه‌حل‌های پایدار و کم‌هزینه‌تری برای معضل مسکن یافت می‌شود.



کاربری داده و کاربری آن از باغ شهر به شهرک منفصل تبدیل شده است.

✚ خدمات‌رسانی با دشواری

عضو دوره پنجم شورای شهر یزد با اشاره به این موضوع که مجوز و پروانهٔ ساخت‌وساز در این شهرک همیشه مورد بحث شورای دورهٔ پنجم با مسئولان کاریز بوم بوده، ادامه می‌دهد: مسکن و شهرسازی در نظر دارد تا به

از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین دلایل بسیاری از مشکلات شهر یزد، گسترش افقی بی‌رویه دهه‌های اخیر بوده.





به‌جای گسترش شهر، مردم را به بافت تاریخی برگردانید

انبوه‌سازی در بافت تاریخی؛ یک راه‌حل ساده

مسکن در بسیاری از کشورها یکی از مهم‌ترین داری‌های هر خانواده است. در واقع مسکن یکی از عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی است. این اصل در کشور ما نیز وجود دارد با این حال تأمین مسکن در چند دهه اخیر یکی از معضلات تمام‌اقتشار جامعه به خصوص خانواده‌هایی با درآمد کمتر هست. دولت‌های مختلف تلاش کرده‌اند از روش‌های گوناگون به این موضوع ورود کرده و راه‌حلی هر چند مقطعی برای آن بیابند. راه‌حلی‌هایی که برای عده‌ای به خانه دار شدن منتهی شده و برخی پس از سال‌ها هنوز درگیر و دار طرح‌های مختلف مسکن هستند.

عاطفه ابراهیمی





شاید در نگاه اول عبارت انبوه‌سازی نوعی آشفستگی و ناهمگونی در بافت را به ذهن متبادر کند. اما انبوه‌سازی به سبک معماری اصیل یزدی با تلفیق سنت و مدرنیته نه تنها آشفستگی ندارد بلکه راهکاری مناسب برای بازگرداندن یزدی‌ها به قلب بافت تاریخی است.

اگرچه جمهوری اسلامی همواره به‌گونه‌ای با بحث مسکن درگیر بوده و از همان سال‌های اول انقلاب با تملک زمین‌های بایر و غیر بایر شهری و توزیع آن به قیمت ارزان به مردم یا در قالب تعاونی‌های مسکن، همچنین ارائه تسهیلات بانکی با سود کم تلاش کرد تا حدودی این مشکل را رفع کند اما داستان اصلی ورود دولت به موضوع مسکن در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود که در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در قالب مسکن مهر کلید خورد. پس از آن رؤسای جمهور بعدی با طرح‌های اقدام ملی مسکن و نهضت ملی مسکن این رویه را ادامه دادند. اینکه این طرح‌ها تا چه میزان موفق بودند بحث دیگری است. موضوع مورد بحث این روزها در یزد، گسترش و توسعه شهر یزد به بهانه ساخت این مسکن‌هاست. داستان این روزهای شهر یزد که بسیاری از صاحب نظران و دانشگاهیان با آن مخالف هستند، توسعه شهر یزد در خارج از چارچوب مصوب شهری است. این یعنی بزرگ شدن شهر یزد یعنی نیاز به خدمات بیشتر و یعنی مشکلی بزرگ‌تر از خود شهر.

✚ یزدی‌ها را به بافت برگردانید در این میان راه‌حل‌های بسیاری از طرف کارشناسان امر مطرح شده است با این حال یکی از این راهکارها مناسب شرایط شهر یزد است. انبوه‌سازی در بافت تاریخی! شاید در نگاه اول عبارت انبوه‌سازی نوعی آشفستگی و ناهمگونی در بافت را به ذهن متبادر کند. اما انبوه‌سازی به سبک معماری اصیل یزدی با تلفیق سنت و مدرنیته نه تنها آشفستگی ندارد بلکه راهکاری مناسب برای بازگرداندن یزدی‌ها به قلب بافت تاریخی است. ساخت مجتمع‌های مسکونی در محدوده بافت تاریخی با مصالحی متناسب با بافت در یکی دو نقطه شهر نشان داد می‌توان بدون آسیب به بافت، تعداد زیادی از خانواده‌ها را در بافت سکونت داد. با همراهی کارشناسان می‌توان مجتمع‌هایی در قلب بافت تاریخی ساخت که همسو با فرهنگ یزد بوده و البته مغایرتی با بافت نداشته باشد. می‌توان با ایجاد جذابیت‌ها و سیاست‌های تشویقی از سوی دولت، توجه بسیاری را به سوی این واحدهای مسکونی در بافت جلب کرد. یزد، شهر آپارتمان‌ها نبوده این شهر، یک



مزایای سکونت در نقاط مرکزی و بافت تاریخی شهر است. زمانی که همچون گذشته زندگی در بافت تاریخی جریان پیدا کند، بافت جان تازه‌ای می‌گیرد. با بازگشت زندگی به بافت، بازار و مغازه‌ها رونق می‌گیرند و کسب و کار راه می‌افتد. این پیوند بین سنت‌ها و زندگی مدرن قدم بزرگی در راه احیای فرهنگ گذشته این شهر است. گذشته‌ای که این شهر را به میراث جهانی تبدیل کرده است. وجود مجتمع‌های مسکونی در بافت تاریخی کمک بزرگی به احیای بافت می‌کند از طرفی تا حدودی مشکلات کمبود زمین و مسکن را حل کرده و نیازی به گسترش شهر یزد و ایجاد حاشیه نیست.

کاش مسئولان به جای استفاده از زمین‌های خارج از شهر برای ساخت مجتمع‌هایی بی‌روح و در تعارض با فرهنگ یزد، رجوعی دوباره به بافت تاریخی شهر داشته باشند.



تصور کن

خانه‌هایی را در دل بافت تاریخی تصور کنید که در عین راحتی، تناقضی با دنیای اطرافش ندارد، حیاط و بام و مهتابی و مشبک کاری و آجر رنگی دارد، عدم اشرفیت خانه‌ها به یکدیگر و معابر به خانه‌ها حفظ شده است و کوچه‌ها، سایه‌انداز و ساباط و تویزه دارد. در عین حال به راحتی به مراکز خرید، درمانی، آموزشی و مذهبی دسترسی دارد. این خانه‌ها رؤیایی می‌تواند به حقیقت تبدیل شود همان گونه که در یکی دو منطقه در یزد ساخته شده و مورد توجه یزدی‌ها قرار گرفته است. کاش مسئولان به جای استفاده از زمین‌های خارج از شهر برای ساخت مجتمع‌هایی بی‌روح و در تعارض با فرهنگ یزد، رجوعی دوباره به بافت تاریخی شهر داشته باشند. رجعت فکر شده به داخل شهر، شکوه خانه‌هایی رؤیایی را برای ساکنان این شهر به ارمغان می‌آورد، این رؤیا را از آن‌ها دریغ نکنیم.

شهر افقی است و نه عمودی. با این حال ساخت مجتمع‌هایی متناسب با فرهنگ بومی این شهر می‌تواند راهگشای مشکلات مسکن باشد. قدر مسلم در این راه شهرداری، مسکن و شهرسازی، نظام‌مهندسی و میراث‌فرهنگی باید در کنار هم همکاری کنند. زیرا بدون شک نمی‌توان یک نسخه واحد برای کل بافت پیچید هر منطقه و هر محله نیازمند یک روش منحصر به خودش است. ساخت واحدهای مسکونی در بافت علاوه بر اینکه پای یزدی‌ها را به محله‌های قدیمی باز می‌کند و می‌توان امیدوار بود همچون نیاکانشان حافظ این بافت باشند به علت وجود زیرساخت‌های لازم از قبیل آب، گاز و برق بسیاری از مشکلات حومه شهر را نخواهد شد. در حالی که توسعه ساخت و ساز در حاشیه شهرها موجب صرف هزینه کلان جهت ایجاد زیرساخت امکانات شهری و خدماتی خواهد شد. علاوه بر این وجود فرهنگ هم محله و همسایه بودن و ارتباط متقابل بین همسایگان، جلوه‌های بصری، تخلیه بافت تاریخی از اسکان مهاجرین خارجی و جلوگیری از متروکه شدن و تبع آن جلوگیری از بسیاری بزهکاری‌ها از دیگر

بیانیه دانشگاهیان در خصوص مخالفت با توسعه شهر یزد خارج از چارچوب مصوب شهری

جناب آقای دکتر فاطمی
استاندار محترم یزد
با سلام و احترام

نظر به اینکه جنابعالی خود از بدنه دانشگاهیان استان بوده و همواره با نظر مثبتی که به بدنه علمی استان داشته‌اید، ایشان را دعوت به ارائه مشورت و نقد سازنده فرموده‌اید، پیرو مطلع شدن از تصمیم به توسعه منفصل شهر یزد به میزان ۴۲۴ هکتار، حسب وظیفه و از سر دلسوزی مواردی خدمت جنابعالی معروض می‌گردد. توسعه شهرها به دلیل اهمیت بنیادینی که از یک سو در کم و کیف اداره آن‌ها و از سوی دیگر در صلاح و فلاح شهروندان از ابعاد گوناگون دارد، می‌بایست با وسواس، هم‌اندیشی حداکثری خبرگان و نخبگان و پس از مطالعات دقیق و همه‌جانبه صورت گیرد. چیزی که فقدان آن در چند دهه اخیر به رشد بادکنکی چند دهه برابری شهر یزد منجر شده و تأمین زیرساخت‌ها را پرهزینه، خدمات رسانی شهری را دشوار، هزینه شهرداری را افزایش، تبعات زیست‌محیطی ناگوار و مخاطرات فرهنگی و اجتماعی جدی را دچار شهر کرده است. چند سالی بود که آگاهی از تبعات ناگوار این امر نامبارک، منجر به تأکیدات و تصمیمات متعددی دال بر توقف روند شهر فروشی و جلوگیری از توسعه افقی بیشتر شهر شده بود. اما با خبر افزوده شدن ۴۲۴ هکتار از اراضی منطقه شحنه به شهر، آن هم در قالب محدوده منفصل، به نظر می‌رسد دوباره این رویه نامبارک علی‌رغم تجربه تلخ نمونه‌های مشابه گذشته از سر گرفته شده است.

نظر به اینکه این نوع تصمیمات، پانهادن در مسیری بی‌بازگشت و تصمیم‌گیری برای نسل‌های مختلف شهروندان در طی چند صدسال آینده خواهد بود، توجه به نکات ذیل می‌تواند در تشخیص میزان صحت و سقم این تصمیم راهگشا باشد:

۱. یزد اساساً شهری با تراکم جمعیتی پایین و کچلی شهری بالاست، در چنین وضعیتی توسعه درون‌زا در مقابل توسعه برون‌زا رویکردی سنجیده و پایدار است.
۲. هزینه بالای خدمات رسانی و تأمین زیرساخت‌ها، سفرهای درون شهری که به اجبار شکل می‌گیرد و ... گزینه‌های توسعه درون‌زا را معقول‌تر می‌نماید.
۳. لزوم وجود پیوست اجتماعی و فرهنگی برای یک چنین مقیاسی از توسعه که مخاطب هدف آن‌ها قشر خاصی از جامعه خواهند بود، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۴ باتوجه به وضعیت بغرنج دشت یزد - اردکان، کاهش تاب آوری زیست بوم یزد، اهمیت شحنه باتوجه به تنش های آبی اخیر و استقرار این توسعه در کریدور باد غالب و آلوده از سمت شهرک صنعتی، تهیه پیوست زیست محیطی برای استقرار جمعیتی چند ده هزار نفری، بر هر اقدامی اولویت دارد.

۵ شکل گیری مجموعه ای از هم جواری های بی ربط یا بد ربط مانند پهنه بیمارستانی، محدوده کم تراکم باغ شهر کوثر، شهرک صنعتی و محدوده پرتراکم ۴۲۴ هکتاری، باعث تنش های فعالیتی و زیست محیطی در آینده خواهد شد.

۶ تجربه نشان داده توسعه های این چنینی منجر به تشکیل شهرک های خوابگاهی مهاجر پذیر می گردند و معضلات اجتماعی و تبعات جدی امنیتی به همراه خواهند داشت.

تأمل بر تجربیات تلخ مشابه از یک طرف و تجربه موفق شهرهای توسعه یافته که بعضاً رشد افقی خود را به صفر رسانده و به توسعه درون زا روی آورده اند، می تواند به ما قدرت پیش بینی دهد که نتیجه تصمیمات شتاب زده و بدون مطالعه لازم به کجا خواهد انجامید؛ شاید یک مشکل کوتاه مدت را حل نماید ولی پیامدش ده ها مشکل در دراز مدت خواهد بود که دست به گریبان نسل ها می گردد. باتوجه به جمیع مطالب ذکر شده، از جنابعالی استدعا دارد در این موضوع ورود نموده و دستور بازنگری صادر فرمایید تا خطایی راهبردی که هزینه های سنگینی را در پی خواهد داشت به نام این نسل از مدیران ثبت نشود. جای بسی خرسندی خواهد بود تا در جلسه ای با واکاوی ابعاد مختلف موضوع به ارائه پیشنهادهای جایگزین پرداخته شود.

با تجدید احترام

۷ بهمن ۱۴۰۰

امضا کنندگان (به ترتیب الفبا):

رضا ابویی: دکترای مرمت؛ نجما اسمعیل پور: دکترای برنامه ریزی شهری، علیرضا افشانی: دکترای علوم اجتماعی؛ دکتر رضا اکبری: دکترای شهرسازی؛ حسین افراسیابی: دکترای علوم اجتماعی؛ محمدرضا اولیاء: دکترای معماری؛ محمدحسین پاپلی: دکترای جغرافیا؛ دکتر محمود پور سراجیان: دکترای معماری؛ عبدالعظیم پویا: پژوهشگر فرهنگی؛ ندا حاجی صادقی: دکترای مرمت؛ محسن رفیعیان: دکترای شهرسازی؛ محمدحسین سرائی: دکترای برنامه ریزی شهری؛ علی اصغر سمسار یزدی: دکترای عمران گرایش آب؛ علی شهبانی نژاد: دکترای مرمت شهری؛ سید علی اکبر کوششگران: دکترای معماری؛ محسن عباسی هرفته: دکترای حفاظت معماری؛ نریمان فرحزاد: دکترای معماری؛ کاظم ماندگاری: دکترای معماری؛ حمید محمدی: دکترای شهرسازی؛ غلامعلی مظفری: دکترای جغرافیا؛ حسین مسرت: کارشناس ارشد ایران شناسی؛ لیلا موسوی اصل خامنه: دکترای معماری؛ حمید میرجانی: دکترای معماری؛ محمدرضا نقصان محمدی: دکترای طراحی شهری
رونوشت: شورای عالی معماری و شهرسازی کشور



پادمان

● سفیداب؛ یکی از ستون‌های هفت‌گانه بزرگ



▲ عکاس/ مجید دهقانی زاده

یادی از روشورهای قدیم

سفیداب؛ یکی از ستون‌های هفت‌گانه بزرگ

گلوله‌های کج و معوج کرم رنگ داخل حمام که روی کیسه‌های زمخت کشیده می‌شد را کمتر کسی است که تجربه نکرده باشد. گلوله‌هایی که به سفیداب (روشویه) معروف بود و آن زمان به‌عنوان تنها لایه بردار حرف اول را می‌زد. حتی در زمان قدیم آرایشگرها قبل از اینکه صورت زنان را بند بیندازند گل سفیداب را روی صورت می‌مالیدند تا پوستشان نرم شود. سفیداب، سلول‌های مرده پوست را از بین می‌برد و بسیاری از افراد از آن به‌عنوان ماسک روشن‌کننده پوست استفاده می‌کنند.

سمانه ملازینلی



پشت» گل مخصوص سفیداب درست می‌کند. جلوی خانه‌اش میدان بزرگی است که سنگ آسیاب و حوضچه و دیگر وسایل زیر آسمان آبی به چشم می‌آید، چیزهایی که خودش ساخته تا با آن‌ها گل مخصوص سفیداب را درست کرد. حاج عبدالحسین که حالا ۸۴ ساله است، هنوز قبراق و سرحال با پتک به سنگ‌های بزرگی که از معدن آورده می‌کوبد و می‌گوید: پدرم همین شغل را داشت. سنگ‌های معدن را می‌خرید و آن‌ها را خرد می‌کرد و گل سفیداب می‌ساخت. گاو داشت و با گاو، سنگ‌ها را آسیاب می‌کرد.

یادم می‌آید آن زمان چون ماشین نبود، گل‌ها را بار الاغ می‌کرد و به یزد می‌برد و می‌فروخت و با پولش قند و چایی و... می‌خرید و با خودش می‌آورد. من چهارده سال در معدن سنگ مرمر کار کردم؛ خیلی سخت بود و حقوق کمی داشت. خسته شدم و یک روز به پدرم گفتم دیگر نمی‌خواهم در معدن کار کنم. گفتم می‌خواهم کار تو را ادامه بدهم. جوانی‌ام را پای کاری گذاشتم که بهتر از کار در معدن بود اما باز هم دوستش نداشتم. باید بگویم جوانی‌ام را در این شغل کهنه کردم. این کار، بسیار زحمت دارد اما آن قدر که زحمت می‌کشی درآمد ندارد.

❖ مراحل درست کردن گل

پیرمرد، مراحل درست کردن گل سفیداب را هم توضیح می‌دهد از دوباره خرد کردن سنگ‌ها با چکش تا حسابی ریز بشود آن قدر که بشود آن‌ها را ریخت در آسیاب و پودرشان کرد. او می‌گوید: تقریباً چهار فرغون از

سفیداب‌ها هنوز هم همراه حمام کردن‌ها هستند و کمتر کسی می‌داند که بهترین‌هایشان در شهر کویری یزد ساخته می‌شود. سفیداب یزد، این لایه بردار و روشور قدیمی که به نظر می‌آید توان رقابت با محصولات جدید و برندهای رنگارنگ را نداشته باشد، سال پیش در فهرست آثار ناملموس کشور نیز به ثبت رسید و همچنان پیشتاز به جلو می‌راند.

هرچند این پیشتازی تا زمانی است که از افرادی که در این عرصه فعالیت می‌کنند حمایت شود تا طرز تهیه و تولید سفید آب نسل به نسل انتقال یابد و به گردونه فراموشی سپرده نشود.

❖ گل مخصوص سفیداب

برای تولید و ساخت این لایه‌بردار قدیمی، قبل از هر چیزی باید گل مخصوص سفیداب را تهیه کرد و این مهم‌ترین و اولین قدم برای تهیه سفیداب است. در یزد آن‌هایی که سفیداب را درست می‌کنند و با تولید انبوه آن سروکار دارند می‌دانند که برای تهیه گل سفیداب، نباید سراغ عطاری‌ها رفت بلکه باید از شهر خارج شد. روستاهای اطراف یک معدن که سنگش فقط به درد تولید گل سفیداب می‌خورد، بهترین گزینه برای تهیه این گل مخصوص هستند. اینکه چه کسی و چه کسانی سنگ سفت‌وسخت معدن را تبدیل به گل سفیداب می‌کنند تا به دست تولیدکننده برسد را می‌توان با یک پرس‌وجوی ساده، به دست آورد.

روستای دره زرشک، جایی است که حاج عبدالحسین دره زرشکی چهل سال است که با سنگ معدن «توران



در یزد آنهایی که سفیداب را درست می‌کنند و با تولید انبوه آن سروکار دارند می‌دانند که برای تهیه گل سفیداب، نباید سراغ عطاری‌ها رفت بلکه باید از شهر خارج شد.



قبل ترها کارگر داشتیم اما حالا سود کار آن قدر نیست که کفاف کارگر را هم بدهد. من و همسرم با هم این کارها را انجام می دهیم. زخم می آید و کمکم می کند. الان دیگر پیر شده ام و نمی توانم مثل قبل کار کنم. قبلاً صد یا دویست تراکتور سنگ خالی می کردم، جلوی خانه ام تا آن طرف ترها پراز سنگ بود. عرق می ریختم و سنگ ها را می شکستیم. من هم اوایل، برای خرد کردن سنگ ها گاو داشتم، بعد برق آمد و سنگ آسیاب خریدم. پیش از این ها روزی تا سیصد کیلو گل سفیداب هم تولید کرده ام. به غیر از یزد به بیشتر شهرهای ایران گل سفیداب فرستاده ام؛ به اقلید فارس، اصفهان، تهران، شیراز، مشهد، قم و جاهای دیگر. کارم کاری نبود که پیشرفتی در آن بکنم حتی بیمه هم نداشتم و خودم را آزاد بیمه کردم. اگر مریض می شدم و در خانه می افتادم کسی نمی آمد بگوید چه می خوری یا چه کار می کنی. ولی خب راضی ام به رضای خدا. نتوانستم این کار را رها کنم؛ شناخته شده بودم و مشتری ها از من انتظار داشتند.

در تابستان ۱۲ تا ۱۵ روز طول می کشد تا گل ها خشک شود. در زمستان اما این خشک شدن، یک ماه طول می کشد.

سنگ های خرد شده باقیمانده از آسیاب قبلی و دو فرغون سنگ معدن و آب را داخل دستگاه آسیابی که خودم مقابل خانه ام درست کرده ام می ریزم. این سنگ آسیاب که به سنگ مازاری معروف است در هر دقیقه ۹ دور می چرخد. آسیاب هشت ساعت کار می کند تا تمام سنگ ها پودر شود. بعد سنگ های پودر شده را همراه آب داخل آسیاب، در حوضچه هایی که کنار آسیاب درست کرده ایم خالی می کنیم. آب را صاف می کنیم تا سنگ هایی که هنوز خرد نشده اند، جدا بشوند. باید سنگ ها بارها و بارها به آسیاب برگردانیم تا همه پودر بشوند. محلول آب و سنگ های پودر شده را توی منبعی که برای همین کار درست کرده ام می ریزم. آب، راکد می ماند و گل ولای که همان سنگ های پودر شده باشند، ته نشین می شوند بعد آب روی منبع را خالی می کنم اما گل ولای همان جا می ماند تا بیشتر و بیشتر بشوند. حاج عبدالحسین، گل های ته نشین شده را دو ماهی یکبار در محوطه باز جلوی آسیاب خالی می کند؛ جایی که خودش به آن «میدان» می گوید. در چپه زیر منبع را باز می کند و گل ها سر از بر می شوند توی میدان. گل ها توی میدان می مانند تا آفتاب خشک شان بکند. در تابستان ۱۲ تا ۱۵ روز طول می کشد تا گل ها خشک شود. در زمستان اما این خشک شدن، یک ماه طول می کشد.

❖ شغلی که بیمه ندارد

پیرمرد دور تا دور آسیاب راه می رود و با ذوق توضیح می دهد می خواهد چیزی از قلم نیفتد. او ادامه می دهد:

که سفیداب در آن درست می‌کنند، سینی سینی سفیداب‌ها را در گوشه، کنار خانه می‌بینید حتی زیر کابینت‌های آشپزخانه.

«عصمت حیدری» یکی از همان‌هاست. خانه‌اش ۳۵ سال است که کارگاه تولید سفیداب است. او این کار را در قدیم از مادر بزرگ شوهرش در روستا یاد گرفت، کاری که برایش سخت و زمانبر است اما چون در خانه خودش سفیداب را درست می‌کند و نباید از خانه بیرون برود سال‌هاست که آن را ادامه داده است.

عصمت حیدری در خصوص مراحل تولید سفیداب سنتی می‌گوید: گل را سال‌هاست از روستای دره زرشک می‌خرم و نخاع گوسفندی و پیه را از قصابی تهیه می‌کنم. دنبه گوسفند به درد درست کردن سفیداب نمی‌خورد چون شل است و نمی‌بندد. چربی‌ها را بعد از شست‌وشو چرخ می‌کنم، روی گاز می‌گذارم تا آب بیندازد. وقتی روغن آماده شد دیگر خراب نمی‌شود. گل معدن را هم با آب می‌خیسانم و بعد از ۲۴ ساعت از صافی رد می‌کنم تا اگر سنگ و آشغالی دارد صاف و پاک شود. برای هر پانزده کیلو گل، یک کیلو و هشتصد گرم روغن صاف شده می‌ریزم و ورز می‌دهم. برای اینکه بوی چربی گوسفندی را کم کنم، گلاب را نیز به مواد اضافه می‌کنم. وقتی خمیر آماده شد به شکل گلوله یا همان دایره در می‌آوریم و می‌گذاریم تا خشک شود.

❖ همه چیز باید اندازه و به پیهال

باشد

او در خصوص مشکلاتی که ممکن است در حین کار پیش بیاید می‌گوید:

شغلی که نسل جدید آن را نمی‌خواهد شغل تهیه گل سفیداب، حالا دیگر قرار نیست نسل به نسل انتقال یابد. چون هم کار پرزحمتی است و هم درآمد بالا و بیمه ندارد و نسل جدید علاقه‌ای به این شغل نشان نمی‌دهد. حاج عبدالحسین دره زرشکی نیز در جواب این سؤال که فرزندانش شغل او را ادامه دادند یا نه می‌گوید: خدا را شکر می‌کنم که بچه‌هایم راه من را ادامه ندادند. اگر کاری بکنند و کارخانه بروند بهتر است تا بخواهند عمرشان را برای درست کردن گل سفیداب بگذارند. یک خاور سنگ معدن را پانصد هزار تا یک میلیون تومان می‌خرم و بعد از زحمت فراوان و عرق ریختن، گل سفیداب را کیلویی هفتصد تومان می‌فروشم. در روستاهای اطراف هیچ‌ده نفر بودیم که کارمان درست کردن گل سفیداب بود و فقط دو سه نفر مانده‌ایم و بقیه یافوت کرده‌اند یا این کار را کنار گذاشته‌اند. این کار خیلی دقت می‌خواهد. باید سنگ سخت را به گل تبدیل کنی. آن هم گلی که قرار است روی پوست تن کشیده شود.

❖ سفیداب سنتی دست‌ساز

حالا که گل‌های حاج عبدالحسین آماده است، نوبت به تولید سفیداب می‌رسد. ماده‌ای که تولیدش آن قدرها هم ساده نیست. بیشتر کارگاه‌های تولید سفیداب، کارگاه‌های خانگی هستند. آن‌هایی که به تولید سفیداب مشغولند خانه‌های خود را کارگاه تولید این محصول کرده‌اند و کار و زندگی‌شان باهم عجین شده است. وقتی وارد خانه‌ای می‌شوید



این کار خیلی دقت می‌خواهد. باید سنگ سخت را به گل تبدیل کنی. آن هم گلی که قرار است روی پوست تن کشیده شود.

سفره غذایی که داریم غذا می خوریم سینی سفیدابمان گذاشته شده است و دارد خشک می شود.

اینکه چرا سفیداب یزدی معروف شده است یا هنوز به عنوان یک لایه بردار و روشور در بین مردم محبوبیت خود را دارد سؤال است که عصمت حیدری این گونه جواب می دهد: یکی به خاطر گل معدنی است که به عنوان لایه بردار عمل می کند و برای پوست مفید است و یکی کیفیت خوب سفیداب سنتی است که تمام مراحل آن بدون دستگاه و به وسیله دست درست می شود.

❖ برندسازی سفیداب

زمانی که به قول تولیدکننده ها دست بسیار بود، مسئولان هوای این صنعت را آن چنان که باید نداشتند و سختی کار، درآمد کم و نداشتن بیمه کم کم تولیدکننده ها دلسردشان کرد؛ آن قدر که نخواستند هنر تولید گل سفیداب و تولید سفیداب را حتی به فرزندانشان انتقال دهند. خوشبختانه بعد از ثبت این محصول، حالا یکسال می شود که کارگاه های تولید سفیداب با انگیزه بیشتری فعالیت می کنند و امیدوارند تا دوباره مثل قبل هنرشان نسل به نسل ادامه یابد.

اداره میراث فرهنگی هم وارد این حوزه شده تا بتواند از نابودی این صنعت جلوگیری کند؛ به هر حال تعداد کارگاه های تولیدی سفیداب، رو به کاهش است و نسل های جدید علاقه ای به این شغل نشان نمی دهند. به همین دلیل سفیداب یزد جزو آثار ناملموس ثبت شده تا هم توجه ها را به خود جلب کند و هم به عنوان سوغات معرفی شود.

در زمستان نمی توانیم در محیط باز سفیداب ها را خشک کنیم؛ دیر خشک می شود. هوا سرد باشد، روغنی که از پیه گوسفندی آماده کرده ایم سریع می بندد و گلوله گلوله می شود. هوا هم خیلی گرم باشد، سفیداب باز می شود. بارها شده که گل را آب زد و آماده خمیر کردم اما روغنش نیسته و عین صابون شده. در فصل تابستان اگر سفیداب ها را در آفتاب خشک کنیم، روغنش آب می شود و چربی هایش برمی گردد. کارتن های سفیداب هم اگر در جای گرم و روی هم قرار دهیم روغنش برمی گردد و روی سفیداب بدرنگ می شود و لک می اندازد. آب زیاد برای تهیه موادش بریزیم شل می شود آب کم بریزیم سفت می شود و نمی توان موقع ورز دادن خوب ورز داد یا گلوله کرد. همه چیز باید اندازه و به پیاله باشد تا سفیداب خوب و با کیفیت آماده شود. گلوله های سفیداب، حالا باید چند روزی کنار بمانند تا خودشان را بگیرند و خشک بشوند. بعد هم نوبت بسته بندی می رسد.

عصمت حیدری ادامه می دهد: بسته بندی کار را نیز خودمان در خانه انجام می دهیم. کار توزیع را هم پسرمان انجام می دهد. اوایل محصول کارمان را فقط به عطاری های ما می دادیم، حالا محصول کارمان نه فقط در یزد که در شهرهای دیگر هم مشتری دارد. نمی خواهیم از سفیدابمان تعریف کنیم ولی بگذارید بگویم در همان ظرف هایی که در خانه استفاده می کنیم سفیداب را درست می کنیم، ظرف تمیز، پیه تازه و روغن تمیز. همه اینها باعث شده طی این ۳۵ سال یک نفر از سفیدابی که تولید می کنیم گله نداشته باشد. کنار



خوشبختانه بعد از ثبت این محصول، حالا یک سال می شود که کارگاه های تولید سفیداب با انگیزه بیشتری فعالیت می کنند و امیدوارند تا دوباره مثل قبل هنرشان نسل به نسل ادامه یابد.



فرهنگ و ادب

- بازخوانی یک گفتگو با حسین بشارت به بهانه درگذشتش
- حسین بشارت؛ آمیزه تجارت و فرهنگ
- نقدی بر بیلبوردهای تبلیغاتی بانوی زهرایی
- شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش دهم)
- آیین رونمایی از خشت سوم کتاب ثبت‌احوال بافت برگزار شد



بازخوانی یک گفتگو با حسین بشارت به بهانه درگذشتش؛

یزد، ترنج وسط قالی است

محمد حسین رافی

نویسنده و پژوهشگر



بشارت، حسین بشارت. هشتاد و پنج ساله. فرزند محمد. فرهیخته کارخانه‌دار، آگاه به تجارت و روابط تجاری بازرگانان یزدی و غیر یزدی که برای چند نسل در یزد سکنی گزیده بودند، از قبیل خاندان عرب‌ها و رشتی‌ها و لاری‌ها و... علاوه بر این اطلاعات ارزنده‌ای در موضوع تبارشناسی دست می‌دهد که هر کدام می‌تواند به کار محقق‌هایی که تو باشی بیاید. گزیده گو، حاضر جواب، خوش بیان و خوش برخورد. به قول ما محلی‌ها «در دهانش گرم است». چیزی که نمی‌داند یا حافظه نیرومندش یاری نمی‌دهد، ترجیح می‌دهد نگوید، هر چند اصرار کنی و ریش‌گرو و بگذار، انگار نه انگار، لب از لب تکان نمی‌دهد. کارش را از پادویی مغازه پدرش واقع در «لب خندق» شروع می‌کند. نزد پدر «سیاق» می‌آموزد و با الگوگیری از او خصلت مردم‌داری و حسن سلوک را در خودش پرورش می‌دهد و کارش اکنون به جایی رسیده است که یکی از گسترده‌ترین روابط عمومی‌ها را در سطح شهر یزد و دیگر شهرهای تابعه دارد.

و تجارت، بین کسب ثروت و اکتساب ادب، بین پخش و نشر (پخش کالا و نشر کتاب) پل زده است. اگر بگویم او تنها کس است، گمان ندارم سخنی به گزافه گفته باشم.

خدا کند او در این روزگار ناامید کننده و وانفسا «پیک بشارت» باشد و ما نمونه‌هایی مانند او را در آینده یزد شاهد باشیم. یک مرد، با بذل بخشی از دارایی، کمر بسته در خدمت فرهنگ، آستین بالا زده در خدمت نشر. حسین بشارت.

پیش از هر چیز بروم سراغ نخستین پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود. چرا یزد؟ یزد چه نسبتی می‌توانسته با دنیای دادوستد داشته باشد؟ ترسالی آن، با خشکسالی و قحطسالی دیگر مناطق چندان توفیر ندارد. حال در نظر بیاورید سال‌هایی که اصلاً باران نمی‌بارد. واویلاست. اگر یزد بندر می‌بود، مثل بوشهر، به موقعیت جغرافیایی‌اش می‌خورد که رویکرد تجاری داشته باشد. در تاریخ معاصر مثلاً در اواسط دوره قاجار می‌بینیم که یزد کارش خیلی بالا می‌گیرد. یزد تبدیل به قطب تجاری ایران می‌شود، انبار کالای کشور! باران‌انداز ایران! یا به تعبیر مخلص، پخشگاه اجناس ایران! جای شگفتی است!!

خیلی هم جای شگفتی نیست. یک ضرب‌المثل می‌گوید: همه راه‌ها به رم منتهی می‌شود. خیلی از علت‌ها یک سرش به جغرافیا برمی‌گردد.

سر و کارش به‌ناچار و بنا به‌ضرورت شغل، با «حساب» بوده است. از این رهگذر چه خوب! یاد گرفته که در هر کاری سرش توی حساب باشد، منصف باشد، منعطف باشد؛ سنجیده کار باشد و از قضا سنجیده کار بماند. حرفی نزنند و کاری را صورت ندهد، مگر آنکه مقرون به‌صرفه باشد، ملاحظه هر چیز و هر کس را بکند، هر چیزی را به‌جای خودش بگذارد و در حد خودش بپسندد و مجاز بداند. به‌راستی حد نگه‌دار و مقدار سنج است این مرد کوشنده و کنشگر یزدی، خوکرده به جریان سالم زندگی.

من او را همیشه به‌طور ویژه گرمی داشته‌ام، بسیار دوست داشته‌ام؛ (بسی مفتخرم به این دوست داشتن) از این رو که برخلاف بسیاری از همکاران و همگنانش جوهر فرهنگ را در او به قوت دیده‌ام. آری! اگر جوهر فرهنگ در پس‌زمینه شخصیت وجود داشت، ناگزیر در همه کردارها و رفتارهایش نمود پیدا می‌کند. فرهنگ با آنکه در عقبه هست، اما نقش پیشران را دارد. اگر فردی با این وجود نخست‌وزیر شد، یک نخست‌وزیر فرهنگی از خودش تحویل می‌دهد.

کارش این می‌شود که بین سیاست و فرهنگ پل بزند؛ از قبیل جواهر لعل نهرو. اگر دست به قلم بود، قلم را در خدمت فرهنگ درمی‌آورد، از قبیل دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن. اگر تاجر شد، یا گرایش خانوادگی به تجارت داشت، دغدغه فرهنگ نیز دارد. کارش این می‌شود که بین تجارت و فرهنگ پل بزند، از قبیل شادروان دکتر محمود افشار یزدی. در سطح یزد این «حسین آقا» ست که بین فرهنگ

یک مرد، با بذل بخشی از دارایی، کمر بسته در خدمت فرهنگ، آستین بالا زده در خدمت نشر. حسین بشارت.





آقای حسین آقابشارت (گذر زمان)

کازم آزرین - بزرگان - میان گذار کنجیه شار

نیز بود. رو آوردن به تجارت. این یکی برخلاف زراعت باعث فراخی معیشت می شد و منجر به تأمین یا تضمین امنیت غذایی، صرف نظر از روابط انسانی گسترده که برای آنها به ارمغان می آورد.

به نکات کلیدی اشاره داشتید. ممنونم از شما. به نظرم قبل از اینکه به طور خاص در مورد تجارت یزد، پرسش مطرح کنم، اگر به وجوه اقتصادی و منابع درآمد یزد، قبل از اکتشاف و استخراج معادن، نگاهی داشته باشید؛ شاید بتوان از این راه بحث را روان تر و نتیجه بخش تر پیش برد.

در گذشته منابع درآمد یزد به سه حوزه مختص یا مربوط می شد. یکی حوزه کشاورزی و دامداری: یزد چون در جوار شیر کوه واقع شده است، از یک منبع آبی اطمینان بخشی برخوردار است. چشمه سارهای فصلی در دامنه های شیر کوه و حفر قنات در دشت های خشک امکان بهره مندی

شاهکار نظری ابن خلدون این است که برای اول بار به جغرافیا به عنوان علت در جامعه شناسی پرداخت. یزد در مرکز جغرافیای ایران واقع شده است. نقطه اتصال بین شرق و غرب و شمال و جنوب است. تریج وسط قالی است. یزد در محاصره یک بیابان آن سرش ناپیدا و خوفناک قرار گرفته. همیشه واژه «امنیت» به طور اعم با یزد همخوانی داشته، کمتر دستخوش آشوب و راهزنی و یاغیگری بوده است. همیشه «راضی به داشته» و «دلخوش به کشته»، «قناعت ورزی»، «زحمت کشی» و «درستکاری» و «دست پایی» همراه با یزدی و یزدی ها می آمده است. آن ضرب المثل کشوری که می گوید: یزدی و دزدی!!؟ گوید تا از همه چیز است. یعنی امکان ندارد یک یزدی به مال کسی دستبرد بزند. (وقتی می گوئیم یزد، لزوماً مرکز استان که شهر یزد باشد، منظور نیست. تمام استان یا خاک یزد با همه تنوع نامحسوس فرهنگی منظور است.) باشندگان این دیار باید طبیعت را با مشقت به خدمت خود درمی آوردند. باید در این راه به جان می کوشیده اند، مثل اهالی شمال ایران نبودند که طبیعت بدون هیچ گونه زحمتی وظیفه خود بدانند که از زمین و آسمان در خدمت آنها باشد. از این رو یزدی ها سر یک دوراهی قرار داشتند. یا باید زمین را می کنند و می کاویدند و آباریکه ای از دل آن بیرون می آوردند و زراعتی می کردند مختصر و محصولی به دست می آورده اند، در حد بخور نمیر، یا باید عطای این سرزمین عسرت زده را به لقبش می بخشیدند و کوچ می کردند و با این حال یک راه دیگر

همیشه واژه «امنیت» به طور اعم با یزد همخوانی داشته، کمتر دستخوش آشوب و راهزنی و یاغیگری بوده است.

بسیار خوب. داشتید منابع درآمد یزد را برمی‌شمردید که کلامتان را قطع کردم.

منبع اول را می‌شود گفت: تولیدات نسبتاً دست‌نخورده استانی. اما دومین منبع درآمد یزدی‌ها برمی‌گردد به فرآوری بعضی از محصولات و آماده مصرف کردن آنها و صدورشان به دیگر نقاط کشور. مثلاً در استان یزد برگ حنا دست نمی‌آمد. برگ حنا را از شهداد و بم و نرماشیر کرمان می‌آوردند و در کارگاه‌های نیازی یزد، آن را می‌کوبیدند. کیسه‌بندی می‌کردند و با مارک چاپی روانه بازار مصرف در سراسر کشور می‌کردند. حتی برگ‌های فرآوری شده حنا (حنای یزد) در آسیای مرکزی و قفقاز بازار داشت. یا مثلاً پارچه‌بافی یزد و زیلوی میبد که سابقه دیرینه دارد. ماده اولیه پارچه‌بافی را که نخ باشد در دوره ماز هند می‌آوردند. این نخ معروف بود به هندی و یک نخ محلی دیگری هم بود معروف به رسمی. یا نخ ابریشم را از رشت وارد می‌کردند. بعضی از بازرگانان یزدی، بر اثر رفت‌وآمد تجاری، اساساً در رشت اقامت دائم گزیدند. نمونه‌اش: وکیل‌التجار یزدی. پدر کریم و فریدون کشاورز. توده‌ای‌های دوآتشه معروف. یا خاندان رشتی که به همین نام در یزد معروف‌اند، برای همیشه در یزد ماندگار شده‌اند. یزدی‌ها مواد اولیه این صنعت را (پارچه‌بافی) وارد می‌کردند و با هنر دست و به کارگیری فن، ترمه (رضا ترکی) و «دارایی» و «قدک» و «زری» و... را روانه بازار فروش در سطح کشور و بعضی از نقاط دنیا می‌کردند. البته ترمه یزد با نوع کشمیری آن تفاوت می‌کند. ترمه کشمیر دوختنی است اما این یکی بافتنی.

و دسترسی به این منبع آب را در گستره و ژرفا می‌دهد. در کوهپایه‌ها محصولات سردرختی و خشکبار، و در گستره بیابان فرآورده‌هایی مانند انار و پسته و روناس به دست می‌آید و اضافه بر مصرف، این اقلام را صادر می‌کردند. افزون بر این کشت تریاک هم در دوره قاجار در استان یزد اهمیت داشت و محصول آن به چین صادر می‌شد. یا مثلاً پوست گوسفند را دباغی می‌کردند و از طریق شاهرود به روسیه صادر می‌شد و به‌ازای آن دولت، کفش و کیف چرمی از همان کشور وارد می‌کرد. کفشی که می‌دانید موسوم بود به اُرسی و همین‌طور روده گوسفند. شغل روده‌تایی هم در جای‌جای استان مختصر درآمدی را نصیب اهالی می‌کرد، چنان که کشت پنبه و نخ‌ریسی و حلاجی که اولی خاص زنان بود.

بخشید به عنوان پریش داخل پرانتزی علاوه بر نفت، مادر یزد یکی دو محصول دیگر را نیز از روسیه وارد می‌کردیم که نام این کشور (اُرس) را بر خود داشته است.

علاوه بر کفش ارسی، یک در چوبی پنجره‌خوری بود به نام ارسی که در بعضی از خانه‌های اعیانی یزد اکنون نیز می‌توانید ببینید و دیگر قندی بود، به نام ارسی. هر سه از روسیه از راه شاهرود به یزد صادر می‌شد. بعدها خود ایرانی‌ها دست‌به‌کار تولید برخی از این محصولات شدند. کفش ارسی را الگوبرداری کردند و یک رشته شغلی پیدا شد به نام ارسی‌دوزی.

یزدی‌ها مواد اولیه
صنعت پارچه‌بافی را وارد
می‌کردند و با هنر دست
و به کارگیری فن، ترمه،
دارایی، قدک، وزری و...
را روانه بازار فروش در
سطح کشور و بعضی از
نقاط دنیا می‌کردند.





شیرینی یزدی هم در این گروه فرآوری شده‌ها می‌گنجد. نه؟

بله، کاملاً. شیرینی یزدی هم داستان خودش را دارد. مایلیم در این خصوص کمی توضیح بدهم. در یادداشت‌های چاپ‌شده امین‌الضرب (محمدحسن، معروف به کمپانی) که دوره ناصرالدین شاه را پوشش می‌دهد، آمده است که یکی از اقلام صادراتی یزد، حلویات است. معلوم نیست این حلویات کدام گونه از شیرینی یزدی را در بر می‌گرفته؟ باقلا؟ پشمک؟ قدر مسلم این است که قطاب نبوده است. می‌شود حدس زد که یکی از این حلویات به احتمال قوی نقل بوده است. یا حلوا آمده. یا حلوی تخت‌های که به گویش یزدی آن را «تَخگ - تَخگ» می‌گویند. ترکیبی از ارده و شکر و با تزئین کنجد. البته می‌شود اینها را حدس زد.

می‌آمد و زحمت چندانی برای تهیه آن نبود. منتها روغن را از عشایر فارس خریداری می‌کردند. این روغن که به دو صورت (خیکی و حلیبی) توزیع می‌شد، به نام روغن عرب، «کَلشوری» معروف بود. چرا که عشایر عرب موسوم به خمسه از قبیل بهارلو و ذوالقدر این ماده غذایی را تولید می‌کردند، بعدها بود که روغن کرمانشاهی پایش به یزد باز شد.

شکر جاوه‌ای مرغوب‌تر از نوع روسی آن بود. شکر روسی قهوه‌ای رنگ، اما این یکی سفید رنگ و احتمالاً شیرین‌تر و زودحل‌شونده‌تر از آن یکی بود.

به سومین و مهم‌ترین منبع در آمد یزد می‌رسیم. به نقش واسطه‌ای یزد. کالاهای زیادی را بازرگانان یزدی و غیر یزدی در اینجا انبار می‌کردند و بعد به سراسر کشور می‌فرستادند. فهرستی از این کالاها را می‌شود بیان کنید؟ این کالاها از کجا می‌آمد و به کجا فرستاده می‌شد؟ این اجناس بیشتر شامل ادویه و قماش و نخ و چای می‌شد. هر سه قلم از هند می‌آمد. یزدی‌های زیادی در هند به خصوص در شهر بمبئی دفتر تجاری داشتند. از جمله تاجران درستکار زردشتی یزد. این گروه علاوه بر تمایل به کسب سود تجاری، به طرز خودآگاه به میهن نیاکانی و زادگاه خود

ماده اولیه شیرینی شکر است. این ماده می‌دانیم که در یزد و استان‌های هم‌جوار امکان تولید آن نبوده و نیست. این قلم از کجا می‌آمد؟

تا آنجا که می‌دانم شکر را از جاوه (اندونزی یا هند هلند) می‌آوردند. این شکر معروف بود به شکر جاوه‌ای. از راه دریا وارد بوشهر، و از بوشهر به فارس و از آنجا به یزد. گویا هلندی‌ها دست‌اندرکار فرآوری این شکر بوده‌اند. شکر جاوه‌ای مرغوب‌تر از نوع روسی آن بود. شکر روسی قهوه‌ای رنگ، اما این یکی سفیدرنگ و احتمالاً شیرین‌تر و زودحل‌شونده‌تر از آن یکی بود. می‌ماند بقیه مواد لازم برای شیرینی‌سازی: پسته و بادام که در استان به دست

در یزد، شیخ مهدی عرب بود، اما انگلیسی‌ها نماینده نداشتند. در شهرهایی که کنسولگری داشتند، طبعاً احتیاج به نماینده تجاری نبود و در دیگر شهرها تلگراف‌خانه امور تجاری انگلیسی‌ها را به قول ادبار تق‌وقت می‌کرد.

فکر می‌کنم در پایان ضرورت دارد که به روابط تجاری یزد با استان‌های هم‌جوار بپردازیم. شبکه ارتباطی و تجاری یزد را کامل بررسی نکرده‌ایم، مگر به طور گذرا به این مورد هم توجه کنیم.

روابط تجاری یزد با استان کرمان منحصر می‌شود به واردات برگ حنا. دیگر محصولات کرمان از قبیل زیره به کار یزد نمی‌آید. چراکه منطقه خرائق یزد زیره‌اش به مراتب مرغوب‌تر از کرمان بود. اما با فارس روابط، گسترده‌تر و متنوع‌تر بود. از آنجا فرآورده‌های گوشتی و محصولات لبنی مانند روغن و کشک «گلشوری» و نیز گندم وارد یزد می‌شد و همگی به مصرف داخلی می‌رسید و در عوض ایلات فارس و بویراحمدی خرید پارچه و دوخت و دوزشان در یزد بود. یک عده خیاط بودند که از پارچه‌هایی موسوم به قدک و شامی برای آنها لباس مخصوص ایلاتی می‌دوختند. این گروه خیاط در یزد به نام «لردوز» معروف بودند و از صفحات خراسان نخود خام و گندم از تربت حیدریه می‌رسید و همین‌طور لوبیا از بروجرد. در یک دوره از اصفهان نخ وارد می‌شد. یعنی زمانی که اصفهانی‌ها کارخانه نخ‌ریسی تأسیس کرده بودند.



دلبستگی زیادی داشتند و این امر خیلی در استمرار و استحکام روابطی که با ایران و به‌ویژه با یزد داشتند، مؤثر بود. بازرگانان یزدی حتی در شانگهای چین دفتر تجاری داشتند. علاوه بر هند از جنوب کشور یعنی منطقه‌ای که مدت‌ها دست انگلیسی‌ها بود، قماش وارد یزد می‌شد و از این نقطه به دیگر مناطق ارسال می‌شد. می‌دانید که انگلیسی‌ها نخستین مردمانی بودند که صنایع نساجی را از حالت دستی و به‌کارگیری دستگاه‌های فرسوده سنتی، به حالت صنعتی با تولید انبوه تبدیل کردند. البته اجناس دیگری هم از دیگر کشورهای یزد وارد می‌شد که بیشتر مصرف درون‌استانی داشت. از قبیل نفت که از روسیه می‌آمد.

گویا نماینده تجاری روسیه در یزد حسین آقا افشاریه بوده است.

بله نماینده روس‌ها حسین آقا افشاریه (عمو و پدرخانم ایرج افشار) بود و همین‌طور نماینده تجاری آلمان‌ها

اجناس دیگری هم از دیگر کشورها به یزد وارد می‌شد که بیشتر مصرف درون‌استانی داشت، از قبیل نفت که از روسیه می‌آمد.



به یاد مرحوم حسین بشارت

حسین بشارت؛ آمیزه تجارت و فرهنگ

علی اکبر جعفری ندوشن

عضو هیئت علمی دانشگاه یزد



حاج حسین بشارت فرزند حاج محمد بشارت متولد ۱۳۱۱ شهر یزد و دانش آموخته حقوق دانشگاه تهران در اوایل دهه سی بود. زمانی که او در دانشکده حقوق تحصیل می کرد با ایرج افشار که رئیس کتابخانه آن دانشکده بود آشنا شد و عشق به کتاب و یزد این دو را به هم پیوندی داد که تا پایان عمر افشار برقرار بود و خانه بشارت در یزد منزلگاه همیشگی استاد افشار در سفرهای مکررش به دیار آبا و اجدادش محسوب می شد و البته محفل اهل تاریخ و فرهنگ که با آمدن افشار در آنجا گرد هم می آمدند.

به‌عنوان مدیرعامل کارخانجات پشم‌بافی شرق در توسعه صنعتی یزد پیش‌گام شد. او سال‌های زیادی به فعالیت‌های تجاری و صنعتی اشتغال داشت اما آنچه او را از بسیاری هم‌صنفان تاجر و صنعتگرش متمایز می‌کرد علاقه‌ای بود که به فرهنگ و ادب داشت. او اهل مطالعه و سفرهای سیاحتی و علمی بود و کتابخانه فاخری داشت که آن را وقف کتابخانه وزیری یزد کرد و پیش از آن نیز سالن مطالعه کتابخانه وزیری را ساخت که سال‌ها محل مطالعه کنکوری‌های فراوانی بود.

همچنین بنا به توصیه دوست دیرین خود استاد ایرج افشار نهادی در حمایت از کتاب یزد با عنوان گنجینه بشارت تأسیس کرد و از ده‌ها عنوان پژوهش و کتاب درباره یزدشناسی حمایت مالی نمود. خودش نیز خاطراتش را نوشت و سفرنامه‌های فراوانش را صورت طبع داد تا یادگاری از مشی و مرام فرهنگورانه‌اش باقی بماند. بشارت دلبستگی زیادی هم به فرهنگ عامه و نسب‌شناسی داشت و هم‌راوی صادق و دقیق تاریخ شفاهی یزد بود. او تاریخ محلات و کوچه‌های یزد را به دقت می‌شناخت و ساکنان صاحب‌نام هر کوی و برزن این شهر قدیمی را نیز به اشاره به اصل و نسب و شجره‌نامه‌هایشان معرفی می‌کرد.

او که عمر خود را در دوران نوسازی و مدرن شدن یزد سپری کرده بود بیش از هر کس تاریخ صنعتی شدن و نوبه نو شدن این شهر را باظرافت می‌دانست و به تفصیل روایت می‌کرد؛ مثلاً می‌دانست اولین موتوربرق و یاتاومبیل و... را چه کسی و به چه ترتیبی وارد یزد کرده و چگونه توسعه یافته است. هر یک از واحدهای صنعتی بزرگ و بنیان و

اما بشارت علاوه بر ایرج افشار با دیگران بزرگان و نام‌آوران فرهنگ و ادب از جمله دکترا اسلامی ندوشن نیز دوستی و مراوده نزدیکی داشت و در میزبانی و همراهی او نیز در سفرهایی که به یزد داشت سنگ تمام می‌گذاشت. این رابطه دوستانه ویژه او با دکترا اسلامی البته علاوه بر علائق فرهنگی ریشه در مراودات خانوادگی آنها داشت و اسلامی ندوشن، در دوران کودکی و تحصیل در شهر یزد به توصیه خانواده‌اش تحت مواظبت و سرکشی حاج محمد بشارت بود. به‌طوری که وقتی در واقعه آتش‌سوزی اتاقش از ناحیه پا دچار آسیب شد چند ماه در منزل حاج محمد بشارت نگهداری و تیمارداری می‌شد تا بهبود یابد و در کتاب خاطرات خود - روزها - در باره محبت‌های مادر حسین بشارت به خودش تعابیر زیبایی دارد؛ «او نگهداری مرا مانند فرزند خود بر عهده گرفت. یکی از آن نمونه زن‌های نجیب و فداکار بود که هرگز سیمای شیرینش را به هنگامی که روی من خم می‌شد و از من مراقبت می‌کرد از یاد نمی‌برم. افسوس که جوان مرگ شد و من که از یزد دور افتادم هرگز نتوانستم چنان که باید از لطف او قدرشناسی کنم؛ از آن لطف‌هایی که بی‌پاسخ می‌مانند و به همین سبب زیبایی روح بشر در آنها بهتر منعکس می‌گردد... او با حجب و شکیبایی و لطفی که خاص زن‌های شهرستانی آن زمان بود و دیگر نظیرش باز نخواهد گشت از من پرستاری می‌کرد.» (اسلامی ندوشن، روزها، ج ۱، ص ۱۱۵). حسین بشارت که دانش آموخته حقوق بود از این رشته دانشگاهی روی بر تافت و به‌جای مشاغل قضایی و حقوقی به تاسی از پدرش به کسب و کار تجاری و صنعتی پرداخت و



او تاریخ محلات و کوچه‌های یزد را به دقت می‌شناخت و ساکنان صاحب‌نام هر کوی و برزن این شهر قدیمی را نیز به اشاره به اصل و نسب و شجره‌نامه‌هایشان معرفی می‌کرد.

و بنگاه پشم بافی شرق را به مدیریت فرزندش حسین بشارت تأسیس کند و پدر و پسر به صنعتگری کارآفرین بدل گردند. این دادوستد تجاری پربرکت علایق و دل بستگی های فرهنگی نیز بین بشارت ها و ندوشن رقم زده بود و آنها را با اقشار مختلف مردم ندوشن و فرهنگ عامه و آداب و رسوم آنان آشنا ساخته بود. از این رو حسین آقا بشارت با آن حافظه قوی و نگاه تیزبین و هوش فوق العاده ای که داشت به یکی از منابع تاریخ شفاهی آن منطقه بدل شده بود که در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ندوشن و علم رجال و انساب آن به محققین و علاقه مندان، اطلاعات زیادی می داد.

بشارت نرم خوی و آرام بود و بسیار متین و باوقار و مؤدب با همگان روبرو می شد. با این که صاحب نام و متعین بود اما کوچک ترین اثری از تبختر و تفرعن در رفتارش نبود. تجربه تجارت و بازار و سفر او را اهل حزم و بردباری و دوراندیشی ساخته بود و لذا بسیار متین و محتاط بود اما اهل ترس و محافظه کاری هم نبود و در جای خود از صراحت و قاطعیت در اظهار نظر خودداری نمی کرد. خوشبختانه در سال های اخیر به چند نوبت در معرفی و تکریم وی کوشیدیم و قدر زحماتش را پاس داشتیم. همین چند هفته قبل تماسی گرفت و از تدارک گزارشی که درباره خدماتش به کتاب تهیه کردیم و در تلویزیون پخش شده بود، تشکر کرد. گمانم نبود که آخرین باری است که باهم گفتگو می کنیم، قرار هم صحبتی حضوری برای هفته های بعد گذاشتیم، غافل از این که اجل در کمین نشست و این فرصت را دریغ خواهد داشت.

روحش شاد.

کار آفرینان را به خلق و خوی و نحوه مدیریت توصیف می کرد و از این گذشته موانع و مشکلات مدرنیزاسیون در این شهر سنتی را از جهات فرهنگی و اجتماعی نیز با شاهد مثال های تاریخی برمی شمرد و تحلیل های دست اولی از آن به دست می داد. از این جهت شاید دیگر نتوان کسی را یافت که چون او به جزئیات تاریخ قرن اخیر یزد تسلط داشته باشد. حاج حسین به واسطه پدرش که کارگزار فروش لبنیات ندوشن بود با تاریخ و آداب و رسوم ندوشن به ویژه فرهنگ دامداری آن سامان آشنایی خوبی داشت و گاهی روایت های دست اولی از زندگی پیشینیان ما به دست می داد. همین موضوع، انس و الفت خاصی بین ما رقم زده بود و باعث شد تا ساعات زیادی در گفتگو با هم بگذرانیم. حاصل این گفت و شنودها این بود که خاندان بشارت در یک دادوستد تجاری با دامداران ندوشن موجب شدند تا پنیر ندوشن در یزد به تعبیر ایرج افشار حکم پنیر ليقوان در تهران پیدا کند. این برندسازی تجاری از پنیر ندوشن کسب و کار دامداران ندوشن را رونق داد و رفاه و امنیتی در آن ناحیه پدید آورد و متقابلاً دامداران ندوشن نیز از این خدمت تجاری بشارت آگاه بودند، عاملیت فروش پنیر ندوشن را در یزد به صورت انحصاری به حاج محمد بشارت سپردند و در سال های ترسالی که شیر فراوانی به دست می آمد، سودآوری خوبی برای خود و حاج محمد بشارت فراهم می کردند. بدین رو بود که حاج محمد بشارت هم از کنف چنین امتیازی توانست با توسعه کسب و کار خود به تدریج به سرمایه گذاری در صنعت نساجی و پشم بافی گرایش یابد

شاید دیگر نتوان کسی را یافت که چون او به جزئیات تاریخ قرن اخیر یزد تسلط داشته باشد.



نقدی بر بیلبوردهای تبلیغاتی بانوی زهرایی

کلیشه‌های نخ نما بر روی بیلبوردهای تبلیغاتی شهر

این روزها در سطح شهر یزد با صدها بیلبورد و بنرهای تبلیغاتی مواجه می‌شویم که در نگاه اول کالاها و خدمات تجاری را تبلیغ می‌کنند ولی در کنار این تبلیغات، بیلبوردهایی هم هستند که به پیام‌هایی با مضامین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی اختصاص پیدا می‌کنند. بیلبوردهایی که همگی می‌بایست از فیلتر سازمان زیباسازی شهرداری یزد عبور کنند. تبلیغات می‌توانند به فکر کردن ما جهت بخشدند و حتی می‌توانند سبک زندگی خاصی را بین مخاطبان خود ترویج دهند. پرسش این جاست این بنر با چه هدف و مقصودی طراحی و اکران شده است و چه پیامی را انتقال می‌دهند؟

شادی شفيعی



یا ناخواسته می‌خواهد این پیام را انتقال بدهد که اگر هر کسی نقش خود را در خانواده به درستی ایفا کند، همیشه آرامش در خانه حکم فرماست. شاید نقش درست از دید دست‌اندرکاران این تبلیغ، همان نقش کلیشه‌ای و سنتی زنان در خانه است. در صورتی که زنان یزدی در جامعه حضور بسیار پررنگی دارند.

هیچ وسیله ارتباطی حق ندارد با استفاده از قدرت، بودجه عمومی و رانتهایی که در اختیارش است، حق نبی از جمعیت راضی کند. این در حالی است که امروزه زنان دوشادوش مردان در جامعه حضور دارند و نمی‌توان با جدیت گفت که زنان خانه‌دار فرزند بهتری را به جامعه تحویل می‌دهند و یا اینکه زنان برای امور خانه باید وقت خود را صرف کنند و همیشه حواس آنها باید به کارهای داخل منزل باشد و آن‌طور این بنرهای شهری به ما می‌گوید پخت و پز و فراهم کردن آسایش و آرامش خانه تنها بر دوش زن و یا حتی فرزند دختر خانواده است. این بلبورد‌های جدید شهرداری می‌خواهد پیام و سبک زندگی خاصی را به عموم جامعه انتقال بدهد و بگوید سبک درست زندگی آن چیزی است که ما می‌گوییم. آنچه در این میان حائز اهمیت است، نحوه نظارت‌هاست. اینکه هزینه‌های سنگینی که صرف بلبورد‌ها در سطح شهر می‌شوند، به جیب کدام ارگان می‌رود و آیا بر محتوای این بلبورد‌ها دقت عملی صورت می‌گیرد یا خیر؟ آیا نوع تبلیغات، بی‌عدالتی و نادیده گرفتن بخش عظیمی از بانوان فعال در جامعه که به اقتصاد جامعه و معیشت خانواده کمک می‌کنند، نیست؟

و آموزش برای افراد را دارد؛ دو جنسیت را به یک اندازه مورد انتقاد یا مخاطب قرار دهد.

❖ رفتار ناشایست را آموزش ندهیم

در یکی از این بنرها مازنی را در فضایی از اتوبوس شهری می‌بینیم که کودک خود را به آغوش گرفته و در اتوبوس به دلیل نبودن فضا برای نشستن ایستاده است، در حالی که زنان دیگر بدون توجه به این موضوع در حال گفتگو هستند و مردان نیز با بی‌تفاوتی فقط به او نگاه می‌کنند. لبخندی بر چهره زن نشسته حکایت از رضایت وضع موجود دارد و گویا زن داستان ما از وضعیت خود راضی است. این بنر شهری چه پیامی را می‌خواهد به جامعه انتقال بدهد؟ چرا سعی نمی‌کند با استفاده از هزینه و رانتهایی که در اختیار دارد، رفتار درستی از شهروندی را به جامعه آموزش بدهد نه پیامی خالی از هرگونه آموزش و تنها برگرفته از یک تفکر متعصبانه!!

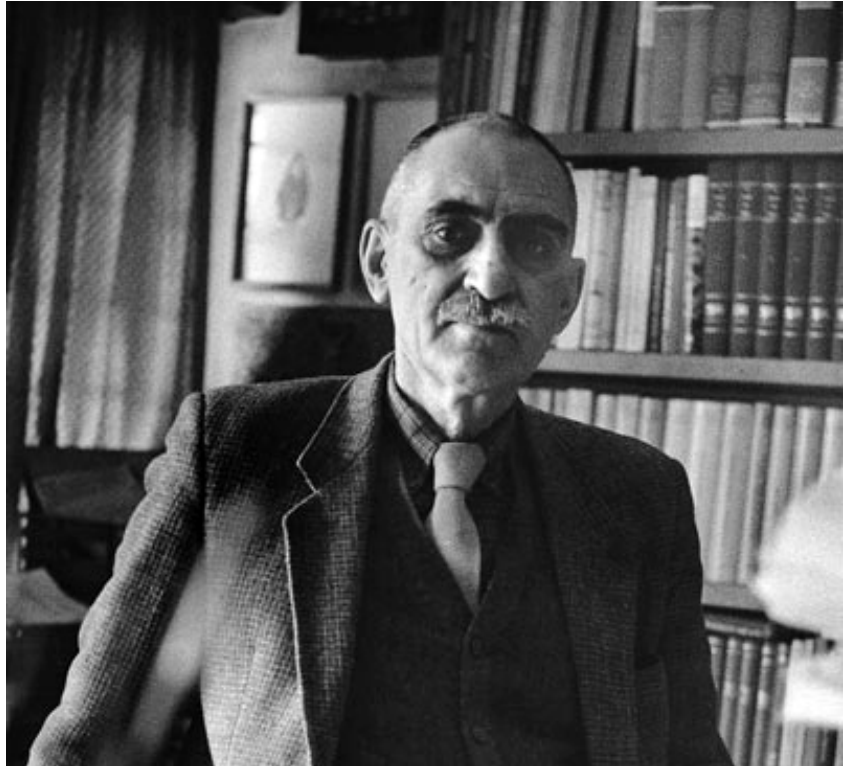
چرا که آنچه در تصویر می‌بینیم با آنچه در واقعیت با آن روبرو هستیم بسیار تفاوت دارد و مردمان جامعه ما چه زن و چه مرد هیچ موقع نسبت به ایستادن یک مادر با کودک در آغوش در یک اتوبوس شهری بی‌تفاوت نیستند!

❖ کلیشه‌های تکراری

در تبلیغی دیگر شاهد بازنمایی سنتی نقش زن در خانواده هستیم، یعنی همان کلیشه تکراری که مادر سبزی پاک می‌کند، دختر ظرف می‌شوید و پدر و پسر با هم درس می‌خوانند و می‌خندند و مادر خانواده نیز لبخندی حکایت از رضایت به لب دارد. این تصویر خواسته

یکی از این تکنیک‌های مهم در تبلیغات «کلیشه‌سازی» است؛ بنابراین پیام‌های رسانه‌ای به‌ویژه تبلیغات می‌توانند با ارائه تصویری شایسته از زنان تأثیر مهمی بر وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زنان بگذارند. چندهفته‌ای است که در سطح شهر شاهد نصب بنرهایی با عنوان بانوی زهرایی هستیم.

پیامی که این بنرها به جامعه انتقال می‌دهند با مضامین اسلامی و تاکید بر احترام به زنان جامعه مغایرت دارد. چرا که در تاریخ اسلام شاهد حضور پررنگ زنان بزرگی چون حضرت فاطمه، حضرت خدیجه و حضرت زینب هستیم و می‌بینیم که چگونه با حضور خود در اجتماع و دوشادوش مردان، چه نقش مهم و سازنده‌ای در وقایع اسلام داشتند. این بنرهای شهری تلاش می‌کنند تا به دور از آموزش شهروندی و در قالب همان کلیشه‌سازی و بازنمایی نقش سنتی زن پیام و سبک زندگی خاصی به جامعه القا کنند؛ یعنی زنان همراه با کودکان [کلیشه نقش مادر] یا همان مناسبات مردسالارانه در جامعه. شکاف جنسیتی به تبلیغات محیطی شهر یزد هم راه یافته و جنس زن را نشانه گرفته است، چرا که مفاهیم قصد دارند به طرقی مانع حضور زنان در جامعه شوند. سؤال اینجاست که چرا افرادی دائماً در تلاش برای اصلاح رفتار زنان هستند یا تصمیم‌ها و انتخاب‌های آنها را به باد انتقاد می‌گیرند؟ این چنین رویکردهایی باعث می‌شود زنان همیشه مورد پیش‌داوری قرار می‌گیرند؛ بنابراین باید سازمان زیباسازی یا تبلیغات شهری به دور از جنسیت افراد و خارج از پیام‌های جنسیتی شهروندان را اعم از مرد و زن یکسان بشمارد و اگر قصد فرهنگ‌سازی



شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش دهم)

با محوریت استاد افشار؛ گسترش همکاری‌ها با مراکز علمی و فرهنگی

حسین مسرت



در پنجم اسفند ۱۳۸۲ رخداد تلخ دیگری در زندگی افشار رقم خورد و آن درگذشت فرزند بزرگش بابک، مدیر کتاب‌فروشی تاریخ بود که به قول پدر «فریفته و دل سوخته به مسائل کتاب ایران بود و با تأسیس کتاب‌فروشی تاریخ نشان داد که آن پیشه باید محفل فرهنگی و کانون شناساندن کتاب باشد.» افشار بعدها به یادبود او دو جلد کتاب به نام «کتاب‌فروشی» چاپ کرد.

در قرن بیستم» بود که به کوشش نهادهای زیر برگزار شد:

بنیاد میراث ایران، مؤسسه شرق شناسی دانشگاه آکسفورد، مؤسسه میراث فرهنگی روشن، کالج ادهام و سنت آنتونی.

با کوشش و علاقه مندی افشار و گردآوری واژه های جدید، دومین ویرایش واژه نامه یزدی با حجمی دوبرابر و ویرایش پیشین، در سال ۱۳۸۴ چاپ شد. در این چاپ، افشار، ضرب المثل های یزدی و نقدهای دکتر علی اشرف صادقی و حسین مسرت را بر واژه نامه را نیز بدان افزوده بود.

و این سال، پایانی بود بر فعالیت حدود ۶۰ ساله مجله فرهنگ ایران زمین: «فرهنگ ایران زمین که با همکاری، همفکری، همدلی، هم سخنی و هم قلمی چهار تن از دوستان دانشمند صدیق بنیاد گذاشته شد با این مجلد که سی امین جلدش به دسترسی علاقه مندان می رسد، پایان یافتن آن اعلام می شود. سی امین جلد فرهنگ ایران زمین موقعی نشر می شود که ۳ تن از بنیان گذاران در گذشته اند.» اما مهم ترین کتاب نشر شده وی در سال ۱۳۸۴، گلگشت در وطن، حاوی سفرنامه های اوست.

سال ۱۳۸۴ سال پرکاری از نظر سفرهای علمی فرهنگی افشار بود، زیرا در خرداد و تیر راهی آکسفورد شد. در تابستان راهی کلمبیا شد. سپس برای گسترش مجموعه کتاب های فارسی به دانشگاه هاروارد رفت و سرانجام در ۲۴ و ۲۵ دی برای مدیریت علمی و اداره نشست سمینار بین المللی ایران و

دفتر نخست «خاطرات شازده حمام» نگارش دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دیگر کتابی بود که به تشخیص افشار در گنجینه حسین بشارت در سال ۱۳۸۳ چاپ گردید. این کتاب در بردارنده یادبودهای سال های کودکی تا جوانی پاپلی یزدی در شهر یزداست.

افشار آن گاه که دفتر نخست فهرست نسخه های خطی کتابخانه میرزا محمد کاظمینی در یزدا آماده چاپ بود، با خرسندی دیباچه های در اهمیتت این گونه فهرست ها نوشت:

«این فهرست گنجینه ای را معرفی می کند که به یک شهر مرکزی تاریخی ایران تعلق دارد. چه بسا، بسیاری از نسخه های گردآوری شده در آن پیش از این در روستا و آبادی های همان پهنه بوده است (مانند قرآن شماره ۵۱ که وقف قریه نصرآباد بوده است). با شناختن نام کاتبان و مالکان پیشین، طبعاً از سرگذشت نسخه آگاه می شویم و از آن راه می توانیم نگرش و سنجشی بهتر به وضع فرهنگی گذشته آن سامان داشته باشیم.»

در این سال افشار در بردارنده جایزه کتاب سال شد، اما آن را نگرفت و با بزرگواری به کتابخانه دانشگاه تهران اهدا کرد. همو ناظر مجموعه «گنجینه نشریات ادواری» انتشارات اساطیر شد و در همان سال در همایش نسخه خطی سفینه تبریز در لیدن، شرکت کرد. پنج نفر از طرف دولت رفته بودند و او جداگانه دعوت شده بود. دیگر همایشی که افشار شرکت کرد «مجمع تاریخ نگاری و فرهنگ سیاسی ایران

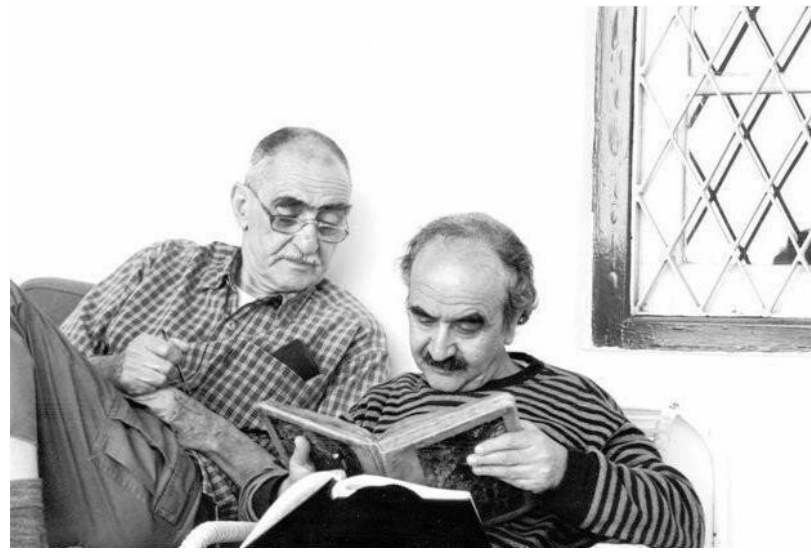


▲ ایرج افشار در کنار پدر

جستجوگر در احوال فرهنگی یزد.»
در این سالیان هر آن کس که در حوزه تاریخ و فرهنگ و رجال یزد کار می‌کرد، به اعتبار پژوهش‌های افشار در حوزه یزدشناسی، بی‌گمان نخستین راهنما و راهبر و گاه تکیه‌گاهش افشار بود:

«من در فکر پژوهش تاریخ یزد در پیش از عصر جدید بودم. موضوع مورد نظر این امتیاز را داشت که مرا مجبور می‌کرد آیین‌های فرهنگی غنی و مردمانی با آوازه سخت کوش و لیاقت مورد بررسی قرار دهم. پروفیسور لمیتون که سال‌ها بود رابطه‌ای عمیق و مبتنی بر احترام متقابل با ایرج افشار داشت، مرا به صرف شام دعوت کرد تا در آنجا به پژوهشگر طراز اول یزد که بیش از هر انسان زنده دیگری از تاریخ زادگاه پدری خود مطلع بود، معرفی شوم. شگفتی و مسرت از آنکه او از تمایل من برای پژوهش در زمینه یزد استقبال کرد. شور و انرژی‌ای که در حرکات او بود، نگاه نافذ و اجزای متناسب چهره‌ای نیرومند که به زحمت در خلال دهه‌ها تغییر کرد، با خود گفتم اگر یزدی این است، تحقیق درباره یزد باید انتخاب درستی باشد.»

در این سال جایزه انجمن مطالعات ایرانی آمریکا به او تعلق گرفت. باز به انتخاب هیئت گزینش کتاب و جایزه، مرگب از آقایان محقق داماد، دکتر جعفر شهیدی، دکتر ژاله آموزگار، کاوه بیات و ایرج افشار، هانس دوهرین، دانشمند هلندی، یکی دیگر از ایران‌شناسان در سال ۱۳۸۵، نامزد دریافت جایزه بنیاد موقوفات گردید. دوهرین، همراه ایرج افشار به یزد آمدند



اسلام در دانشگاه اوزاکا راهی ژاپن شد. در این نشست ۹ ایران‌شناس ژاپنی و ۶ نفر از ایران شرکت داشتند. در این سال عضو شورای عالی علمی دانشنامه ایران وابسته به دایرة المعارف بزرگ اسلامی گردید (تا سال ۱۳۸۹).

مهم‌ترین کتاب تاریخی یزد در عصر صفوی، دوره جامع مفیدی تصحیح افشار است که در سال ۱۳۸۵ چاپ دوم آن با افزودگی بخشی از جلد دوم منتشر شد، نیز با مقدمه افشار، نهمین کتاب گنجینه بشارت با عنوان: «یزد، شهر من» در بردارنده یادبودهای حسین بشارت چاپ شد:

«آقای بشارت در این رساله کوچک، اما گویا، بر سرکاری پافشارده‌اند که اگر ده تا همانند آن بیاید، بسیاری از آگاهی‌های ضروری برای شناخت فرهنگ پیشین شهری - که نگاهبانی از سنت‌های دیرینه آن فرض است - از میان نرفته بود، بنابراین نوشته دلپسند ایشان غنیمتی است برای آیندگان

در این سالیان هر آن کس که در حوزه تاریخ و فرهنگ و رجال یزد کار می‌کرد، به اعتبار پژوهش‌های افشار در حوزه یزدشناسی، بی‌گمان نخستین راهنما و راهبر و گاه تکیه‌گاهش افشار بود.





افشار در شهریور
۱۳۸۶ برای شرکت
در کنفرانس انجمن
ایران شناسی اروپایی
که توسط انستیتو
ایران شناسی وین
برگزار می شد،
راهی وین شد.



قرار گرفته است.
افشار در شهریور ۱۳۸۶ برای شرکت
در کنفرانس انجمن ایران شناسی
اروپایی که توسط انستیتو
ایران شناسی وین برگزار می شد، راهی
وین شد.

«یادم می آید در همان اوایل شروع
کنفرانس، استاد خیلی علاقه مند
بودند حقاری های باستانی رومی را
که در مرکز شهر وین واقع شده است
به اساتید همراهشان نشان بدهند.
همراهی استاد افشار و اساتید و دیدار
از آثار تاریخی شهر وین در آن روز،
شروع آشنایی و دوستی عمیق و با
ارزشی با یکدیگر آنان بود.»

سال ۱۳۷۸ کتاب دیگری در
گنجینه بشارت (ش ۱۲) و سلسله
انتشارات فرهنگ ایران زمین با نام
«دیوان سعیدای نقشبند یزدی» به
کوشش رضیه رضایی تفتی و با همت
و پیگیری افشار در حوزه یزدپژوهی
چاپ می شود.

پی آمد سفرهای مکرر افشار به وین و
برگزاری جلسات مشترک با پروفیسور
فراگنر و اکبر ایرانی درباره تشکیل
دوره آموزشی نسخه شناسی در وین،
سرانجام در روزهای ۳۱ شهریور تا
۴ مهر ۱۳۸۷ این دوره با همکاری
مؤثر انستیتو ایران شناسی وین در
فرهنگستان علوم اتریش در وین
بر گزار شد. البته سازمان های دیگری
مانند کتابخانه ملی و آرشیو دولتی
اتریش و انجمن ایران و اتریش نیز
همراهی کرد و از ایران هم چندین
نهاد، مانند: مرکز پژوهشی میراث
مکتوب، کتابخانه ملی، مجلس،
دانشگاه تهران، آستان قدس، مجمع

و نگارنده پذیرای آنان بود.
خبر ناگوار برای افشار، در گذشت
برادرش قباد در تاریخ ۱۳۸۵/۲۰/۱۰
بود که او را پژوهشگر زبان های
سانسکریت و سومری می شناختند.
بنا به نظر کتابخانه ملی ایران، در تاریخ
۱۳۸۵/۹/۲۰، افشار به همراه دکتر
ابهری و سید صادق حسینی اشکوری
به عنوان نمایندگان ایران در مسابقه
حافظه جهانی یونسکو معرفی شدند.
اقدام شایان تقدیر افشار در سال ۱۳۸۵
واگذاری کتابخانه شخصی فرزندش
بابک با موافقت همسروی ماری صوفی
به کتابخانه وزیری یزد بود.

سال ۱۳۸۶ دو کتاب از افشار در
حوزه یزدشناسی چاپ شد. نخست
چاپ سوم تاریخ جدید یزد، نگارش
احمد کاتب یزدی و دیگری گردآوری
و تصحیح «منظومات» سروده
شرف الدین علی یزدی در سلسله
انتشارات فرهنگ ایران زمین (ش ۴۴)
و گنجینه حسین بشارت (ش ۱۰).

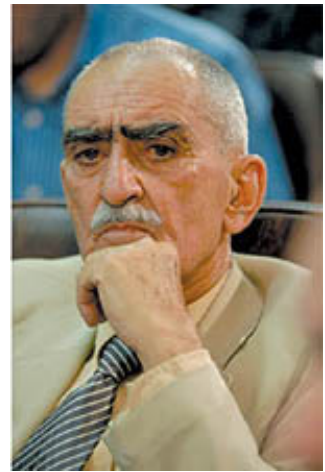
این کتاب مجموعه اشعار شرف الدین
علی یزدی، تاریخ نگار نامی یزد در عهد
تیموریان و نویسنده کتاب ظفرنامه و
ده ها کتاب و رساله دیگر است، افشار
مقدمه ای در گزارش زندگی، آثار و
کتاب شناسی شرف الدین علی یزدی
دارد:

«سروده های شرف، شعریتی ندارد.
منظومه هایی است از فاضلی وزیر که
بیشتر مناسبت گوئی کرده است و
عمده برای فواید تاریخی آنها باید به
چاپ برسد.» دیگر کتاب چاپ شده،
چاپ دوم قرخ نامه اثر ابوبکر مطهر بن
جمالی یزدی است که به کوشش افشار
در دسترس دستداران علوم طبیعت

ذخائر اسلامی و دایرة المعارف بزرگ اسلامی حمایت نمودند و در نهایت ۱۴ نسخه‌شناس بنام از ایران و ۷ نسخه‌شناس نامی از کشورهای اتریش، فرانسه، آلمان، هلند، روسیه، تاجیکستان به رهبری افشار این دوره آموزشی را از اول مهر آغاز کردند، سخنران نخستین، افشار و با عنوان: «نگاه پانورامیک به کدیکولوژی نسخه‌های خطی فارسی» بود. نزدیک به پنجاه دانشجو، کتابدار و علاقه‌مند به نسخه‌شناسی با هزینه خود از اروپا، آسیا و آمریکا در این دوره شرکت داشتند.

نکته پایان و جالب توجه آنکه: «در خاتمه این سمینار ۵ روزه، استاد ایرج افشار با افتخار تمام، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این سمینار به عهده بانوانی گذاشت که در این سمینار فعالانه شرکت داشتند، مدیریت جلسه به عهده خانم خانبابا بیانی گذاشته شد و خانم‌ها فریبا افکاری، پریسا کرم رضایی و سوسن اصیلی که هر کدام به نوبه خود سخنرانی بسیار مفیدی ارائه داده بودند، وظیفه‌شان را با صلاحیت تمام انجام دادند. تمام این فعالیت‌های علمی که یکی از محورهای مهم آن استاد افشار بود، شبکه ارتباطی پژوهشگران انستیتوی ایران‌شناسی در وین را با اساتید ایرانی و غیر ایرانی، بیشتر و بیشتر گسترش داد و باعث همکاری وسیع‌تری با مراکز علمی و فرهنگی در زمینه زبان، فرهنگ و تاریخ ایران شد.»

در سال ۱۳۸۸ به‌غیر از مقالات متعدّد



نزدیک به پنجاه دانشجو، کتابدار و علاقه‌مند به نسخه‌شناسی با هزینه خود از اروپا، آسیا و آمریکا در این دوره شرکت داشتند.

و کتاب‌های گوناگونی که از افشار چاپ شد، در حوزه یزدشناسی، دو کتاب یکی با مقدمه وی و دیگری به کوشش وی آراسته گردید. نخست خاطرات و کیل التولیه: اثر میرزا محمد نواب رضوی، به کوشش: علی اکبر تشکری بافقی و با مقدمه افشار:

«شاید بتوان گفت که پس از جامع جعفری (تاریخ خوانین یزد)، کتابی دیگر جز این نداریم که تا حدودی سلسله حوادث تاریخی مربوط به یزد را در برداشته باشد و تردید نیست که خاطرات و کیل، یکی از مآخذ با بن و ریشه برای شناخت خاک یزد است و مخصوصاً از این مقوله که مؤلف، بخش‌های زیادی را با صحبت از آبادی‌های روستایی یزد و مسائل خاص کشاورزی و آبادانی آن نقاط مخصوص کرده است. ضمن آنکه از گفتن وقایع خاص هر یک از حاکمان اعزامی بازمانده است.» این کتاب با دقت نظر و راهنمایی‌های فراوان افشار و البته با پیگیری مجدانه او در انتشارات سخن چاپ شد. دیگری «منشآت» اثر شرف‌الدین علی یزدی که به کوشش افشار و با همکاری محمدرضا ابویی مهریزی در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین (ش ۴۵) و گنجینه بشارت (ش ۱۱) چاپ شد. کتاب، دیباچه‌ای در گزارش زندگی، آثار و کتاب‌شناسی شرف‌الدین علی یزدی دارد. در این سال، واپسین جلد فهرست مقالات فارسی (جلد هفتم) با نظارت او و به کوشش و گردآوری ایران نازکاشیان در دو جلد چاپ شد.



آیین رونمایی از خشت سوم کتاب ثبت‌احوال بافت برگزار شد

یزد مهم‌تر از هر چیزی است و باید باقی بماند

آیین رونمایی از خشت سوم کتاب ثبت‌احوال بافت شامگاه ۲۹ دی‌ماه با حضور هنرمندان و هنردوستان در خانه فرهنگ صدوقی برگزار شد. در این مراسم رئیس ایکوم ایران، شهردار بافت تاریخی یزد، جمعی از اعضای شورای پنجم و ششم شهر یزد همچنین تعدادی از هنرمندان پیش‌کسوت یزد حضور داشتند.

عاطفه ابراهیمی



را مصرف نمی‌کنند در واقع همیشه سرمایه بود تا از سود آن بهره‌برداری کنند. رئیس ایکوم ایران گفت: زمانی که فراموش کردیم این سرمایه برای آیندگان است و آن را مصرف کردیم آن زمان، زمین‌ها نشست کردند تالاب‌ها

محیط زیست و طبیعت باشد. توسعه‌ای که بر این دو اصل استوار نیست توسعه واقعی نخواهد بود. محیط طباطبایی ادامه داد: یکی از ارزش‌های این بافت تاریخی، مردمان یزد هستند که نگرش اقتصادی به زندگی دارند. آدم‌هایی که اقتصادی نگاه می‌کنند سرمایه

سید احمد محیط طباطبایی پژوهشگر، مورخ، مشاور پیشین رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و رئیس ایکوم ایران در این مراسم با اشاره به ارزش بافت تاریخی یزد گفت: زمانی کشور در مسیر توسعه واقعی قرار می‌گیرد که تصمیمات مبتنی بر میراث فرهنگی و

خشک شدند و رودخانه‌ها از بین رفتند. ما در حال حاضر با بحران مدیریتی مواجه هستیم که نمی‌تواند از گذشته خود برای آینده استفاده کند. افرای که به میراث علاقه دارند کسانی هستند که به آینده علاقه دارند و نگاهشان به آینده است. او تاکید کرد: ما یک نوع صلح ایرانی داریم صلحی که دو شهر نمونه‌اش شیراز و یزد است این دو شهر تمام ثروتشان را برای آینده گذاشته‌اند.

کتاب «ثبت احوال بافت» در برگیرنده مجموعه عکس‌هایی از بافت قدیم یزد است و تلاش می‌کند تا شرایط زندگی در فصول مختلف سال را به صورت مستند به تصویر بکشد.

رسیده‌اند. مردمان یزد نشانی از صبر و تحمل و شکیبایی مبتنی بر ارزش‌ها گذشته خودشان دارند. یزد مهم‌تر از هر چیزی است و باید باقی بماند.

سید حمید کلانتری استاندار سابق یزد نیز در آیین رونمایی از خشت سوم کتاب ثبت احوال بافت گفت: ارزش بافت تاریخی یزد هنوز برای ما ناشناخته است. خارجی‌ها اهمیت این بافت را درک کرده‌اند اما خودمان هنوز حرمت میراث جهانی شدن یزد را پاس نداشتیم. وی افزود: برای ثبت جهانی یزد، بسیار تلاش شده و این افتخار، یک ثروت ملی است. با این حال طبی این چند سال جای همایش‌گردهمایی و هم‌اندیشی در این زمینه بسیار خالی است. اگر چه فعالیت‌هایی مانند انتشار این کتاب که هنر ارزشمند هنرمندان ما را مدون و مصور کرده‌اند و در قالب چند جلد کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار داده‌اند بسیار ارزشمند است.

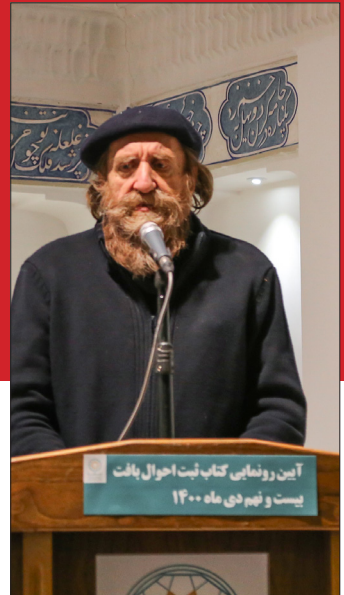
کلانتری ادامه داد: بافت تاریخی یزد، روح تاریخی و شایستگی‌های مردم هنرمند و هنردوست این شهر است. باید تلاش کنیم یزد را در دو زمینه میراث جهانی و نوآوری و خلاقیت که از جنس تاریخی خود یزدی‌هاست به استان محوری گردشگری ایران تبدیل کنیم. حمیدرضا صالحیه یزدی مدیرعامل مجموعه تابا نیز با اشاره به فعالیت‌های این مجموعه به دغدغه همکاری‌ها در حفظ میراث فرهنگی و بافت تاریخی یزد اشاره کرد و گفت: این مجموعه حاصل تلاش همکاران من در مجموعه تابا و همچنین همراهی بسیاری از هنرمندان یزد است.

صالحیه تاکید کرد: متأسفانه شرایط اقتصادی برای انتشار جلد چهارم

سخت است اما تلاش می‌کنیم با همراهی عکاسان و هنرمندان استان همچنین مسئولان و مدیران، مجموعه عکس‌های تابستان را نیز منتشر کنیم تا هر چهار خشت این مجموعه کامل شود. مدیرعامل مجموعه تابا تصریح کرد: این مجموعه در نظر دارد سال آینده و هم‌زمان با روز معمار با همراهی و همکاری اداره کل میراث فرهنگی، سازمان نظام‌مهندسی و شهرداری یزد از استاد کاران سنتی معماری یزد تجلیل و تقدیر کند. تلاش می‌کنیم علاوه بر برگزاری این نشست مجموعه مستندی از بخش‌های مختلف هنر معماری ثبت و ضبط شود. وی در پایان از حمایت‌های بیت محترم سومین شهید محراب، همچنین همراهی سید هادی رضوی و خانم‌ها رقیه توکلی و فرشاد در انتشار کتاب ثبت احوال بافت قدردانی کرد.

کتاب «ثبت احوال بافت» در برگیرنده مجموعه عکس‌هایی از بافت قدیم یزد است و تلاش می‌کند تا شرایط زندگی در فصول مختلف سال را به صورت مستند به تصویر بکشد. خشت نخست این مجموعه، تصاویری از زمستان سال ۹۲ شهر تاریخی یزد است که به کوشش مجموعه تابا (توسعه احیای بافت خشت خام ایرانیان) تهیه شده و تیمی از عکاسان حرفه‌ای استان، این تصاویر را ثبت کرده‌اند و خشت دوم این کتاب، بهار یزد را به تصویر کشیده و در سال ۱۳۹۳ منتشر شد. خشت سوم این کتاب که در بردارنده عکس‌های پاییز بافت تاریخی یزد است منتشر شده و خشت چهارم شامل تصاویر تابستان بافت تاریخی، سال آینده جمع‌آوری و منتشر می‌شود.

این دو شهر باقی‌مانده‌اند تا فرهنگ را حفظ کنند که سرمایه و الگویی باشند. به گفته محیط طباطبایی مردم در یزد به صلح نه به معنای تسلیم بلکه به معنای همراهی با طبیعت و دیگران



یزد استور

فروشگاه اینترنتی
ویژه محصولات یزد

www.YazdStore.com

